

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فارسی بیاموزیم!

آموزش زبان فارسی

دوره ی میانه

جلد دوم



نام کتاب: فارسی بیاموزیم!
(آموزش زبان فارسی - دوره ی میانه - جلد دوم - کتاب درس)
مدیر مسئول طرح: مهندس جعفر علاقه‌مندان
مؤلفان: دکتر حسن ذوالفقاری، دکتر مهید غفاری، دکتر بهروز محمودی بختیاری
مدیر علمی: دکتر حسن ذوالفقاری
مدیر اجرایی: دکتر حیدر تورانی
مشاوران: دکتر یدالله ثمره، دکتر علی محمد حق شناس، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر شهین نعمت‌زاده
مدیر هنری: فرشید مثقالی
تصاویر: علی درخشی
ویراستاران: شمس زنجانی، ژاله راستانی
ناظران طرح: مهندس علی جزینی، دکتر مسعود اسلامی
سفارش دهنده: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در
آمریکای شمالی
ناشر: انتشارات مدرسه
چاپخانه: شرکت افست «سهامی عام»
سال چاپ: ۱۳۸۳
نوبت چاپ: دوم
حق چاپ محفوظ است
شابک ۷-۴۷۸-۳۸۵-۹۶۴
ISBN 964-385-478-7
تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

ذوالفقاری، حسن، ۱۳۴۵ -
فارسی بیاموزیم: آموزش زبان فارسی دوره ی میانه
کتاب درس / مؤلفان حسن ذوالفقاری، مهید غفاری، بهروز
محمودی بختیاری؛ تصاویر علی درخشی. - تهران: مدرسه،
۱۳۸۳.
ج. : مصور (رنگی)، جدول.
I.S.B.N: 964-385-478-7. (ج. ۲).
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (جلد ۲).
به سفارش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در
آمریکای شمالی.
واژه‌نامه.
چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۸۱ توسط سازمان
پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر چاپ و توزیع کتابهای
درسی منتشر شده است.
۱. فارسی - کتابهای درسی برای خارجیان.
۲. فارسی - کشورهای خارجی - آموزش. ۳. فارسی -
راهنمای آموزشی (ابتدایی). ۴. فارسی - مکالمه
و جمله‌سازی. الف. غفاری، مهید. ب. محمودی بختیاری،
بهروز، ۱۳۵۲ - ج. درخشی، علی، تصویرگر.
د. عنوان. ه. عنوان: آموزش زبان فارسی دوره ی میانه
کتاب درس.

۲ ف ۸ / ۲۴

PIR ۲۸۲۷ / ۹ ف ۲

فهرست درس ها

۲	درس ۱: یادت هست که ...
۸	درس ۲: چه پارک قشنگی!
۱۶	درس ۳: آلو سلام...
۲۴	درس ۴: بهترین تیم آسیا کدومه؟
۳۰	درس ۵: متأسفم...
۳۸	درس ۶: دیروز کجا بودی؟
۴۶	درس ۷: با کمال میل!
۵۲	درس ۸: چی میل دارین؟
۶۰	درس ۹: کجا تشریف می برین؟
۶۶	درس ۱۰: مرور کنیم!
۷۴	درس ۱۱: عیدت مبارک!
۸۲	درس ۱۲: هفت سین چیه؟
۸۸	درس ۱۳: صد سال به این سال ها!
۹۴	درس ۱۴: عیدی چی گرفتی؟
۱۰۲	درس ۱۵: «سیزده به در» کجا می ری؟
۱۱۰	درس ۱۶: چند شب این هتل اقامت می کنین؟
۱۱۶	درس ۱۷: باید می رفتی دکتر!
۱۲۲	درس ۱۸: یه خونگی اجاره ای می خواستم!
۱۳۰	درس ۱۹: داشتی چه کار می کردی؟
۱۴۰	درس ۲۰: مرور کنیم!
۱۴۶	درس ۲۱: تا به حال تئاتر رفته ای؟
۱۵۴	درس ۲۲: سفر خوبی داشته باشین!
۱۶۰	درس ۲۳: رفته بودم موزه ی ملی ایران!
۱۶۸	درس ۲۴: لطفاً چمدون تونو باز کنین!
۱۷۶	درس ۲۵: موهاتون چه قدر کوتاه بشه؟
۱۸۴	درس ۲۶: می خواستم این نامه رو پست کنم.
۱۹۰	درس ۲۷: قسمت لبنیات کجاست؟
۱۹۸	درس ۲۸: می خواین شما رو هم برسونم؟
۲۰۴	درس ۲۹: می شه این لباسا رو برام بشورین؟
۲۱۲	درس ۳۰: مرور کنیم!

«وقتی ملّتی مقهور دشمنان می شود، تا هنگامی که زبان خویش را خوب حفظ کند، گویی کلید زندانش را در دست دارد»

آثار دربردارنده‌ی ارزش‌های والای فرهنگی و انسانی است و کلید این گنجینه و میراث ارزشمند زبان فارسی است. پس چرا نسل امروز را از این گنجینه‌ی شایگان و رایگان و عظیم محروم گردانیم.

این زبان قرن‌های متوالی زبان رسمی و فرهنگی و بین‌المللی بخش وسیعی از دنیای قدیم، از آسیای میانه تا آسیای صغیر و از بین‌النهرین تا شبه‌قاره‌ی هند بوده است و در این پهنه وسیع نه تنها ایرانیان بلکه غیر ایرانیان آن را با شور و شوق فراگرفته‌اند، بدان شعر سروده‌اند و کتاب نوشته‌اند. این زبان حامل احساسات لطیف و اندیشه‌های شرقی شاعرانی بزرگ چون مولانا، سعدی، حافظ و نظامی است. ادبیات غنی فارسی - که مایه‌ی سربلندی و مباهات ما در جهان است - با این زبان نوشته و سروده شده است. زبان فارسی حافظ وحدت قوم ایرانی و رمز هویت ملّی آنان است. در هر کجا که باشند این زبان، دل‌های آنان را به هم پیوند می‌زند. زبان فارسی، زبان دوم جهان اسلام و دریچه‌ی آشنایی بخش عظیمی از مسلمانان جهان به دین نجات بخش اسلام بوده است.

این‌ها و صدها سخن دیگر که در وصف این زبان شیرین گفته‌اند گواه میزان مسؤلیت و وظیفه‌ی بس دشوار ما برای حفظ و اشاعه آن است و تربیت فرزندانمان، دور از آب و خاک و وطن مالوف و فرهنگ مانوس بی دغدغه‌ی آموزش زبان فارسی و حفظ فرهنگ آنان بدون آشنایی کامل با این زبان کاری سخت دشوار است.

این دغدغه‌ها ما را بر آن داشت تا مجموعه‌ی «فارسی بیاموزیم» را به قلب‌های مهربان و تپنده‌ی هم وطنان صمیمی و گرمی خود در آن سوی مرزها تقدیم کنیم.

سخن آلفونس دوده، نویسنده‌ی بزرگ فرانسوی اهمیت زبان ملّی را به خوبی نشان می‌دهد و بر ما معلوم می‌دارد که زبان فارسی برای ما ایرانیان خصوصاً در آن سوی مرزها مهم تر از آن است که بخواهیم با چند ساعت تدریس هفتگی، فرزندانمان را با خواندن و نوشتن فارسی آشنا سازیم و دل خوش باشیم که وظیفه‌ی خود را در قبال فرهنگ ملّی به انجام رسانده‌ایم. موجودیت فکری و فرهنگی و سرنوشت ملّی ما با حفظ زبان فارسی، گسترش و اشاعه‌ی آن بستگی تام دارد؛ زیرا زبان وسیله‌ی اندیشیدن است. مردمی که زبانی پرمایه داشته باشند از فکری بارور و پویا، زنده و آفریننده برخوردارند پس تقویت زبان فارسی، باعث تقویت فکر و فرهنگ اصیل ایرانی است.

آیا بدون آشنایی کافی با زبان شیرین فارسی می‌توان با فرهنگ، ادب و هنر ایرانی هم آشنا شد؟ ایرانی بودن، مستلزم ایرانی اندیشیدن است و ایرانی فکر کردن مستلزم تسلط کافی به زبان فارسی و زیبایی‌ها و رموز آن است. فرهنگ غنی و پرمایه‌ی ایرانی نشان دهنده‌ی عمق، روانی و زیبایی اصالت زبان مادری ما یعنی زبان شیرین فارسی است. بی‌شک وقتی زبان ملّتی ویران شد پیوند میان اقوام آن ملّت نیز از میان می‌رود، تاریخ ملّی آنان به فراموشی سپرده می‌شود و ادب و هنر محو می‌گردد. حفظ هویت فرهنگی در پرورش اعتماد به نفس کودکان نقش اساسی دارد و در موفقیت تحصیلی و اجتماعی آن‌ها نیز مؤثر خواهد بود.

از سوی دیگر، زبان فارسی یکی از ارجمندترین زبان‌ها است که از گذشته‌های دور به ما به ارث رسیده است و برخلاف بسیاری از زبان‌های امروزی، آثار مکتوب گران قدری به زبان فارسی برجای مانده است. این

هدف‌های اساسی ما در تدوین این مجموعه آن است که فراگیران بتوانند:

- ۱- زبان مادری خود را درک کرده و با افراد خانواده و دیگران به روانی صحبت کنند، فارسی را به خوبی بفهمند، مطالب خواندنی فارسی را بخوانند، و به خوبی بنویسند.
 - ۲- از میراث‌های فرهنگی و ملی و دینی ما که به زبان فارسی نگاشته شده است استفاده نمایند.
 - ۳- با فرهنگ، آداب و سنن، دیدنی‌ها و آثار تاریخی و تفریحی، مشاهیر و نویسندگان و بزرگان علم و ادب و هنر ایران آشنا شوند.
 - ۴- بین فرهنگ غرب و فرهنگ ملی خود پلی برای بهتر زیستن ایجاد کنند.
 - ۵- ضمن برقراری پیوند قلبی و عاطفی و درونی با فرهنگ سنتی و ملی خود، آن را حفظ کرده و به نسل‌های بعدی انتقال دهند.
 - ۶- از آثار فارسی در قالب‌های ادبی و غیر آن استفاده نمایند.
 - ۷- فرهنگ، تمدن، هنر و ادب ایران را به دیگران معرفی نمایند.
- با توجه به این اهداف، راهنمای جامعی تدوین شد که نیازها و ضرورت، اهداف جزئی برنامه در حیطه‌های مختلف، اصول حاکم بر برنامه، روش‌های یاددهی و یادگیری، رویکردهای آموزش زبان، شیوه‌های ارزشیابی و مواد آموزشی و کمک آموزشی را به خوبی تبیین می‌نماید.
- عواملی چون پراکندگی زبان‌آموزان، نبودن معلمان کافی و آموزش دیده، عدم تمایل و رغبت و انگیزه‌ی کافی زبان‌آموزان، نبودن ساعات مناسب و کافی برای آموزش و عواملی دیگر در شیوه‌های طراحی و تدوین ساختار و محتوای این مجموعه دخالت داشته و سعی شده است با انتخاب شیوه و متون مناسب این کاستی‌ها را جبران نماید.
- این مجموعه‌ی آموزشی ثمره‌ی تلاش گروهی ده نفره متشکل از متخصصان آموزش زبان فارسی، برنامه‌ریزان درسی، مشاوران برجسته و تصویرگران خبره است که سالیانی چند به طراحی و تألیف آن مشغول بوده‌اند و شامل پنج کتاب درس و پنج کتاب کار در سه سطح مقدماتی، میانی و پیشرفته است. هر کتاب دارای نوار صوتی و تصویری، واژه‌نامه و راهنمای معلم است تا کار آموزش با سهولت و آسانی انجام پذیرد.
- به کارگیری مناسب و متناسب مواد آموزشی و کمک آموزشی و خصوصاً راهنمای معلم می‌تواند در اصلاح روش‌های تدریس و نحوه‌ی درست آموزش مؤثر واقع شود. به همراه این مجموعه لوح فشرده (DC) آموزشی فیلم‌های فارسی زیرنویس شده، مواد خواندنی مناسب نیز تهیه خواهد شد.
- ویژگی‌های عمده‌ی این مجموعه را به اختصار می‌توان چنین برشمرد:
- ۱- به هر چهار مهارت زبانی (گوش دادن، گفتن، خواندن و نوشتن) به

- ۱- صورت یکسان و موازی توجه می‌شود. این مهارت‌ها به کمک تمرین‌های متعدد تقویت می‌گردند.
- ۲- از رویکرد شناختی در آموزش زبان بهره گرفته‌ایم. نمود این رویکرد را می‌توان در تمرین‌ها و فعالیت‌ها مشاهده کرد. برای نمونه دانش‌آموزان قادر خواهند بود پس از انجام تمرین‌های متنوع و فراوان به کشف قواعد زبان بپردازند.
- ۳- آموزش گونه‌ی گفتاری زبان فارسی همپای زبان نوشتار و در کنار آن انجام می‌گیرد.
- ۴- از شیوه‌های آموزش فعال، همیاری و آموزش خلّاق در تدوین و طراحی درس‌ها و هم در روش‌های تدریس استفاده می‌شود. در تمام این مجموعه، زبان آموز مطالب درسی را به کمک گروه و با تمرین و تکرار فراوان فرامی‌گیرد.
- هر درس از ۱۰ تا ۱۵ تمرین و فعالیت در حوزه‌ی چهار مهارت تشکیل شده است که همین تمرین‌ها در کتاب کار ادامه می‌یابد. کتاب کار برای فعالیت‌های خارج از کلاس است و کتاب درس در کلاس انجام می‌شود.
- ۵- از روش آموزش ارتباطی (Communicative) در آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم بهره‌گیری شده است.
- این شیوه فرد را در تقابل با فرد دیگر یا جمع قرار می‌دهد تا بتواند یادگیری خود را تعمیق بخشیده و در موقعیت‌های گوناگون زبانی آن را به کار برد.
- ۶- فراگیران با موقعیت‌های زبانی و چگونگی کاربرد آن نظیر احوال‌پرسی، خرید، معرفی خود و دیگران، گفتن زمان، درخواست و رد درخواست، خداحافظی، تعارف‌ها به مرور آشنا می‌شوند. طراحی ساختار کتاب به گونه‌ای است که زبان‌آموزان حدود ۶۰ موقعیت کاربردی زبان را در طی سه کتاب فرامی‌گیرند.
- ۷- سعی شده است از واژگان مشترک میان دو زبان فارسی و انگلیسی بیشتر استفاده شود.
- ۸- از زبان واسطه در آموزش استفاده نکردیم؛ زیرا معتقدیم این شیوه روند آموزش را کند می‌کند.
- ۹- به خط فارسی و آموزش آن توجه ویژه‌ای شده است. در کتاب کار و تمرین‌ها فرصت‌های فراوانی برای نوشتن و دست‌ورزی فراهم شده است.
- ۱۰- شیوه‌ی ما در آموزش بهره‌گیری از روش کلی در خواندن و روش تحلیلی در نوشتن است. بنابراین هنگام خواندن انتظار می‌رود فراگیر با توجه به تصویر شیء و تکرار آن توسط معلم و نوار شکل خواندن آن را به طور کلی یاد گیرد و آنگاه آن را به هجاها و واج‌های آن تجزیه کند.
- ۱۱- فراگیر در این مجموعه (خصوصاً جلد دوم به بعد) با فرهنگ، زبان، ادب و هنر فارسی، مشاهیر و بزرگان، آثار و بناهای تاریخی و فرهنگی و برخی از مسائلی که مربوط به ایران و اسلام می‌شود آشنا می‌گردد.

چند توصیه :

۱- آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم با آموزش زبان اول تفاوت دارد. پس اگر روش‌های این کتاب را با روش‌های آموزش فارسی که خود بدان خواندن و نوشتن را فرا گرفته‌اید مغایر یافتید، واکنش منفی نشان ندهید. توصیه می‌شود به کمک راهنمای معلم با شیوه‌های آموزش این کتاب آشنا شوید.

۲- اگر خانواده‌های محترم خود کار تدریس را برعهده می‌گیرند حتماً از راهنمای معلم و نوار و دیگر رسانه‌های آموزشی استفاده کنند.

۳- زبان آموزان ممکن است دچار اشتباه در کاربرد زبان شوند (تلفظ و خواندن، نوشتن) سعی کنید از این اشتباه در جهت آموزش درست زبان استفاده کنید.

۴- از آن جایی که آموزش در یک محدوده‌ی زمانی (۲ تا ۴ ساعت در هفته) انجام می‌گیرد، فاصله‌ی یک هفته باعث کندی یادگیری می‌گردد. خانواده‌های گرمی با تداوم و تکرار آموزش‌ها در منزل می‌توانند این نقیصه را برطرف سازند. از طرفی چون کاربرد زبان تنها در خانه و کلاس اتفاق می‌افتد و فراگیر در محیط قادر به استفاده از زبان نیست، ممکن است باعث کاهش انگیزه زبان آموز شود که این مشکل نیز با توجه و حمایت خانواده‌ها رفع می‌گردد.

۵- تشویق‌های به هنگام انگیزه زبان آموزان را در یادگیری زبان مادری افزایش می‌دهد. از تشویق‌های معنوی و مادی دریغ نوزید. ۶- سطح سنی دانش آموزان یک کلاس ممکن است یکسان نباشد، بنابراین اصل مهم در اداره‌ی این کلاس‌ها، انعطاف‌پذیری و ابتکار عمل معلم در تطبیق شرایط موجود با محتوا و روش‌ها و فعالیت‌ها است.

۷- ایجاد نگرش مثبت در زبان آموزان به زبان و فرهنگ فارسی و ایرانی رمز توفیق این برنامه است.

بخشی از این نگرش‌ها در محتوا پیش‌بینی شده است. اما به طور عمده به طرز تلقی مربیان و خانواده‌های محترم و توجه آنان به این مهم بازمی‌گردد.

۸- بهتر است پیش از آموزش، زمینه‌های قبلی و دانسته‌های زبانی آنان آزمایش شده و سطح بندی انجام گیرد و از نقطه‌ای که لازم است آموزش آغاز گردد.

نکات ضروری و روش‌های آموزش و راهنمای تمرین‌ها و فعالیت‌ها به‌طور مشروح و مفصل و گام به گام در کتاب راهنمای معلم خواهد آمد.

این برنامه با همکاری و همدلی جمعی متخصص شکل گرفت که هریک در مراحل طراحی راهنمای برنامه، تنظیم و تالیف محتوا، مشاوره‌ی علمی، طراحی و مدیریت هنری، تهیه و طراحی مواد کمکی یاری‌گر ما بودند.

سپاسگزاریم از :

۱- شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در امریکای شمالی که پیشنهاد انجام طرح و تامین بخشی از هزینه‌های تهیه آن را برعهده گرفتند.

۲- ناظر طرح آقای دکتر مسعود اسلامی که با تجربیات ارزنده‌ی خود یاری‌گر ما بودند، هم‌چنین آقای دکتر حسین کمالی که ایشان نیز از هرگونه راهنمایی دریغ نوزیدند.

۳- مدیر علمی طرح آقای دکتر حسن ذوالفقاری و همکاران وی آقایان دکتر بختیاری و دکتر غفاری که در تهیه، تالیف، ساماندهی ساختار، محتوا و نظارت بر تمامی ابعاد برنامه نقشی مؤثر و پی‌گیر داشتند.

۴- مشاوران علمی طرح آقایان دکتر ثمره، دکتر حق شناس و دکتر دبیر مقدم و سرکار خانم دکتر نعمت زاده که نظرات صائب، علمی و دقیق و روزآمد آنان باعث باری این مجموعه گردید.

۵- مشاور اجرایی طرح آقای دکتر حیدر تورانی که با مدیریت اجرایی طرح و نظارت بر حسن انجام آن را برعهده گرفت.

۶- مدیر هنری طرح آقای فرشید مثقالی طراح و گرافیک برجسته‌ی کشور و گروه وی که جاذبه‌های تصویری و تنظیم هنری محتوا را برعهده گرفت.

۷- آقای سید احمد حسینی مدیر کل دفتر چاپ و توزیع سازمان پژوهش وزارت آموزش و پرورش که امکان چاپ این کتاب را فراهم نمودند.

۸- ویراستاران این مجموعه، سرکار خانم ژاله راستانی و شمسی زنجانی که کتاب را به لحاظ فنی و زبانی ویراسته و پیراسته کردند.

۹- جناب آقای نریمی زاده و همکاران وی که در تهیه نوار صوتی و سایر امکانات کمک آموزشی گام برداشتند.

۱۰- سرکار خانم تخمه چیان که حروف چینی رایانه‌ای اشعار را با خط تحریری برعهده گرفتند.

و در پایان باید معترف بود که :

این همه گفتیم ولیک وقت بسیج بی‌عنایات توما هیچیم هیچ

مدیر مسئول طرح

مهندس جعفر علاقه‌مندان

تابستان ۱۳۸۱

۱. گوش کن و بخوان



خانم رستگار: سلام.

خانم اسفندیاری: سلام خانم.

خانم رستگار: ببخشین، خانم اسفندیاری؟

خانم اسفندیاری: بفرمایین، خودم هستم.

خانم رستگار: من رستگار هستم. این پسرم پرویزه.

پرویز: سلام خانم اسفندیاری.

خانم اسفندیاری: سلام پرویز جان! حالت چه طوره؟

پرویز: خوبم، متشکرم.

خانم رستگار: می خوام اسم پرویز رو توی کلاس فارسی بنویسم.

خانم اسفندیاری: بسیار خُب. چند سالته پرویز جان؟

پرویز: ده سالمه.

خانم اسفندیاری: اهل کجایی؟

پرویز: اهل ایرانم.

خانم اسفندیاری: می تونی فارسی صحبت کنی؟

پرویز: یه کم. 📢

خانم اسفندیاری: خوندن و نوشتن فارسی رو بلدی؟

پرویز: نه.



خانم اسفندیاری: خُب... اسم پدرت چیه؟

پرویز: حمید.

خانم اسفندیاری: شغلشون چیه؟

پرویز: استاد دانشگاهه.

یه کم = اندکی = کمی

خُب: خوب





۵. با شنیدن هر کلمه، چه کلمه‌های دیگری به یادت می‌آید؟ برای هر یک سه کلمه‌ی دیگر بنویس.

غذا

بازی

حیوان

خانم اسفندیاری: خونه تون کجاست؟

پرویز: خیابون سیزدهم، پلاک ۱۲۵.

خانم اسفندیاری: چند تا خواهر و برادر داری؟

پرویز: فقط یه برادر دارم.

خانم اسفندیاری: خانم رستگار، لطفاً این فرم رو پر کنین.

برگ ثبت نام

نام: _____

نام خانوادگی: _____

نام پدر: _____

شغل پدر: _____

سن: _____

جنس: _____

محل تولد: _____

نشانی: _____

امضا _____

۲. گفت گورا دوباره گوش کن و بعد فرم بالا را از طرف پرویز پر کن.



۳. حالا فرم بالا را برای خودت پر کن.



۴. با دوستت مانند گفت و گوی بالا صحبت کن.



۶. بادقت به تصویر نگاه کن و درباره‌ی آن با دوستت صحبت کن.



۷. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده.

الف: چه چیزهایی می‌بینی؟

ب: چه حیوان‌هایی می‌بینی؟ هر یک از آن‌ها کجا هستند؟

پ: مردم چه کار می‌کنند؟

ت: وقتی به گردش می‌رویم، چه چیزهایی می‌خوریم؟

ث: وقتی به گردش می‌رویم، چه کارهایی می‌کنیم؟



۱



۲



۳



۴



۵





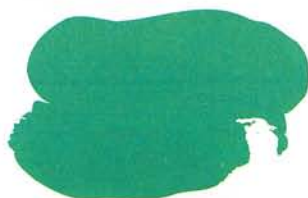
= موز زرد



زرد



خیار



سبز



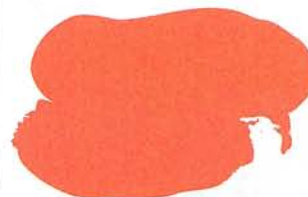
گوجه فرنگی



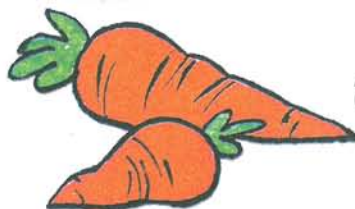
قهوه‌ای



موز



قرمز



هویج



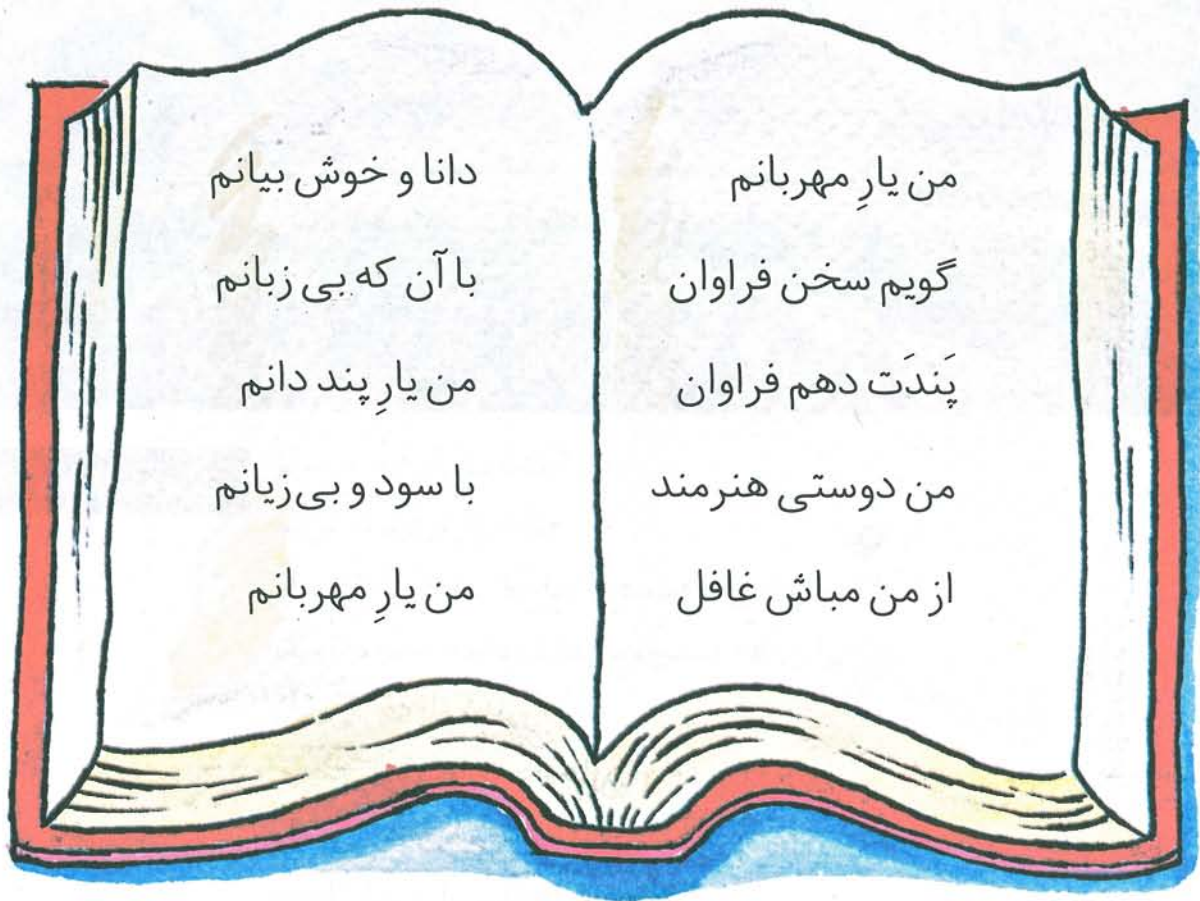
نارنجی



نارگیل



کتابِ خوب



دانا و خوش بیانم

با آن که بی زبانم

من یارِ پند دانم

با سود و بی زیانم

من یارِ مهربانم

من یارِ مهربانم

گویم سخن فراوان

پندت دهم فراوان

من دوستی هنرمند

از من مباش غافل

«عباس یمینی شریف»



۱. گوش کن و بخوان



رامین: چه پارک قشنگی!

سینا: اینجا پارک ملته.



رامین: می دونم. اما اینا مجسمه های کیاست؟

شیوا: مجسمه های شاعرا و نویسنده های ایرانیه.

رامین: چه پارک بزرگیه!

سینا: تازه دریاچه هم داره.

رامین: جدی؟ کجاست؟

سینا: باید از این پله ها بریم بالا.

شیوا: راستی، چه طوره بریم قایق سواری؟!

رامین: مگه قایقم داره؟

سینا: آره، خیلی هم خوش می گذره.

رامین: پس بریم.

کیاست؟ = چه کسانی است
قایقم = قایق هم





۳. به جمله‌ی زیر توجه کن



چه پارک قشنگی! = این پارک قشنگ است.

حالا تو بگو:



..... = این چای داغ است.



..... = این ساختمان بلند است.



..... = این خیابان شلوغ است.



..... = این میز سنگین است.

۴. مثل جمله‌های بالا با دوستت تمرین کن



۵. معنی واژه‌های زیر را از واژه‌نامه‌ات پیدا کن. سپس متن زیر را بخوان:



قایق:

سرسره:

دانشمند:

رنگارنگ:

دریاچه:

چرخ و فلک:

مجسمه:

پارک ملت

فردا جمعه است. رامین، سینا و شیوا می‌خواهند با پدر و مادرشان به پارک ملت بروند. پارک ملت در خیابان ولی‌عصر و نزدیک خانه‌ی آن‌ها است. درخت‌های سبز و بلند، گل‌های رنگارنگ، پرندehای زیبا و حتی مجسمه‌های شاعران، نویسندگان و دانشمندان نیز در آن جا وجود دارند. این پارک، یک زمین بازی برای کودکان دارد. بچه‌ها در آن جا سوار چرخ و فلک می‌شوند و یا سرسره بازی می‌کنند. دریاچه‌ای در وسط پارک قرار دارد. ماهی‌ها و پرندگان زیادی در این دریاچه هستند. چند قایق روی آب است.

پسران و دختران سوار قایق می‌شوند و به وسط دریاچه می‌روند. مادران و پدران از دور برای بچه‌هایشان دست تکان می‌دهند.





۶. جمله‌ی درست را با و جمله‌ی نادرست را با معلوم کن. جمله‌های نادرست را درست کن

- الف: پارکِ مَلّت در خیابان فردوسی قرار دارد.
- ب: بچه‌ها در زمین بازی، قایق سواری می‌کنند.
- پ: پارکِ مَلّت دریاچه دارد.
- ت: پدرها و مادرها سوار قایق می‌شوند.
- ث: پسرها و دخترها با قایق به وسط دریاچه می‌روند.
- ج: پارکِ مَلّت، درخت، گل و پرنده ندارد.

۷. به پرسش‌های زیر پاسخ بده



- الف: پارکِ مَلّت کجا است؟
- ب: پارکِ مَلّت چه چیزهایی دارد؟
- پ: بچه‌ها در زمین بازی چه کار می‌کنند؟
- ت: پسرها و دخترها چگونه به وسط دریاچه می‌روند؟
- ث: مادرها و پدرها در کنار دریاچه چه کار می‌کنند؟
- ج: رامین و خواهر و برادرش، روز جمعه می‌خواهند چه کار کنند؟

۸. در گروه‌های دو نفری درباره‌ی پارکِ مَلّت از همدیگر سوال کنید

گل‌ها رنگارنگ هستند.

گل‌های پارک چه رنگی هستند؟

۹. آخرین بار که به پارک رفتی، کی بود؟ درباره‌ی آن صحبت کن



جمع		مفرد
+ان / گان	+ها	
		پسر
	درخت ها	
پرنده گان		
	قایق ها	
		مادر
دختران		
		پدر

الف: آیا همه ی اسم ها را می توان با «ها» جمع بست؟ چند نمونه ی دیگر مثال بزن.

ب: آیا همه ی اسم ها را می توان با «ان» جمع بست؟ چرا؟

پ: چه اسم هایی را می توان با «ان» جمع بست؟ چند نمونه ی دیگر بنویس.

ت: کلمه هایی را که در متن با «ان» جمع بسته شده اند، با «ها» جمع ببند.

۱۱. گوش کن و بخوان و بگو چه چیزهایی در پارک وجود دارد. آن‌ها را علامت بزن.



- الف: چرخ و فلک
- ب: گل‌های قرمز و زرد
- پ: زمین تنیس
- ت: درخت‌های سبز
- ث: تاب
- ج: محوطه بازی
- چ: رستوران
- ح: دریاچه
- خ: قایق
- د: پرنده
- ذ: قفس

۱۲. با دقت به تصویر پارک نگاه کن و یک بار دیگر به نوار گوش کن. تصویر چه چیزهایی کم دارد؟ آن‌ها را بکش



۱۳. درباره‌ی پارک نزدیک مدرسه یا خانه‌ی خود پنج خط بنویس



۱۴. دوست داری پارک نزدیک خانه‌ی شما، چه چیزهای دیگری داشته باشد؟



الف



.....

.....

.....

ب



.....

.....

.....

ج



.....

.....

.....

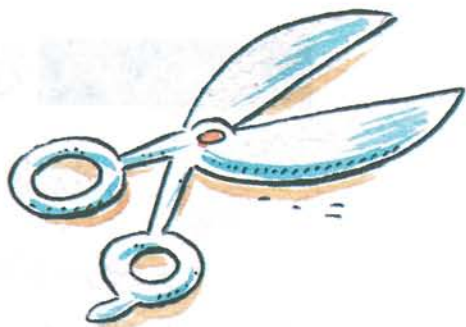
د



.....

.....

.....

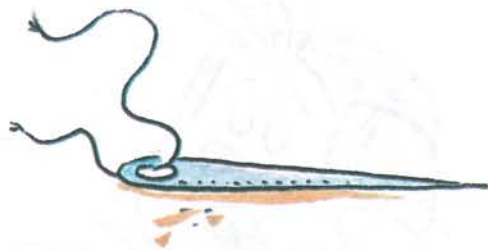


2

.....

.....

.....

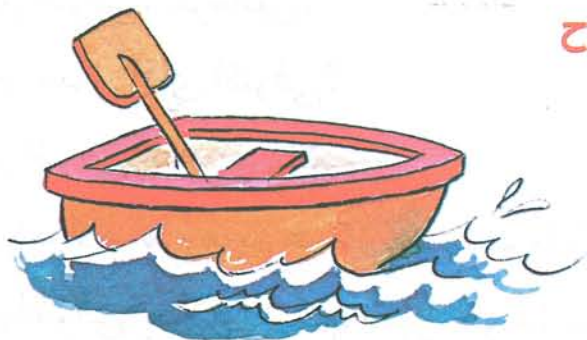


3

.....

.....

.....



2

.....

.....

.....



3

.....

.....

.....



۱. گوش کن و بخوان



مریم: آلو سلام. 📞

مرد: سلام بفرمایین.

مریم: منزل آقای اشرفی؟ 📞

مرد: نه خیر! اشتباه گرفتین.

مریم: ببخشین.

مرد: خواهش می کنم.



خانم اشرفی: بفرمایین.

مریم: منزل آقای اشرفی؟

خانم اشرفی: بله، بفرمایین.

مریم: سلام. من مریم هستم. می تونم با نگین صحبت کنم؟ 📞

خانم اشرفی: سلام علیکم. نگین خونه نیست. می خواین پیغامی بذارین؟

مریم: لطفاً بهش بگین، فردا صبح کتاب فارسی رو با خودش بیاره مدرسه. 📞

خانم اشرفی: باشه. حتماً بهش می گم.

مریم: متشکرم. خدا حافظ.

خانم اشرفی: خدانگه دار.

بفرمایین = بفرمایید

بگرفتین = گرفتید

بذارین = بگذارید

بگین = بگویید

بیاره = بیاورد



۲. مانند گفت و گوی بالا با دوستت تمرین کن



۳. مخالف صفت‌های زیر را بنویس



پ: _____ تمیز : _____	ب: _____ کوتاه : _____	الف: _____ کوچک : _____
ج: _____ زیبا : _____	ث: _____ ارزان : _____	ت: _____ خوب : _____

۴. مخالف صفت‌های ستون «الف» را از ستون «ب» پیدا کن. می‌توانی از واژه نامه هم استفاده کنی



ب	الف
امن	سریع
کثیف	خطرناک
نو	ارزان
آهسته	قدیمی
خلوت	شلوغ
گران	تمیز

۵. به این دو تصویر نگاه کن، با دوستت درباره‌ی آن‌ها صحبت کن



۶. دوست داری در کدام یک از آن‌ها زندگی کنی؟ چرا؟

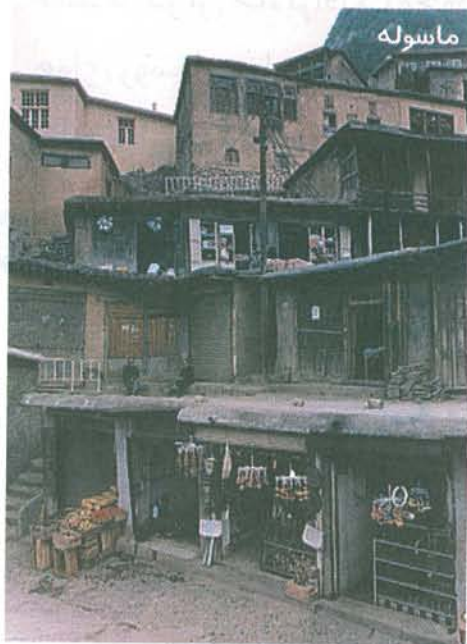


جهان گرد: سنت: مهمان نواز: تاریخی: محلی:
دامنه: لهجه: پله:

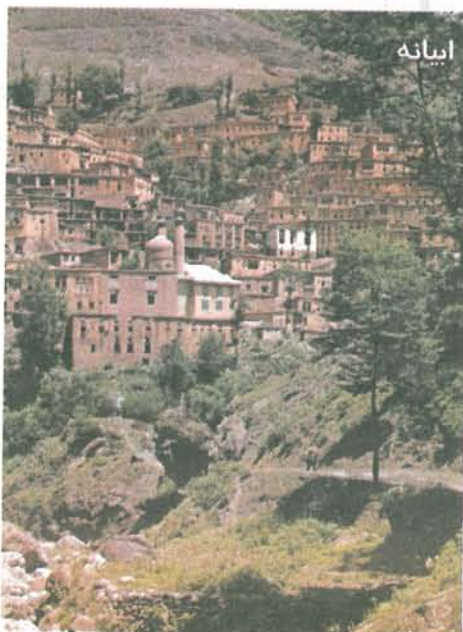
دوروستای زیبا و تاریخی ایران

کم‌تر پیش می‌آید که مردم با روستاهای کشوری آشنا باشند. اما در ایران دوروستا وجود دارند که اغلب جهان گردان آن‌ها را می‌شناسند و از آن دیدن می‌کنند. یکی از این روستاها ابیانه نام دارد. ابیانه، روستایی زیبا و تاریخی در مرکز ایران است. مردمش سنت‌ها، لباس‌های محلی و لهجه‌های مخصوص به خودشان را دارند. آنها مردمی مهمان نواز و هنرمند هستند.

روستای دیگر، ماسوله، در شمال ایران است. این روستای زیبا و خوش آب و هوا در دامنه‌ی کوه قرار دارد. ویژگی مشترک این دو روستا، پله‌ای بودن آن‌ها است؛ یعنی سقف هر خانه، حیاط خانه‌ی بالایی است.



ماسوله



ابیانه

۸. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده

- الف: ابیانه و ماسوله در کدام قسمت ایران قرار دارند؟
ب: ویژگی مشترک این دو روستا چیست؟
پ: چرا می‌گوییم، این روستاها پله‌ای هستند؟
ت: مردم ابیانه چه ویژگی‌هایی دارند؟



زندگی شهری

بین شهر و روستا تفاوت بسیاری وجود دارد. شهر بزرگ تر و شلوغ تر از روستا است. ماشین، اتوبوس، دوچرخه و انسان های زیادی در شهر وجود دارند. روستاها خلوت تر و امن تر از شهرها هستند. در آن جا، ترافیک وجود ندارد.

هوای روستا بسیار تمیز است و روستاییان بسیار صمیمی هستند. ساختمان های شهر بیشتر و بلندتر از خانه های روستا هستند. زندگی شهری سریع تر و گران تر از زندگی روستایی است.

۱۰. کدام جمله درست و کدام یک نادرست است. جمله های نادرست را درست کن



الف: شهر امن تر از روستا است.

ب: در شهر ترافیک وجود دارد.

پ: مردم روستایی صمیمی تر هستند.

ت: خانه های روستایی کوتاه تر هستند.

ث: زندگی در روستا گران تر است.

ج: هوای شهر تمیزتر است.

۱۱. به پرسش های زیر پاسخ بده



الف: چرا شهرها شلوغ هستند؟

ب: چرا هوای روستا تمیزتر است؟

پ: ساختمان ها در شهر چگونه هستند؟

ت: شهر بزرگ تر است یا روستا؟

ث: شما در شهر زندگی می کنید یا در روستا؟



۱۲. مثل نمونه در جاهای خالی، صفت تفضیلی مناسب بگذار

نمونه: شهر از روستا ←

بزرگ‌تر
شلوغ‌تر
خطرناک‌تر
گران‌تر

است.

روستا از شهر ←

.....
.....
.....
.....

است.

دو چرخه از ماشین ←

.....
.....
.....
.....

است.

فکر کن و بگو! چگونه صفت تفضیلی را درست می‌کنیم تا برای مقایسه‌ی بین دو چیز به کار ببریم؟



جمله‌های بالا را به این صورت هم می‌توانیم بنویسیم:

الف: شهر، «خطرناک‌تر» از روستا است. ب: روستا، «.....» از شهر است.

۱۳. گوش کن و مانند نمونه کامل کن



نمونه: الف: روستا تمیزتر از شهره. (تمیز)

ب: بله، روستا تمیزتر از شهره.

الف: خیابونای شهر خیابونای روستا هستن. (خطرناک)

ب: بله، درسته. خیابونای شهر خیابونای روستا هستن. خیابونای روستا خیلی

* * * * *

الف: نیویورک واشنگتنه (بزرگ).

ب: بله. نیویورک از واشنگتن

* * * * *

الف: ساختمونای تهران ساختمونای نیویورک هستن (بلند)؟

ب: نه، اونها

۱۴. دوباره گوش کن و پاسخ هایت را درست کن



۱۵. آیا شهری را که در آن زندگی می‌کنی، دوست داری؟ ویژگی‌های آن را در چند خط بنویس



همسایه

خانمی ماتوی شهر است شهر ما لبریز دود است
 زندگی این جا برایم، خالی از شعر و سرود است
 یک صنوبر ایستاده در کنار خانه‌ی ما
 خانه‌ها را داده زیور آسمان را کرده زیبا
 یک کلاغ خوش سلیقه کرده بر آن آشیانه
 می‌کنیم او را تماشا با نگاهی دوستانه
 ما دو تا همسایه هستیم کار ما شعر و سرود است
 شعر ما هم روستایی، ساده مثل آب رود است
 کاش شهر و روستا هم مثل ما همسایه بودند
 زندگی را سبز و زیبا هر دو با هم می‌سرودند

اسدالله شعبانی



بهترین تیم آسیا کدومه؟



۱. گوش کن و بخوان



شایان و دیوید در استادیوم آزادی هستند. استادیوم آزادی بزرگ‌ترین استادیوم ایران و نزدیک تهران است. این استادیوم صد هزار نفر گنجایش دارد. امروز مسابقه‌ی ایران و چین آن‌ها در این استادیوم مسابقه می‌دهند.

دیوید: بهترین تیم آسیا کدام است؟
شایان: فکر می‌کنم بهترین تیم آسیا تیم ایرانه. تیم‌های ژاپن، کره و امارات هم خیلی خوبن.



بهتر = خوب تر
بهترین = خوب ترین



دیوید: علی دایی کدام بازیکن است؟
 شایان: بازیکن شماره ۱۰ تو خط حمله.
 دیوید: دایی معروف ترین فوتبالیست ایران است.
 شایان: درسته. اون خیلی خوب بازی می کنه.
 بیشترین گل ها رو اون می زنه و در باشگاه های خارجی
 هم بازی می کنه.



علی دایی

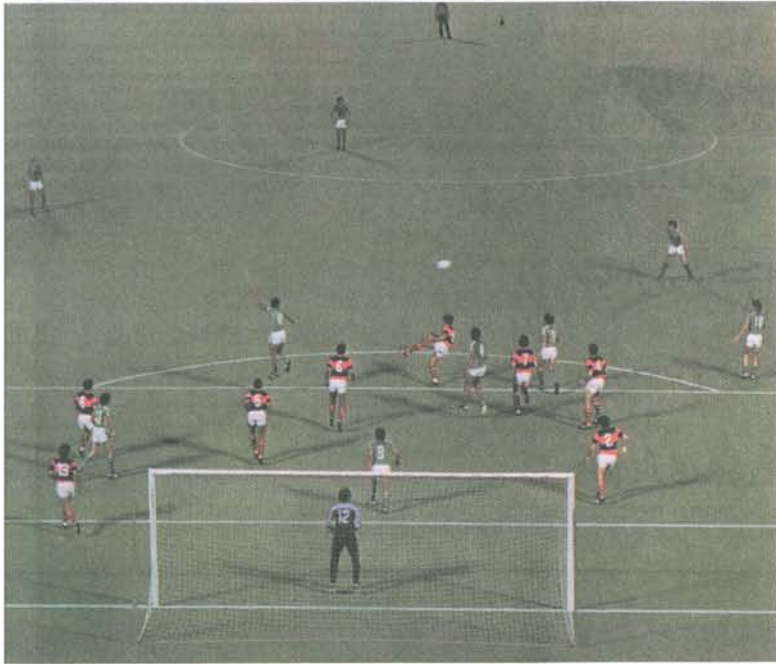
دیوید: شماره ۲ کیست؟ چه قدر سریع می دود!
 شایان: اون مهدوی کیاست. سریع ترین بازیکن ایرانه.
 دیوید: بلندترین بازیکن کدام است؟
 شایان: بلندترین بازیکن، دروازه بانه.
 دیوید: فکر می کنی نتیجه ی بازی چه می شود؟
 شایان: امیدوارم ایران ببره.
 دیوید: من هم همین طور.



مهدوی کیا



۲. دوباره گوش کن و به پرسش‌ها پاسخ بده



الف: بزرگ‌ترین استادیوم ایران کدام است؟

ب: گنجایش آن چه قدر است؟

پ: شایان و دیوید کجا هستند؟

ت: مسابقه بین چه تیم‌هایی است؟

ث: فکر می‌کنی بهترین تیم آسیا کدام است؟

ج: نظر شایان چیست؟

چ: شماره‌ی ۱۰ کدام بازیکن است؟

ح: چرا علی دایی معروف‌ترین فوتبالیست ایران است؟

خ: سریع‌ترین بازیکن ایران کدام است؟ شماره‌ی او چند است؟

د: بلندترین بازیکن کدام است؟

ذ: فکر می‌کنی کدام تیم بازی را می‌برد؟



۳. نظر دوستت را درباره‌ی تیم فوتبال ایران پرس. آیا با نظر او موافقی؟ چرا؟

۴. جمله‌های دیوید را به صورت گفتاری بیان کن

۵. به جمله‌ی زیر توجه کن

کوه/ بلند: ایران کوه‌های بلندی دارد. بلندترین کوه ایران دماوند است.

حالا مانند آن انجام بده:

الف: شهر / بزرگ:

ب: بازیکن / معروف:

پ: تیم / خوب:

ت: شهر / پر جمعیت:

ث: خیابان / شلوغ:

ج: فصل / گرم:

۶. مانند نمونه، صفت عالی هر یک از صفت‌های زیر را با یک اسم بنویس



فکر کن و بگو

آیا یاد گرفتی چگونه
صفت عالی بسازی؟
حالا قاعده‌ی آن را بگو.

نمونه: (سرد) : سردترین روز

الف: (تاریک):

ب: (کثیف):

پ: (سبک):

ت: (سنگین):

ث: (امن):

ج: (خطرناک):

چ: (کوچک):

ح: (کوتاه):

خ: (روشن):

د: (تمیز):

۷. با دوستانت درباره‌ی تیم آمریکا، برزیل یا هر تیم دیگری که دوست داری، صحبت کن



۸. به نوار گوش کن و به پرسش‌ها پاسخ بده



الف: بازی فوتبال چند دقیقه است؟

ب: هر تیم چند بازیکن دارد؟

پ: بازیکنان در چند گروه قرار می‌گیرند؟ نام ببر.

ت: برای دیدن بازی تیم ملی چند نفر می‌توانند به استادیوم آزادی بروند؟

ث: بقیه‌ی مردم بازی را چگونه می‌بینند؟

۹. دوباره گوش کن و پاسخ‌هایت را درست کن



۱۰. معنی واژه‌های زیر را از واژه‌نامه‌ات پیدا کن و سپس متن را بخوان



ارتفاع:

پایتخت:

قلّه:

قاره:

ایران

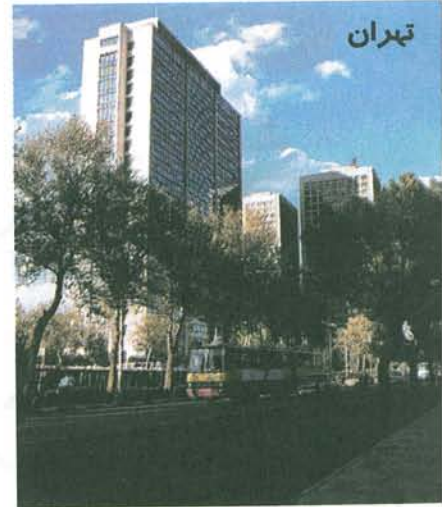
ایران در قاره‌ی آسیا قرار دارد. پایتخت ایران تهران است. تهران بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر ایران است.

دریاچه‌های بسیاری در ایران وجود دارد. بزرگ‌ترین دریاچه‌ی ایران و جهان خزر است؛ و چون از همه‌ی دریاچه‌ها بزرگ‌تر است به آن دریا می‌گوییم.

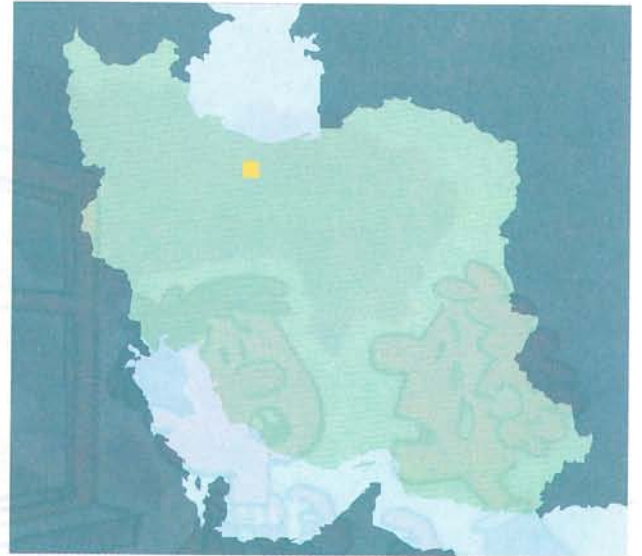
قله‌ی دماوند



تهران



در ایران کوه‌های بلندی وجود دارد. بلندترین قلّه‌ی ایران دماوند است که ۵۶۷۱ متر ارتفاع دارد. این قلّه در ۷۰ کیلومتری تهران است.



الف: پایتخت ایران کجاست؟

ب: پرجمعیت‌ترین شهر ایران کدام است؟

پ: شهرهای دیگر ایران را نام ببر؟

ت: بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان چه نام دارد؟

ث: دریای خزر در کجا قرار دارد؟

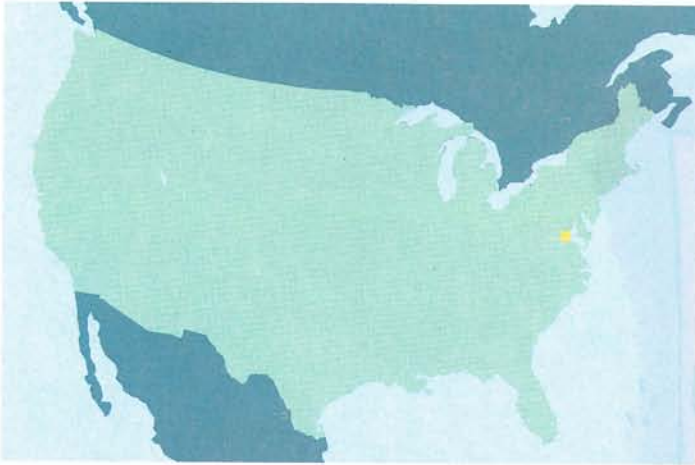
ج: دریاچه‌های دیگر ایران کدام‌اند؟

چ: کوه‌های بلند ایران را نام ببر؟

ح: بلندترین قلّه‌ی ایران کدام است؟

خ: ارتفاع دماوند چه قدر است؟

د: دماوند در کجای ایران قرار دارد؟



الف: پایتخت آمریکا کجاست؟

ب: بزرگ‌ترین شهر آمریکا چه نام دارد؟

پ: پرجمعیت‌ترین شهر آمریکا کدام است؟

ت: در کدام شهر زندگی می‌کنی؟

ث: چند شهر آمریکا را نام ببر؟

ج: بلندترین کوه آمریکا کدام است؟

چ: بزرگ‌ترین دریاچه‌ی آمریکا کدام است؟

ح: بلندترین رود آمریکا چه نام دارد؟

خ: معروف‌ترین آبشار دنیا کجاست؟ اسم آن چیست؟



۱. گوش کن و بخوان



مایکل: ببخشین! می شه پنجره رو باز کنین؟ هوا خیلی گرمه.
 بهروز: اما هوای بیرون خیلی سرده، منم مریضم..
 مایکل: که این طور! باشه، اشکالی نداره.



حمید: هفته ی آینده جشن تولدمه. حتماً با برادرت بیا.
 امیر: متأسفم! نمی تونیم. هفته ی آینده امتحان داریم.
 حمید: خیلی حیف شد. امیدوارم امتحانتون رو خوب بدین.
 امیر: متشکرم.



پدر: می شه بزنی کانال یک؟ الان اخبار داره.
 پسر: ولی الآن فوتبالِ کانال سه شروع می شه.
 پدر: باشه، پس فوتبال می بینیم.
 پسر: متشکرم پدر.

مرد جوان: می خواین کمکتون کنم؟
 پیرزن: نه، متشکرم! خیلی سنگین نیست.



۲. جاهای خالی را پر کن



آقای علیزاده: ببخشین! به من کمک کنین؟

آقای مرادی: کمرم درد

دختر: تلویزیون ؟

مادر: ولی الآن اخبار

دختر: پس لطفاً صداشو

مریم: چراغ کنی؟ خیلی تاریکه.

مینا: کلید برق خرابه.

۴. گفت و گوهای بالا را با دوستانت تمرین کن



۳. گوش کن و پاسخ هایت را درست کن



۵. معنی واژه‌های زیر را از واژه‌نامه‌ات پیدا کن و سپس متن را بخوان



مراجعه: ارزشمند: درگذشتن: معروف:
سپری کردن: کامل: مؤسسه:

علی اکبر دهخدا

هر وقت معنی یک کلمه را نمی‌دانیم، به فرهنگ لغت مراجعه می‌کنیم. در همه‌ی زبان‌ها، فرهنگ لغت وجود دارد. لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز بزرگ‌ترین و معروف‌ترین فرهنگ لغت در زبان فارسی است. نویسنده‌ی این

لغت‌نامه‌ی ارزشمند، علی اکبر دهخدا است. او بیشتر عمر خود را برای نوشتن این لغت‌نامه سپری کرد.

دهخدا در سال ۱۲۵۷ شمسی در تهران متولد شد و در سال ۱۳۳۴ شمسی درگذشت. او نویسنده و شاعر بزرگی هم بود. اکنون در ایران، مؤسسه‌ای به اسم او وجود دارد تا این لغت‌نامه‌ی بزرگ را کامل کند.





الف: فرهنگ لغت چیست؟

.....

ب: معروف‌ترین لغت‌نامه‌ی فارسی چه نام دارد؟

.....

پ: دهخدا جز لغت‌نامه نویسی، چه کارهایی انجام می‌داد؟

.....

ت: مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا چه کاری انجام می‌دهد؟

.....

ث: تو در زبان انگلیسی، از چه لغت‌نامه‌ای استفاده می‌کنی؟

.....

۷. به نوار گوش کن و آن را به گونه‌ی نوشتاری بنویس



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۸. به جمله‌ی زیر توجه کن



فردا جشن عروسی داریم. همه باید به هم کمک کنیم (به هم کمک کردن).

حالا تو بگو:

الف: آن‌ها فردا امتحان دارند = (درس خواندن)

ب: مهرداد فردا مسابقه دارد = (تمرین کردن)

پ: کمی تب دارم = (پیش دکتر رفتن)

ت: ماشینم خرابه = (تعمیر کردن)



برای این که نشان بدهیم انجام شدن کاری لازم است، از «باید» استفاده می کنیم.
قاعده‌ی آن را بگو.

۹. گزینه‌ی مناسب را انتخاب کن و بنویس



الف: مینا قد است، اما قد پدرش از او بلندتر است.

۳: کوتاه

۲: دراز

۱: بلند

ب: برای تماشای فوتبال به می رویم.

۳: کارگاه

۲: ورزشگاه

۱: فروشگاه

پ: باید با از رودخانه عبور کنیم.

۳: دوچرخه

۲: نردبان

۱: قایق

ت: شهر از روستا است.

۳: خطرناک تر

۲: تمیزتر

۱: خلوت تر

ث: دریای خزر دریاچه‌ی جهان است.

۳: تمیزترین

۲: بزرگ ترین

۱: بلندترین



۱



.....
.....
.....

۲



.....
.....
.....

۳



.....
.....
.....

۱۱. نام ببر

الف: اسم دو حیوان درنده:

ب: اسم سه میوه‌ی گرد:

پ: اسم چهار عضو زوج بدن:

ت: اسم پنج پرنده:

بچه های جهان



بچه های پاکدل،
بچه های مهربان،
چشمه های زندگی،
روشنی های جهان،
غنچه های آرزو
در گلستان امید،
سرخ گونه یاسیاه،
زرد گونه یاسفید،
قلب امروز جهان
زنده از مهر شامست،
چشم فردای جهان،
روشن از چهر شامست.

محمود کیانوش

۱. گوش کن و بخوان



دیروز جمعه، روز تولد مهتاب بود. همه‌ی بچه‌ها، به جز مینا، در خانه‌ی مهتاب جمع بودند. آن‌ها برای مهتاب هدیه آوردند، میوه و کیک خوردند، بازی کردند و آهنگ «تولدت مبارک» را خواندند. به بچه‌ها خیلی خوش گذشت.



مهتاب: دیروز کجا بودی؟ چرا نیومدی؟

مینا: پدرم مریض بود. بردیمش بیمارستان.

مهتاب: متأسفم! پس برای همین نیومدی؟

مینا: آره. خُب، جشن تولدت چه طور بود؟

مهتاب: خیلی خوب بود.

مینا: چه کار کردین؟

مهتاب: بازی کردیم، کیک و میوه خوردیم و هدیه‌ها رو باز کردیم.

مینا: پس خیلی خوش گذشت.

مهتاب: آره. اما جات خیلی خالی بود. راستی حال پدرت چه طوره؟

مینا: خیلی بهتره. متشکرم.



نیومدی = نیامدی

۲. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده



- الف: دیروز چند شنبه بود؟
ب: امروز چند شنبه است؟
پ: دیروز تولد چه کسی بود؟
ت: چه کسی در جشن تولد مهتاب نبود؟ چرا؟
ث: بچه‌ها در خانه‌ی مهتاب چه کار کردند؟

۳. گفت و گوی زیر را کامل کن



- مجید: دیروز کجا رفتی؟
محسن: بیمارستان.
مجید: چرا بیمارستان؟
محسن: پدرم مریض بردیمش
مجید: چرا تلفن؟
محسن: تلفنمون خراب

- ندا: دیروز کجا بودی؟
زهرا: عروسی
ندا: با کی رفتی؟
زهرا: پدر و مادرم
ندا: اون جا چه کار؟
زهرا: میوه و شیرینی و کیک، با بچه‌ها بازی و آهنگ «مبارک باد» رو
ندا: بهت خوش؟





گذشته	حال
<p>آیا دیروز یکشنبه بود؟</p> <p>بله، دیروز</p>	<p>آیا امروز دوشنبه است؟</p> <p>بله، امروز</p>
<p>آیا دیروز جمعه بود؟</p> <p>نه دیروز جمعه</p> <p>دیروز یکشنبه</p>	<p>آیا فردا پنج شنبه است؟</p> <p>نه، فردا پنج شنبه</p> <p>فردا سه شنبه</p>
<p>هفته پیش کجا بودی؟</p> <p>در</p>	<p>الآن کجا هستی؟</p> <p>در</p>
<p>آیا ماه گذشته در نیویورک بودی؟</p> <p>نه، ماه گذشته</p> <p>ماه گذشته در تهران</p>	<p>آیا الآن در نیویورک هستی؟</p> <p>بله،</p>

۷. جای خالی را مانند نمونه کامل کن



نمونه:

دیروز مهمانی بودم. (بودن)

دیروز کجا بودی؟

پدرم را به بیمارستان (بردن)

الف: پدرت را کجا؟

با مادرم به بیمارستان (رفتن)

ب: با کی به بیمارستان؟

درس جدید فارسی (خواندن)

پ: در مدرسه چه کار؟ (کردن)

چون اشتها (داشتن)

ت: چرا غذا؟ (خوردن)

چون بلیت (داشتن)

ث: چرا دیروز به تئاتر (رفتن)

۸. جای خالی را مانند نمونه کامل کن



نمونه:

دیروز به سینما رفتیم.

بچه‌ها، دیروز کجا رفتید؟

کیک و بازی

الف: در جشن تولد مهتاب چه کار؟

آهنگ «تولدت مبارک» را

ب: چه آهنگی را؟

میوه و شیرینی

پ: به جز کیک چی؟

چون تشنه

ت: چرا آب میوه تون رو؟

چون کلید

ث: چرا درو باز؟

۹. واژه‌های زیر را از واژه‌نامه‌ات پیدا کن. سپس متن زیر را بخوان



جاذبه:	مردم‌شناسی:	گران‌بها:
گردشگری:	نظامی:	قیمتی:
سکونت:	نفیس:	تابلو:

کاخ موزه‌های تهران

یکی از جاذبه‌های گردشگری تهران کاخ‌های آن است. این کاخ‌ها، که زمانی محل سکونت پادشاهان بوده‌اند، اکنون موزه هستند و به آن‌ها کاخ موزه می‌گویند. یکی از این کاخ‌ها «کاخ گلستان» است. این کاخ دویست ساله در مرکز تهران نزدیک بازار قرار دارد. معروف‌ترین ساختمان آن **شمس‌العماره** نام دارد. **موزه‌ی مردم‌شناسی** از دیدنی‌های این کاخ است. مجموعه‌ی کاخ‌های «سعدآباد» در باغ بسیار باشکوه و بزرگی قرار داد. یکی از دیدنی‌های این مجموعه، **موزه‌ی نظامی** است.

کاخ‌های «**نیاوران**» و «**صاحبقرانیه**» نیز مثل سعدآباد در شمال تهران واقع‌اند. این کاخ‌ها قسمتی از زندگی شاهان ایرانی را نشان می‌دهند و در آن‌ها نقاشی‌ها، تابلوها، اشیای قیمتی و فرش‌های نفیس و گران‌بهای نگه‌داری می‌شود.



شمس‌العماره



سعدآباد



موزه‌ی نظامی

۱۰. حالا به این پرسش‌ها پاسخ بده

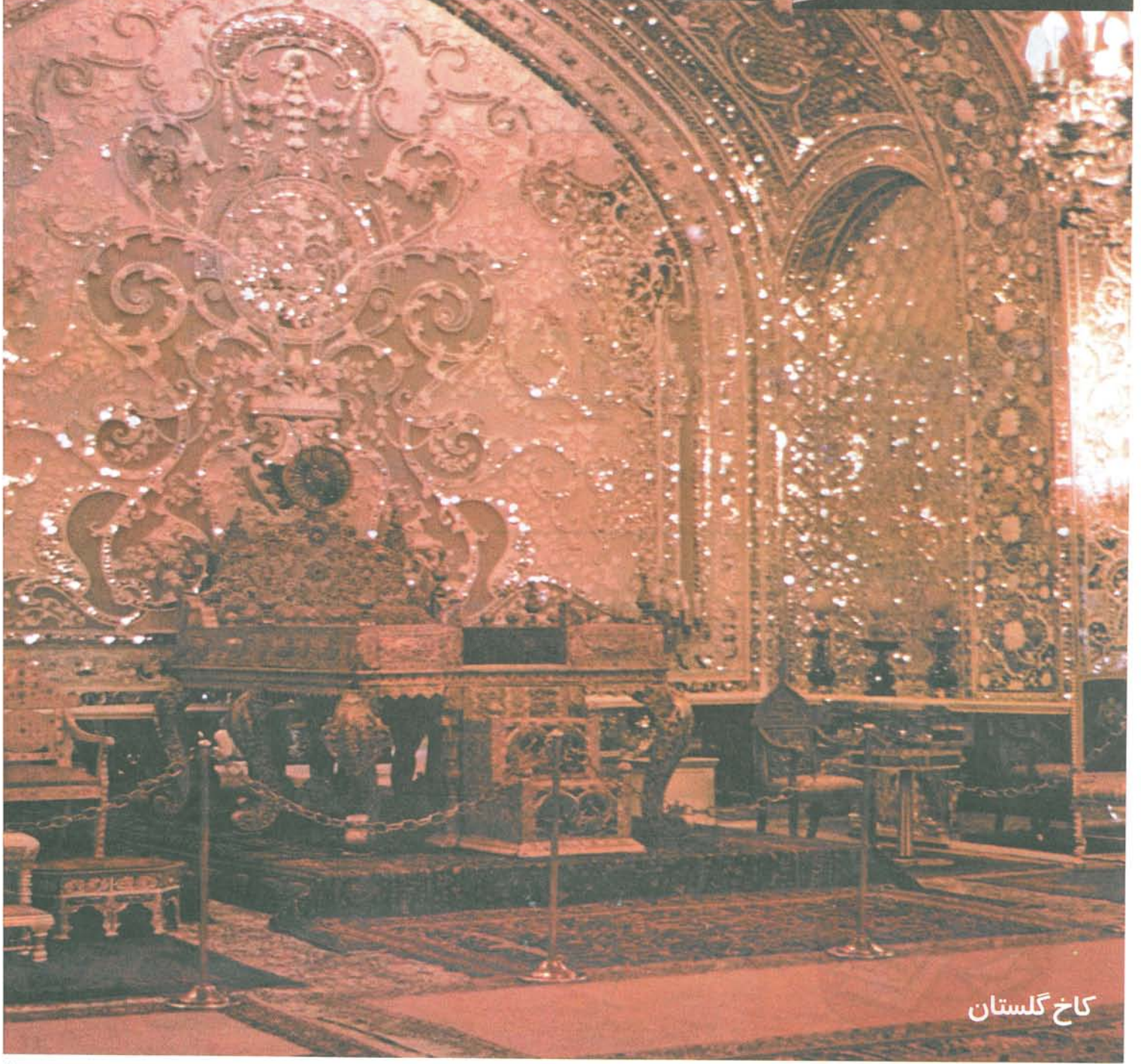


الف: معروف‌ترین کاخ‌های تهران چه نام دارند؟

ب: کدام کاخ تهران در شمال این شهر نیست؟

پ: موزه‌ی نظامی و موزه‌ی مردم‌شناسی در کدام کاخ‌ها هستند؟

ت: در این کاخ‌ها چه چیزهایی دیده می‌شود؟



كاخ گلستان



الف: دیروز با هواپیما به تهران آمدم.

ب: جمعه به پارک رفتم.

پ: هفته‌ی پیش برای دوستم نامه نوشتم.

ت: تابستان در دریا شنا کردیم.

ث: در مهمانی کیک و میوه خوردیم.





۱۲. به جمله‌های زیر توجه کن

از دانشمند موفقی پرسیدم. از دانشمند موفقی می‌پرسم.

چگونه به این مقام علمی رسیدی؟ چگونه به این مقام علمی می‌رسی؟

حالات بگو

من با دوستم ملاقات کردم.

تمام نقاط دیدنی ایران را دیدم.

به مدرسه نمی‌روم.

تنها در اتاق نهار می‌خورند.

برای دوستم یک تابلوی مینیاتور خریدم.

۱۳. دیدنی‌های موزه‌ی گلستان را برای دوستت تعریف کن

۱. گوش کن و بخوان



زن: ممکنه کمکم کنین؟

مرد: با کمال میل! چی شده؟

زن: ماشینم روشن نمی شه.

مرد: شما بشینین پشت فرمون، من هل می دم.

زن: خیلی متشکرم.

مرد: خواهش می کنم.

حمید: جمعه با برادرت میای جشن تولدم؟

ناصر: البته، چه ساعتی هست؟

حمید: ۶ تا ۹ بعداز ظهر.

ناصر: با کمال میل می آیم.



امیر: می تونی این دوچرخه رو برام درست کنی؟

سینا: نمی دونم. ولی سعی خودمو می کنم.

امیر: خیلی ممنون.

سینا: خواهش می کنم.



۲. مانند نمونه های بالا از دوستت تقاضا کن و به تقاضای او جواب مثبت بده

۲. گفت و گوی بالا را با دوستت تمرین کن

۴. واژه‌های زیر را از واژه‌نامه‌ات پیدا کن و سپس متن زیر را بخوان



توانا: برنا: نابینا: دانا: آموزنده: ملی:

فردوسی و هومر

توانا بود هر که دانا بود
زدانش دل پیر برنا بود.

این بیت زیبا، آموزنده و معروف از فردوسی شاعر بزرگ ایرانی است. فردوسی هزار سال پیش در توس به دنیا آمد و در سن هشتاد سالگی درگذشت. سی سال طول کشید تا کتاب معروفش «شاهنامه» را نوشت. او با نوشتن شاهنامه، زبان فارسی را زنده کرد.



هومر

هومر نیز از شاعران بزرگ یونان است. این شاعر نابینا دو هزار و هفتصد سال پیش به دنیا آمد. «ایلیاد» و «اُدیسه» از کتاب‌های معروف هومر هستند. فردوسی و هومر از شاعران بزرگ جهان هستند که داستان‌های ملی کشورشان را به صورت شعر نوشتند تا فرهنگ ملی‌شان را زنده نگه دارند.



فردوسی

۵. به پرسش‌های زیر پاسخ بده

- الف: فردوسی چند سال زندگی کرد؟
پ: فردوسی شاهنامه را در مدت چند سال نوشت؟
ت: هومر چند سال پیش به دنیا آمد؟
ج: هومر در کجا به دنیا آمد؟
ب: فردوسی در کجا به دنیا آمد؟
ت: فردوسی زبان فارسی را چگونه زنده کرد؟
ج: معروف‌ترین کتاب‌های هومر چه نام داشتند؟
ح: «زدانش دل پیر برنا بود» یعنی چه؟



محمد: کدام شاعر ایرانی را دوست داری؟

فرشید: من فردوسی رو دوست دارم..

محمد: چرا؟

فرشید: چون کتابش پر از داستان های ملی و قشنگه.

محمد: یعنی فردوسی هم مثل هومره؟

فرشید: چه طور؟

محمد: چون کتاب های هومر هم شعرهای ملی دارن.

فرشید: عجب! اسم کتاب های هومر چیه؟

محمد: «ایلیاد» و «اُدیسه». اسم کتاب فردوسی چیه؟

فرشید: شاهنامه.





ناهید: می شه کمکم کنی؟

شاهین: با کمال چی؟

ناهید: انگور بچینم، اما دستم؟

میترا: داری می کنی؟

سعید: دنبال کتابم؟

میترا: کدوم؟

سعید: شاهنامه. اما نمی تونم پیداش؟

میترا: می خواهی کمکت؟

سعید: ممنون می شم.





نمونه:

فردوسی شاهنامه را در مدت سی سال نوشت.

الف: فردوسی در هشتاد سالگی

ب: فردوسی هزار سال پیش به دنیا

پ: فردوسی هرگز در یونان زندگی

ت: فردوسی به عربی شعر

ث: فردوسی نابینا

سوم شخص مفرد
(مثبت و منفی)

الف: فردوسی و هومر داستان های ملی را به صورت شعر

ب: آن ها فرهنگ ملی خود را زنده نگه

پ: آن ها به فرهنگ کشور خود بسیار خدمت

ت: آن ها برای نوشتن کتاب هایشان سال ها زحمت

ث: آن ها به زبان انگلیسی شعر

ج: آن ها در جوانی فوت

چ: آن ها شعرهای کودکانه

سوم شخص جمع
(مثبت و منفی)

روزنامه فروش روزنامه می فروشد.

حالاتو بگو:

- سبزی فروش
- کتاب فروش
- شیر می فروشد.
- برنج می فروشد.
- میوه می فروشد.

ماگل های خدانیم

ماگل های خدانیم فرزندان ایرانیم
 ایران پاک خود را مانند جان می دانیم
 ما باید دانا باشیم هشیار و بینا باشیم
 از بهر حفظ ایران باید توانا باشیم
 آباد باش ای ایران آزاد باش ای ایران!
 از ما فرزندان خود دل شاد باش ای ایران!

عباس مینی شریف





۱. گوش کن و بخوان



جولیا: این رستوران چه طوره؟

سارا: از بهترین رستورانای تهرانه.

جولیا: از چه نظر؟

سارا: هم غذاش ارزونه و هم خوشمزه است. تازه هم غذای ایرانی داره، هم غذای فرنگی.

پیشخدمت: سلام. به رستوران ما خوش اومدین. بفرمایین این هم فهرست غذا.

جولیا: من ترجیح می دم غذای ایرانی بخورم. کدوم یکی خوش مزه تره؟

سارا: همه شون خوشمزه ان. چلو کباب، جوجه کباب، سبزی پلو با ماهی. اما به نظر من چلو کباب

برگ از همه بهتره.

پیشخدمت: خُب، چی میل دارین؟

جولیا: چلو کباب برگ.

سارا: یه پرس جوجه کباب بدون برنج.

پیشخدمت: دسر و نوشابه چی؟

سارا: لطفاً دو تا دوغ و برای دسر هم دوتا بستنی.

جولیا: نه، من بستنی نمی خورم. لطفاً یه کرم کارامل.

پیشخدمت: امر دیگه ای نیست؟

سارا: نه، متشکرم.



به جای «تهران» و «ایران» در گفتار می توان از

کلمه های «تهرون» و «ایرون» هم استفاده کرد.

ارزونه = ارزان است.

«تازه» در این جا به معنی «جدید» نیست؛ به معنی

«علاوه بر این» است.

«هم غذای ایرانی داره، هم غذای فرنگی» یعنی

هر دورا دارد.

«فرنگی» یعنی «خارجی»؛ یعنی «غیر ایرانی».

اومدین = آمدید

خوشمزه ان = خوشمزه هستند.



سارا: ببخشید. صورت حساب، لطفاً.
 پیشخدمت: بفرمایین، قابلی نداره.
 سارا: خواهش می‌کنم. بقیه‌اش هم مال خودتون.
 پیشخدمت: متشکرم.

۲. گفت و گوی بالا را با دوستت تمرین کن

۳. گفت و گوی زیر را کامل کن



پیشخدمت: چی دارین؟
 آقای رضوی: یه چلو مرغ.
 پیشخدمت: چی؟
 آقای رضوی: یه دوغ.

پیشخدمت: چی؟
 آقای رضوی: بستنی لطفاً.



آقای رضوی: لطفاً.



پیشخدمت: بفرمایین. میشه ۱۸۰۰ تومن.

آقای رضوی: این هم دو هزار تومن. هم مال خودتون.

پیشخدمت: متشکرم.



تومن = تومان

۴. گوش کن و پاسخ هایت را درست کن



۵. به فهرست غذای زیر نگاه کن و مانند گفت گوی صفحه قبل با دوستت تمرین کن



۶. به کمک فهرست غذا، به هر دسته چند نمونه ی دیگر اضافه کن

دسرها	نوشیدنی	غذای فرنگی	غذای ایرانی



دیروز با دوستم جولیا به رستوران «صدف» رفتیم. رستوران بسیار خوبی بود. هم کارکنان خوبی داشت و هم خیلی تمیز بود. من جوجه کباب سفارش دادم و جولیا چلوکباب برگ خورد. برای نوشیدنی هم کوکا و دوغ سفارش دادیم. من برای دسر، بستنی خوردم؛ ولی جولیا کرم کارامل خورد. غذای آن جا هم ارزان بود و هم خوش مزه.

۸. حالا به پرسش‌ها پاسخ بده



- الف: دیروز سارا و جولیا کجا رفتند؟
- ب: آن‌ها چه غذاهایی خوردند؟
- پ: آن‌ها چه نوشیدنی‌هایی خوردند؟
- ت: آن‌ها برای دسر چه خوردند؟
- ث: آن رستوران چگونه رستورانی بود؟
- ج: غذایش چگونه بود؟



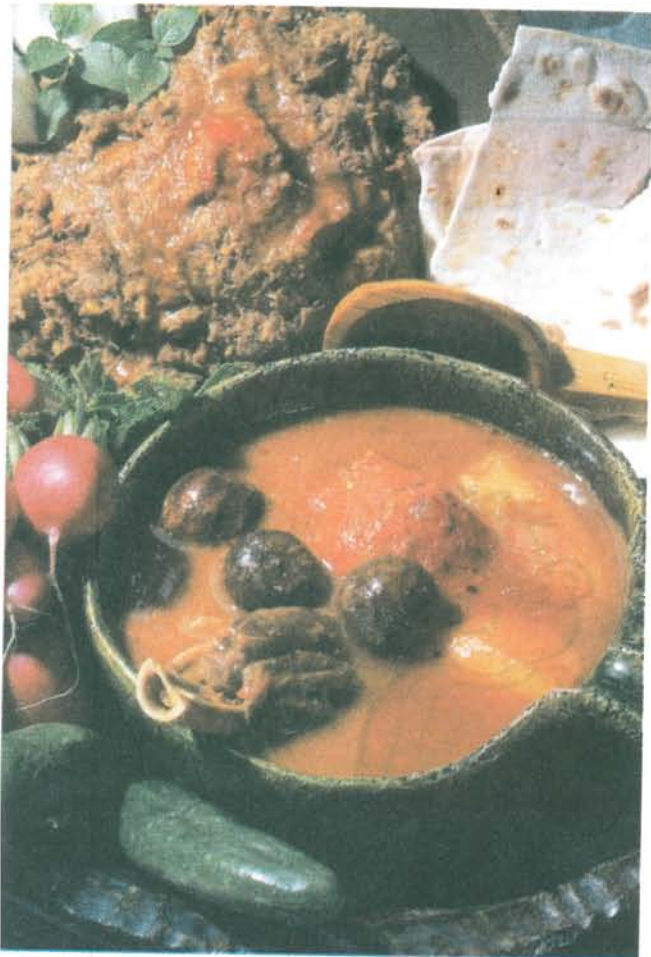
مزه: لذیذ: سنتی: مختلف: مخصوص: جشن: عزاداری: مراسم:

سفره‌ی ایرانی

هنوز هم مزه‌ی غذاهای ایرانی زیر دندانم است. در مدت یک ماهی که در ایران بودم، با غذاهای مختلف ایرانی آشنا شدم و فهمیدم که خوش مزه‌ترین و لذیذترین غذاهای دنیا را می‌توانیم در ایران بخوریم. علاوه بر غذاهای معروف و سنتی ایران مثل چلو کباب، خورشت قورمه‌سبزی، آبگوشت و انواع آش، هر شهر ایران هم برای خودش غذای مخصوصی دارد. مثلاً وقتی که به تبریز می‌روی، نمی‌توانی از «کوفته‌ی تبریزی» نخوری. همین‌طور حیفاست که به گیلان بروی و «میرزا قاسمی» و «باقالی قاتوق» نخوری.



چلو کباب



آبگوشت



چلو



خورشت قورمه سبزی

از دیگر غذاهای ایرانی می‌توانیم به «بریانی» اصفهان و «ماهی شکم‌پر» مازندران اشاره کنیم. گفتنی است که مردم ایران بعضی از غذاها را در جشن‌ها و شادی‌ها و بعضی را در مراسم دیگر مثل عزاداری‌ها می‌خورند.

هم‌چنین دسرهای ایرانی هم خوردنی است، مثل شیربرنج، شله‌زرد، یخ‌در‌بهشت، حلوا، فالوده و مسقطی. شما هم حتماً غذای ایرانی را دست‌کم یک بار امتحان کنید.



شله‌زرد

۱۱. تصویرهای زیر را با هم مقایسه کن و به پرسش‌ها پاسخ بده

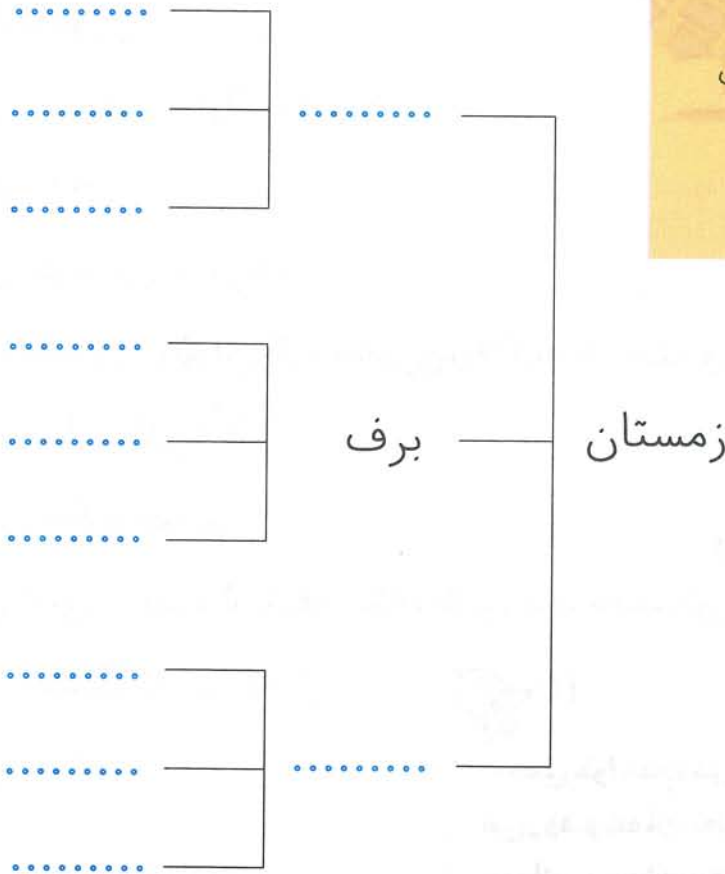


الف: کدام پسر تمیزتر است؟

ب: کدام پسر لاغرتر است؟

پ: کدام پسر بلندتر است؟

ت: کدام پسر تنبل‌تر است؟



۱. گوش کن و بخوان



مدیر آژانس: تاکسی سرویس گلستان، بفرمایین.

آقای خاکباز: ببخشین، یه ماشین می خواستم. 

مدیر آژانس: کجا تشریف می برین؟


آقای خاکباز: نیاوران.

مدیر آژانس: شماره‌ی اشتراک دارین؟

آقای خاکباز: نه خیر.

مدیر آژانس: آدرستون رو بفرمایین.

آقای خاکباز: خیابون نیاوران، کوچه امیری، پلاک ۱۰، طبقه‌ی دوم.

مدیر آژانس: جناب عالی؟ 

آقای خاکباز: خاکباز هستم.



مدیر آژانس: آقای خاکباز، ۵ دقیقه دیگه ماشین میاد خدمت تون.



آقای خاکباز: متشکرم، خدانگه‌دار.

مدیر آژانس: خداحافظ.

- «می خواستم» در گفتار به جای «می خواهم» نیز به کار می‌رود و همان معنی را دارد.

- برای پرسیدن محترمانه‌ی نام کسی، از جناب عالی برای مرد و از سرکار برای زن، با آهنگ پرسشی استفاده می‌کنیم.

- میاد خدمت تون = خدمت شما می‌آید.





(الف)

- مدیر آژانس: تاکسی تلفنی امید،
- خانم طاهر پور: ببخشین،
- مدیر آژانس: برای؟
- خانم طاهر پور: افسریه.
- مدیر آژانس: آدرستون رو
- خانم طاهر پور: خیابان ونک،، اول.
- مدیر آژانس: سرکار؟
- خانم طاهر پور:
- مدیر آژانس:, چند دقیقه دیگه می رسه.
- خانم طاهر پور: متشکرم،
- مدیر آژانس: خدانگه دار.



(ب)

- مدیر آژانس: آژانس گل ها،
- آقای امین زاده: سلام، امین زاده هستم.
- یه ماشین شهرک قدس
- مدیر آژانس: سلام آقای امین زاده. شماره ی اشتراکتون چنده؟
- آقای امین زاده: ۵۵۰.
- مدیر آژانس: همین الان میاد
- آقای امین زاده:
- مدیر آژانس: خواهش می کنم. خداحافظ.
- آقای امین زاده: خداحافظ.

۴. گفت و گوهای بالا را با دوستت تمرین کن

- ببخشین یه ماشین می خواستم. برای کجا؟
- شماره ی اشتراک دارین؟
- آدرستون رو بفرمایین.





نژاد: اقوام: اقلیت: فرهنگ: رسمی: درصد: وطن:

اقوام ایرانی

مردم ایران از نژاد «آریایی» هستند. در ایران اقوام مختلفی مانند گُرد، بلوچ، تُرکمن و لُر زندگی می‌کنند. به علاوه تُرک‌ها و عرب‌ها و اقلیت‌های دینی چون ارمنی، زرتشتی، آشوری و گرجی هم به خوبی در کنار هم زندگی می‌کنند. هر یک از این اقوام در نقطه‌ای از ایران هستند و برای خود زبان و فرهنگ و رسوم جالبی دارند. زبان رسمی همه‌ی این اقوام فارسی است و نود و هشت درصد مردم ایران مسلمان هستند.

مردم ایران در هر کجا که باشند، ایرانی هستند و وطن خود را دوست دارند.





۶. پاسخ بده

- الف: مردم ایران از چه نژادی هستند؟
 ب: چه اقوامی در ایران زندگی می کنند؟
 پ: اقلیت های دینی ایرانی کدام هستند؟
 ت: آیا همه ی مردم ایران فرهنگ و رسوم یکسانی دارند؟
 ث: زبان رسمی ایران چیست؟
 ج: اکثریت مردم ایران چه دینی دارند؟

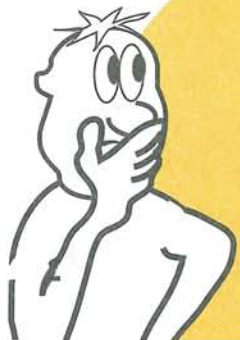
۷. به واژه های زیر توجه کن



آریا	←	آریایی
فارس	←	فارسی
اسلام	←	اسلامی
حالات بگو		
تهران	←
بلوچ	←
کرد	←
.....	←	ایرانی
.....	←	حسینی
.....	←	ترکمنی

فکر و کن و بگو

اضافه کردن «ی» به این واژه ها چه تغییری در معنای آن ها می دهد؟



۸. مانند نمونه کامل کن



نمونه: «به سرعت باد» یعنی: خیلی تند، مثل باد

- الف: «به نرمی پنبه» یعنی:
- ت: «به سرخی گل» یعنی:
- ب: «به شجاعت شیر» یعنی:
- ث: «به گرمی آفتاب» یعنی:
- پ: «به وسعت دریا» یعنی:

۹. به چهار تصویر زیر نگاه کن و داستان آن را بگو



۱۰. برای هر واژه یک جمله بنویس



- الف: فارسی:
- ب: ایرانی:
- پ: آلمانی:
- ت: اسلامی:

ای ایران

ای ایران! ای مرزپرگهر!
ای خاکت سرچشمه‌ی هنر!
دور از تو اندیشه‌ی بدان
پاینده مانی تو جاودان
ای دشمن آر تو سنگ خاره‌ای من آه‌نم
جان من فدای خاک پاک میهنم
مهر تو شد چون پیشه‌ام
دور از تو نیست اندیشه‌ام
در راه تو، کی ارزشی دارد این جان ما
پاینده باد خاک ایران ما
سنگ کوهت در و گوهر هست
خاک دشتت بهتر از زر است
مهرت از دل کی برون کنم؟
برگو، بی مهر تو چون کنم؟
تا گردش جهان و دور آسمان به جاست
نور ایزدی همیشه ره‌نمای ماست
مهر تو شد چون پیشه‌ام
دور از تو نیست اندیشه‌ام
در راه تو، کی ارزشی دارد این جان ما
پاینده باد خاک ایران ما



۱. جاهای خالی را با حرف اضافه پر کن

- الف: ابرها آسمان هستند.
 ب: یک گربه درخت است.
 پ: هوای روستا تمیزتر هوای شهر است.
 ت: همه باید هم کمک کنند.
 ث: معلّم دارد بچه‌ها بازی می‌کند.
 ج: کوه‌های بلندی ایران وجود دارد.
 چ: تهران شیراز ۹۰۰ کیلومتر است.




۲. جدول زیر را کامل کن

جمع		مفرد
+ان/گان	+ها	
		شاعر
مادران		
	ماهی‌ها	
		نویسنده
	پسرها	
		معلّم
کودکان		

۳. هر یک از کلمه‌های زیر را به مخالف آن وصل کن



بلند		کوچک	
گران		تمیز	
کثیف		شلوغ	
خلوت		کوتاه	
بزرگ		خطرناک	
بد		خوب	
امن		ارزان	

۴. جدول زیر را کامل کن



صفت ساده	صفت تفضیلی	صفت عالی
	قدیمی تر	
		سریع ترین
آهسته		
سرد		
		پر جمعیت ترین
	معروف تر	

۵. به جدول زیر نگاه کن و با استفاده از صفت‌های تفضیلی و عالی برای هر ردیف جمله بنویس



خانم کریمی



آقای مهدی پور



آقای نصریان

۴۱	۳۰	۳۴	سن
۱۶۰	۱۷۰	۱۷۵	قد
لیسانس	دکتر	دیپلم	تحصیلات
۶۷ کیلوگرم	۸۵ کیلوگرم	۸۰ کیلوگرم	وزن
۲۳۰ هزار تومان	۱۹۰ هزار تومان	۷۰ هزار تومان	درآمد ماهیانه

الف:

ب:

پ:

ت:

ث:

۶. واژه‌های زیر را طبقه‌بندی کن



جوراب	ساندویچ	دوچرخه سواری	چلوکباب	کلاه
پیتزا	مرغ	فوتبال	شال	آبگوشت
ژاکت	شنا	دفتر	ماهی	کوهنوردی

کدام کلمه در هیچ طبقه‌ای جا نمی‌گیرد؟

۷. هر یک از کلمه‌های ستون «الف» را به کلمه‌های مناسب آن در ستون «ب» وصل کن



الف	ب
فیلم	گفتنی
کتاب	دیدنی
داستان	خواندنی
غذای	شنیدنی
حرف	بویدنی
گل	خوردنی



۸. کدام جمله درست است؟

الف: فردوسی شاهنامه را در سی سال می نویسد.

ب: فردوسی شاهنامه را در سی سال نوشت.

الف: دیروز به مهمانی می رویم.

ب: دیروز به مهمانی رفتیم.

الف: هفته ی گذشته همه ی بچه ها در خانه ی ما جمع بودند.

ب: هفته ی گذشته همه ی بچه ها در خانه ی ما جمع هستند.

الف: فردا کلاس فارسی داریم.

ب: فردا کلاس فارسی داشتیم.

الف: پارسال پسرم را به نیویورک می برم.

ب: پارسال پسرم را به نیویورک بردم.

الف: هفته ی آینده کجا دعوت هستی؟

ب: هفته ی آینده کجا دعوت بودی؟

الف: چرا دیروز تشریف نیاوردید؟

ب: چرا دیروز تشریف نمی آورید؟



الف: نام خانوادگی ناهید چیست؟

ب: ناهید چه کاره است؟

پ: او چند سال دارد؟

ت: او در کجا زندگی می‌کند؟

ث: نام پدر و مادر او چیست؟

ج: او کلاس چندم است؟

چ: نام معلم او چیست؟

ح: مدرسه‌ی او چه نام دارد؟

نام: ناهید

نام خانوادگی: دین دار

سن: ۹ سال

محل زندگی: تهران

نام پدر: مجید

نام مادر: فرشته

کلاس: دوم دبستان

نام معلم: خانم کاشانی

نام مدرسه: اندیشه



الف . خرس در غار زندگی می کند.



ب . گنجشگ پرنده است و در لانه زندگی می کند.

پ . خفاش پرنده است و در غار زندگی می کند.



ت . زنبور حشره است و در کندو زندگی می کند.

ث . انسان در خانه زندگی می کند.

ج . ماهی در آب زندگی می کند.

۱۱. به اطراف خود نگاه کن، اسم وسایل، مکان ها و افراد را در دسته طبقه بندی کن

وسایل

.....
.....
.....
.....
.....

افراد

.....
.....
.....
.....
.....

مکان ها

.....
.....
.....
.....
.....



۴



۵



۶

عیدت مبارک!



۱. گوش کن و بخوان



بهمن: سلام بهرام! عیدت مبارک!

بهرام: سلام بهمن! عید تو هم مبارک! صد سال به این سال ها!



بهمن و بهرام: سلام خانم معلم! سال نو مبارک!

خانم نادری: سلام بچه ها! سال نوی شما هم مبارک!

امیدوارم سال خوبی داشته باشید و در

درس هاتون هم موفق باشید.

بهمن و بهرام: متشکریم خانم نادری.



عیدت مبارک! = سال نو مبارک!

صدسال به این سال ها جمله ای است که برای تبریک سال نو به کار می رود.



فرهاد: سلام پدر بزرگ! عیدتون!

پدر بزرگ: سلام فرهاد جان!!



سارا: سلام! سالِ نو مبارک! صد سال سال ها.

سیمین: سلام! سال!



عید شما مبارک!

سال نو مبارک!



آغاز: نخستین: دعا خواندن: آرزو: موفقیت: استقبال:

عید نوروز

عید نوروز مهم‌ترین جشن ملی ایرانیان است. این عید نخستین روز سال نو، برابر با اول فروردین، و آغاز فصل بهار است. مردم از چند روز قبل به استقبال نوروز می‌روند. لباس‌ها و وسایل نو می‌خرند و خانه‌هایشان را تمیز می‌کنند.

هنگام آغاز سال نو، همه با لباس‌های نو دور سفره‌ی هفت سین می‌نشینند و دعا می‌خوانند. پس از آغاز سال نو، همه به هم تبریک می‌گویند، روی همدیگر را می‌بوسند و به یکدیگر عیدی می‌دهند و برای هم آرزوی موفقیت می‌کنند. با شروع تعطیلات سال نو، مردم به دید و بازدید می‌روند و گاهی هم به شهرهای دیگر مسافرت می‌کنند.

روز سیزدهم فروردین، آخرین روز تعطیلات نوروزی است. در این روز مردم برای تفریح از شهر خارج می‌شوند. به این مراسم «سیزده‌به‌در» می‌گویند.

۶. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده

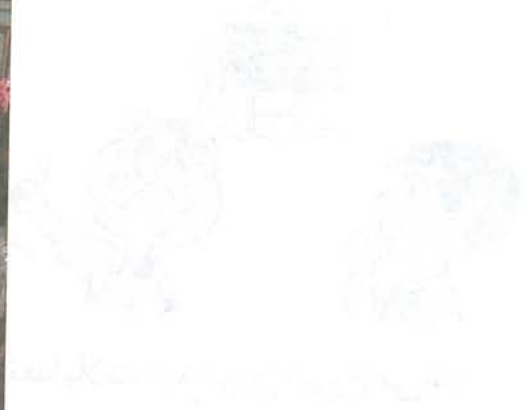


الف: عید نوروز برابر با چه زمانی است؟

ب: مردم هنگام آغاز سال نو چه کارهایی می‌کنند؟

پ: مردم در تعطیلات نوروز چه کار می‌کنند؟

ت: سیزده‌به‌در چه روزی است؟





آکس: سلام احمد.

احمد: سلام.

آکس: چرا نرفتی مدرسه؟

احمد: چون امروز مدرسه تعطیله.

آکس: امّا امروز که دوشنبه است.

احمد: درسته. ولی امروز روزِ اوّلِ سالِ جدیدِه. از امروز، تعطیلاتِ عیدِ نوروز شروع می شه.

آکس: چند روز تعطیله؟

احمد: مدرسه تا سیزده فروردین تعطیله؛ اما اداره ها فقط تا چهارم تعطیلن.

آکس: عجب! پس سیزده روز تعطیلی! تعطیلات رو می خوای چی کار کنی؟

احمد: چند روز اوّل با پدر و مادرم می ریم خونه ی فامیل ها و دوستانمون عیددیدنی، یا برامون

مهمون می آد. بعدش هم چند روز می ریم مسافرت.

آکس: کجا؟

احمد: فکر کنم شیراز.



الف: این گفت و گو در چه روزی انجام شده است؟

ب: چرا مدرسه ی احمد امروز تعطیل است؟

پ: احمد چند روز تعطیل است؟

ت: ایرانی ها در تعطیلات عید چه کار می کنند؟

ث: احمد برای تعطیلات می خواهد به کجا برود؟



- الف: در کشور آمریکا، سال نوِ میلادی از کی شروع می‌شود؟
- ب: تعطیلاتِ سال نو در آمریکا چند روز است؟
- پ: مردم آمریکا در تعطیلات سال نو میلادی چه کار می‌کنند؟
- ت: آیا می‌دانی عید نوروز، روز اول سال نو در ایران، برابر با چه روزی در آمریکا است؟
- ث: آیا ایرانی‌ها این روز را در آمریکا جشن می‌گیرند و به هم تبریک می‌گویند؟
- ج: آیا ایرانی‌ها در آمریکا روز اول فروردین به مدرسه می‌روند؟



- الف: نانوا نان می‌پزد. :۱
- ب: کشاورز گندم می‌کارد. :۲
- پ: نان را می‌خوریم. :۳
- ت: گندم‌ها پس از مدتی رشد می‌کنند. :۴
- ث: کشاورز گندم‌ها را درو می‌کند. :۵
- ج: آسیابان گندم‌ها را آرد می‌کند. :۶

۱۳. به تصویرها نگاه کن و بگو مینا در هر کدام چه حالتی دارد؟



ب:



الف:



ت:



پ:

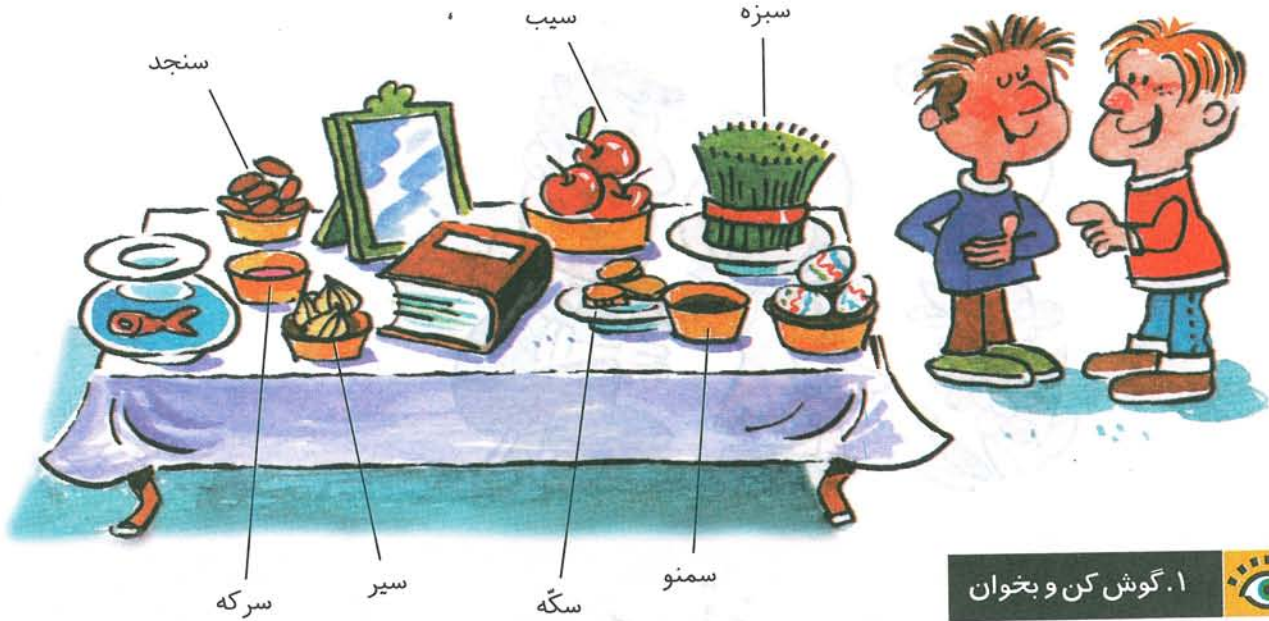


سیب قرمز

نشتم پیش گل ها	همین یک ساعت پیش
ولی زنبوری آمد	مرا یک دفعه زدنیش
نشتم گریه کردم	زدم فریاد از درد
پدر آمد کنارم	نشست و ساکتم کرد
پدر بوسید من را	به شوخی گفت: وز، وز
ورم کرده دماغت	شده یک سیب قرمز

افسانه شعبان نژاد

هفت سین چیه؟



۱. گوش کن و بخوان



احمد: بفرمایین. خیلی خوش اومدی.

آکس: متشکرم..... خُب، اینا چیه رو میز؟

احمد: این سفره‌ی هفت‌سینه.

آکس: هفت‌سین؟

احمد: آره. برای عید نوروز.

آکس: اینا چی هستن؟

احمد: سیر، سرکه، سمنو، سنجد، سگه، سیب و سبزه. البته آینه، تخم مرغ، قرآن و ظرف

ماهی هم می‌ذاریم.

آکس: خُب، اینا تا کی می‌مونن؟

احمد: تا آخر عید نوروز. روز اول، همه کنار این سفره می‌شینن و دعا می‌کنن که سال خوب

و خوشی داشته باشن.



الف: وقتی کسی به مهمانی می‌رود، به او چه می‌گویند؟

.....

ب: اسم سفره‌ی عید چیست؟ چرا؟

.....

پ: اشیای سفره‌ی هفت سین چه چیزهایی هستند و در سفره‌ی عید چه چیزهای دیگری می‌گذارند؟

.....

ت: ایرانیان سفره‌ی هفت سین را چند روز نگه می‌دارند؟

.....

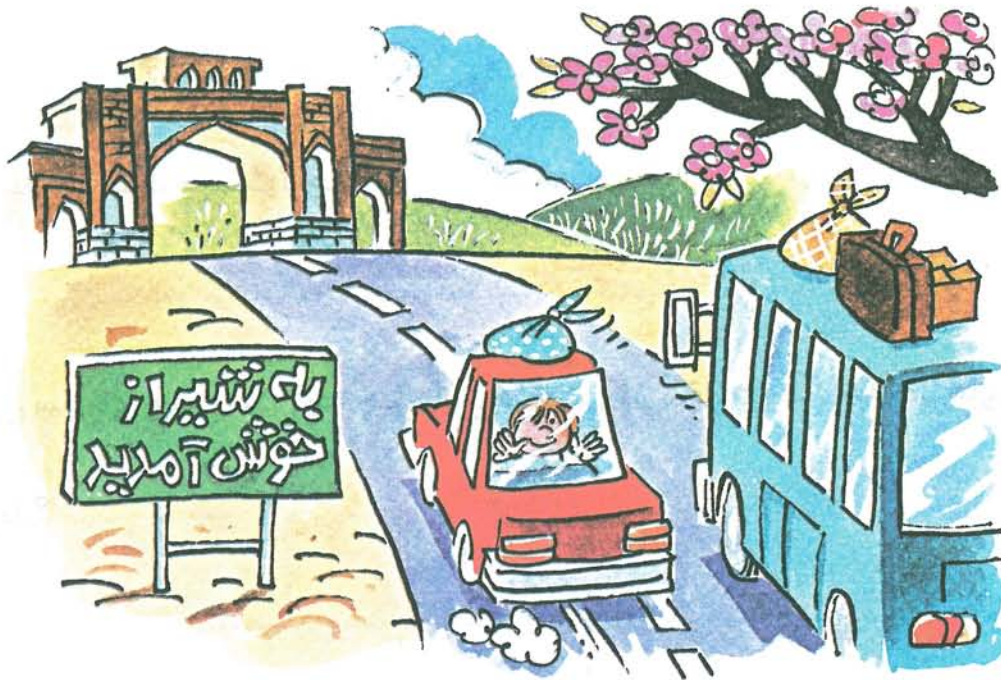
ث: در روز اوّل عید، مردم در کنار سفره‌ی هفت سین چه کار می‌کنند؟

.....





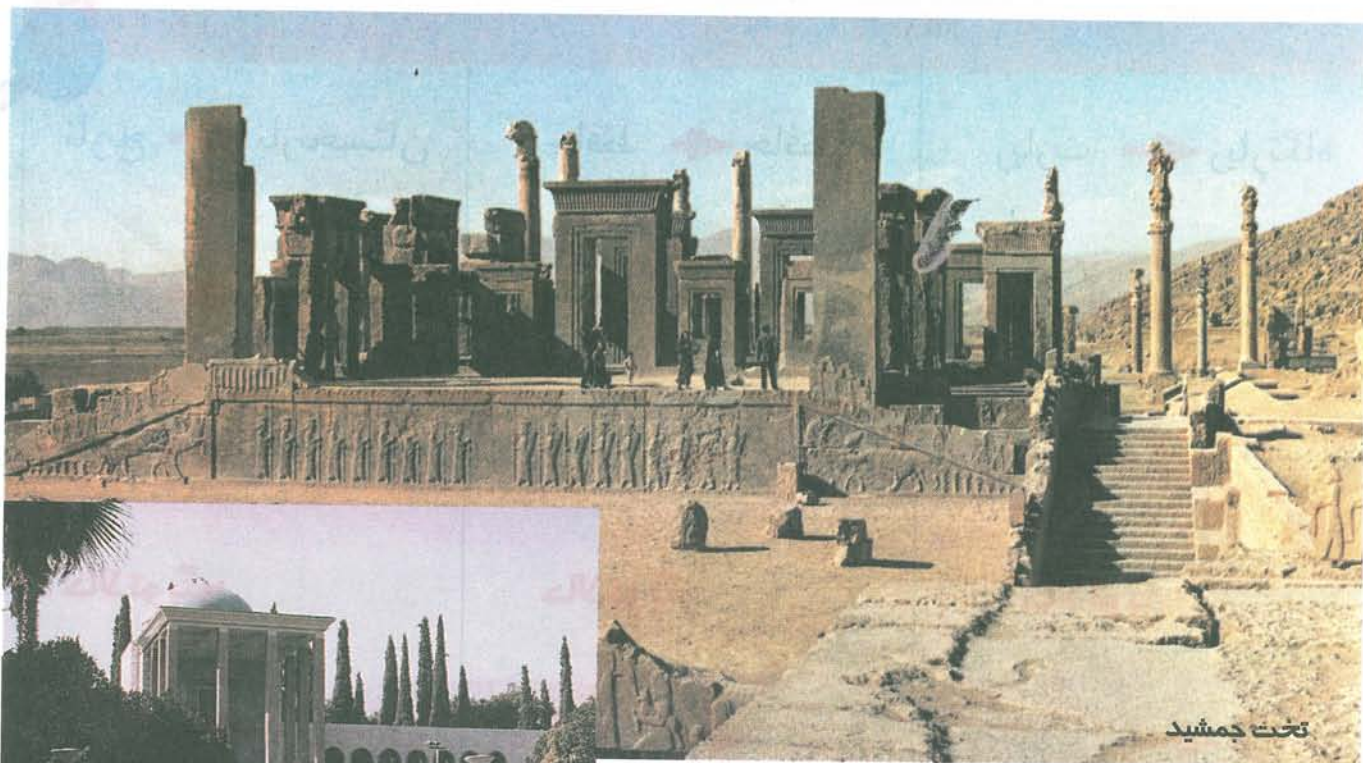
باستانی: عظمت: آثار: زیارتگاه: توریستی: آرامگاه:



شیراز

شهر شیراز در ۹۰۰ کیلومتری جنوب تهران قرار دارد. از تهران تا شیراز با هواپیما یک ساعت و با ماشین دوازده ساعت طول می‌کشد. شیراز شهر شعر و شاعری است. حافظ و سعدی از شاعران مشهور این شهر هستند، که آرامگاهشان هم از مناطق توریستی شیراز است. زیارتگاه «شاه چراغ» هم در این شهر قرار دارد که آرامگاه احمد بن شاه چراغ، برادر امام رضا (ع) است.

شیراز در فصل بهار بسیار زیباست. مردم بسیاری برای تعطیلات نوروز به آن جا می‌روند. شیراز جاهای زیبا و آثار باستانی بسیار با عظمتی دارد. ساخت تخت جمشید، در نزدیکی شیراز، به ۲۵۰۰ سال پیش برمی‌گردد. باغ دلگشا، باغ عفیف آباد، باغ ارم، نارنجستان قوام، حمام و بازار وکیل، سعدیه و حافظیه از مکان‌های دیدنی این شهر هستند.



تخت جمشید



سعدیه

۶. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده



- الف: شیراز کجاست؟
 ب: مسافرت از تهران تا شیراز چه قدر طول می‌کشد؟
 پ: دو شاعر شیرازی را نام ببر.
 ت: چرا مردم در تعطیلات نوروز بیشتر به شیراز می‌روند؟
 ث: آثار باستانی شیراز را نام ببر.
 ج: مکان‌های دیدنی و زیبای شیراز کدامند؟
 چ: نام آرامگاه حافظ و سعدی چیست؟
 خ: «شاه چراغ» چه کسی است؟



حافظیه



نارنج ← نارنجستان

بیمار ← بیمارستان

دبیر ← دبیرستان

حالا تو بگو:

هنر ←

سرو ←

گل ←

ترکمن ←

حافظ ← حافظیه

سعدی ← سعدیه

زعفران ← زعفرانیه

حالا تو بگو:

جمشید ←

سلیمان ←

فرمان ←

اختیار ←

زیارت ← زیارتگاه

آرام ← آرامگاه

آرایش ← آرایشگاه

حالا تو بگو:

دانش ←

نمایش ←

کار ←

شکار ←

فکر و کن و بگو

در زبان فارسی هر گاه به آخر اسم و صفت‌ها «ستان»، «یه» و «گاه» اضافه شود، کلمه‌ی ساخته شده چه مفهومی می‌دهد؟



۸. به جمله‌ی زیر نگاه کن و بعد، مرحله به مرحله، کلمه‌های داخل پرانتز را به آن اضافه کن



سامان کتاب خرید.

الف: (خوبی).

ب: (داستان).

پ: (از کتاب فروشی).

ت: (دیروز).

ث: (سر خیابان).

۹. در هر مرحله یکی از کلمات داخل پرانتز را کم کن و جمله را در جای خالی بنویس. بعد از روی آن بخوان



دیروز از پله‌های ساختمان ده طبقه‌ای به سرعت بالا رفتم.

الف: (دیروز).


ب: (ده طبقه‌ای).

پ: (به سرعت).



۱. گوش کن و بخوان



آلكس: خوب، تو گفتي سيزده روز اول عيد مدرسه‌ها تعطيله؟

احمد: آره. تعطيله و ما هم بيشتري به ديد و بازديد مي‌ريم. 


آلكس: «ديد و بازديد» يعني چي؟

احمد: يعني ديدن فاميل‌ها و دوست‌ها و همسايه‌ها. اونا هم خونه‌ي ما مي‌آن.  اگر اونا زودتر به ديدن ما بيان،  چند روز بعد ما به بازديد اونا مي‌ريم و به هم مي‌گيم: «صد سال به اين سال‌ها!».

آلكس: از خوردني‌هاي مخصوص عيد بگو.

احمد: شب عيد معمولاً

سبزي پلو با ماهي

مي‌خوريم.  مهموني هم

كه مي‌ريم، معمولاً ميوه،

شيريني و آجيل هست.



مي‌ريم = مي‌رويم

مي‌آن = مي‌آيند

بيان = بيانند

مي‌گيم = مي‌گويم

مهموني = مهماني

مي‌آرم = مي‌آورم

چه زحمتي = زحمتي نيست

بادوم = بادام



آلكس: آجيل چيه؟

احمد: آخ، ببخشيد يادم رفت پذيرايي كنم! الان مي آرم ببيني.

آلكس: زحمت نكش. من چيزي نمي خورم.

احمد: خواهش مي كنم، چه زحمتي! بفرمايين، اين هم آجيل.

آلكس: متشكرم.

احمد: ببين! آجيل فندق، پسته، تخمه، بادوم و نخودچي داره.

۲. دوباره گوش کن و به پرسش های زیر پاسخ بده



الف: «ديد و بازديد» يعني چه؟

ب: غذاي شبِ سال نو چيست؟

پ: در ديدو بازديد نوروز، از مهمان ها با چه چيزهايي پذيرايي مي كنند؟

ت: آجيل چيست؟

۳. گفت وگوي بالا را با دوستت تمرين كن

۴. به دوستانت بگو شب عيد چه غذايي مي خوريد. آيا مي داني چگونه آن ها را درست مي كنند؟

۵. درباره ي خوردهاي روزهاي عيد با دوستانت صحبت كن

۶. حالا به پرسش های زیر پاسخ بده



الف: آيا روز كريسمس هم غذاي مخصوصي دارد؟ چه غذايي؟

ب: آيا در تعطيلات كريسمس آمريكايي ها به «ديد و بازديد» مي روند؟

پ: در مهماني كريسمس چه چيزهايي مي خورند؟

ت: آيا ايراني ها مراسم عيد نوروز را در آمريكا برگزار مي كنند؟ چگونه؟



آراستن: آرایش: مرغوب: شاهکار: رونق: سوغات: منظم:



خاتم‌سازی یکی از هنرهای بسیار قدیمی ایران است. در این هنر، سطح اشیا را به صورتی شبیه موزاییک با مثلث‌های کوچک می‌آریند. این آرایش به صورت شکل‌های منظم هندسی است. مثلث‌های کوچک را از انواع چوب و فلز و استخوان می‌سازند. هرچه مثلث‌ها ظریف‌تر و ریزتر باشد، خاتم مرغوب‌تر است.

در گذشته، در کاخ‌ها و امام‌زاده‌ها؛ میز، صندلی و اشیای دیگر را خاتم‌کاری می‌کردند. یکی از شاهکارهای هنر خاتم‌سازی، آرامگاه امام علی (ع) در نجف است که بسیار ظریف و زیباست. نمونه‌ی دیگر از شاهکارهای خاتم‌سازی، اتاقی با تمام وسایل آن در کاخ مرمر تهران است.

مرکز خاتم‌سازی، شهر شیراز است. در اصفهان هم این هنر رونق بسیاری دارد. خاتم‌کاری‌های ایرانی از بهترین سوغات‌ها و نشان‌دهنده‌ی هنر و فرهنگ ایران است.

۸. به پرسش‌های زیر پاسخ بده



الف: خاتم‌سازی چیست؟

ب: خاتم مرغوب چگونه خاتمی است؟

پ: از شاهکارهای هنر خاتم‌سازی کدامند؟

ت: مرکز خاتم‌سازی کجاست؟

ث: آیا شما در خانه یک وسیله‌ی خاتم‌کاری شده دارید؟ نام ببرید.

۹. به عبارت‌های زیر توجه کن



الف: دید و بازدید

ب: رفت و آمد

پ: گفت و گو

حالا کلمه‌هایی را که مثل کلمه‌های بالا می‌توانند با هم بیایند، به هم وصل کن

ب

جو
خورد
شو
روب
برخاست

الف

زَد
جُست
رُفت
نُشست
شُست



«پسرک» یعنی پسرِ کوچک

حالا تو بگو:

«اتاقک» یعنی

«دخترک» یعنی

..... یعنی سوت کوچک.



خوشمزه

شکوفه‌ها

قایق

هدیه

تماشاگران

الف: بهار فصلِ است.

ب: تیم مورد علاقه‌ی خود را تشویق کردند.

پ: برای ماهی‌گیری، با به وسط دریا رفتیم.

ت: غذاهای ایرانی هستند.

ث: برای جشن تولدم آوردند.



خواب

ماه‌ی تو خواب خوش بود
 خواب ستاره می دید
 زیر کجاف آبیش
 یواش یواش می خندید

ستاره ای رو ابرا
 نگاش به ماهی افتاد

اومد، اومد پایین تر
 تو حوض آبی افتاد

ماه‌ی بیدارش از خواب

برق ستاره رو دید

دمش روی تگّون داد

این و ر و اون و ر پرید



۱. گوش کن و بخوان



آلكس: روز كرسمس، بزرگ ترها به كوچك ترها هديه مي دن. شما چه طور؟
 احمد: ما هم موقع عيد نوروز وقتي به ديدن فاميل و دوست ها مي ريم، از بزرگ ترا عيدي مي گيريم.
 آلكس: عيدي چيه؟

احمد: هديه اي كه مردم موقع نوروز به هم مي دن.

آلكس: معمولاً عيدي چي مي دن؟

احمد: بيشتر پول مي دن. گاهي هم اسباب بازي.

آلكس: تو چه قدر عيدي گرفتي؟

احمد: تا حالا ۱۰۰۰۰ تومن. البته امروز تازه روز اول عيده.

آلكس: كي بهت عيدي داد؟

احمد: پدرم و پدر بزرگم.



مي دن = مي دهند

بزرگ ترا = بزرگ ترها



آلكس: راستى! روز كريسمس ما «بابانوئل» داريم. شما چى؟
 احمد: البته ما چيزى مثل بابانوئل نداريم. اما «عمونوروز» داريم
 كه براى بچه‌ها هديه مياره و «حاجى فيروز» داريم كه صورتشوسياه
 مى‌كنه، لباس قرمز مى‌پوشه و يه دايره زنگى دستش مى‌گيره. از
 چند روز قبل از عيد، تو خيابون راه مى‌آفته، دايره مى‌زنه و مى‌خونه
 و مى‌رقصه و مردم بهش پول مى‌دن.

آلكس: چى مى‌خونه؟

احمد: مى‌گه «حاجى فيروزه، سالى يه روزه!» حاجى فيروز با اين
 شعر نشون مى‌ده كه عيد داره مى‌آد.

۲. دوباره گوش كن و به پرسش‌هاى زير پاسخ بده



الف: عيدى چيست؟

ب: چه كسى عيدى مى‌دهد؟

پ: بيشتر چه چيزى عيدى مى‌دهند؟

ت: احمد روز اول عيد چه قدر عيدى گرفت؟

ث: عمو نوروز چه شكلى است؟

ج: عمو نوروز چه كار مى‌كند؟

چ: حاجى فيروز چه مى‌خواند؟

۳. با دوستت گفت و گوى بالا را تمرين كن

۴. به پرسش‌هاى زير پاسخ بده

الف: در سال‌هاى گذشته، چه چيزى عيدى گرفتى؟

ب: روز كريسمس، چه هديه‌هاى گرفتى؟

پ: بابانوئل چه شكلى است؟



اقتصاد:

آموختن:

ابریشم:

صنایع دستی:

سابقه:

کیفیت:

بافتن:

فرش ایران

فرش یا قالی، یکی از صنایع دستی مهم ایران است که در تمام دنیا معروف می‌باشد. فرش نشان دهنده‌ی فرهنگ و هنر ایران است.

هزاران سال است که هنر قالی بافی در ایران سابقه دارد. در شهرها و روستاها افراد بسیاری فرش می‌بافند که به آن‌ها «بافنده» می‌گویند.

معروف‌ترین فرش‌ها را در کاشان، اصفهان، تبریز، مشهد، یزد، کرمان و کاشمر می‌بافند.

کیفیت فرش به جنس، طرح، رنگ و بافت آن بستگی دارد. گران‌بهارترین و بهترین فرش‌ها از جنس ابریشم است. صادرکنندگان، فرش ایران را به بازارهای دنیا صادر می‌کنند، و اکنون فرش در کنار نفت نقش مهمی در اقتصاد ملی ایران دارد.

امروزه در کشورهای دیگر نیز فرش می‌بافند. بافندگان خارجی این هنر را اولین بار از ایرانی‌ها آموختند.



۶. حالا به این پرسش‌ها پاسخ بده

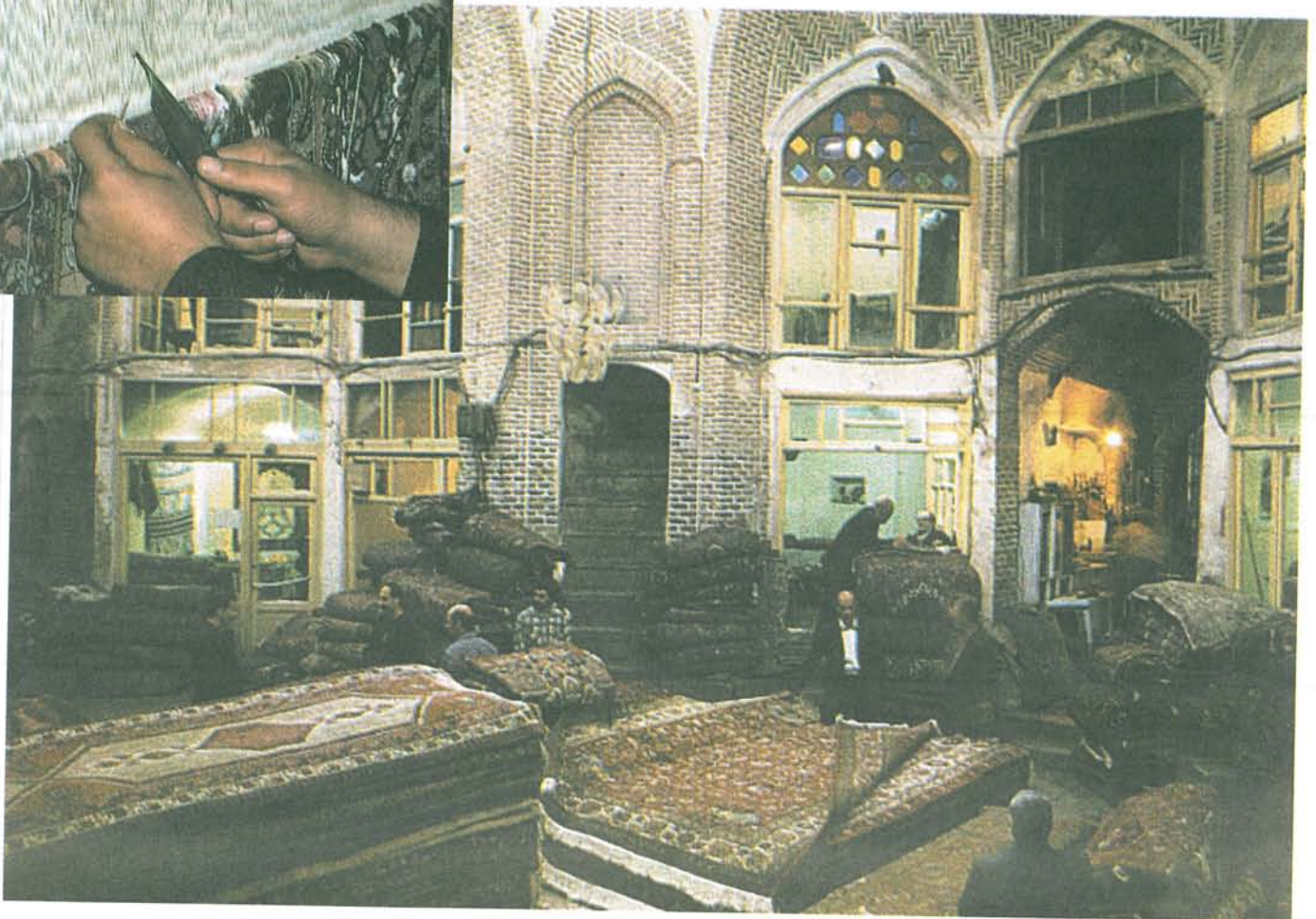


الف: معروف‌ترین صنایع دستی ایران کدامند؟

ب: معروف‌ترین شهرهای بافنده‌ی فرش در ایران کدامند؟

پ: کیفیت فرش به چیزهایی بستگی دارد؟

ت: فرش ایران چه نقشی در اقتصاد ملی دارد؟





راننده: کسی که چیزی را می‌راند.



بافنده: کسی که چیزی را می‌بافد.

حالاتو بگو



الف: «گوینده»: کسی که



ب: «خواننده»:



پ: «فروشنده»:



«نمک» را در «نمکدان» می‌ریزیم.

حالاتو بگو



«زباله» را در می‌ریزیم.

«روغن» را در

..... را در «قندان» می‌ریزیم.

..... را در «گلدان» می‌گذاریم.

توجه:



به جای «شکردان» می‌گوییم «شکر پاش».

به جای «آب دان» می‌گوییم

به جای «گلاب دان» می‌گوییم



الف:

راننده - ماشین

.....:

ب:

برف - زمستان

.....:

پ:

نویسنده - کتاب

.....:

ت:

نوروز - عیدی

.....:

۱۰. از میان هر گروه از کلمه‌ها کوچک‌ترین را پیدا کن و دور آن خط بکش



الف:	انگشت،	بدن،	ساق،	ناخن
ب:	هوایما،	ماشین،	دوچرخه،	اتوبوس
پ:	دریاچه،	استخر،	دریا،	اقیانوس
ت:	میز،	مداد،	کتاب،	پاک‌کن

۱۱. بقیه‌ی جمله را بنویس



- الف: شیر در جنگل
- ب: شیر را در یخچال
- پ: شیر آب
- ت: دست و شانه ام
- ث: آرایشگر شانه را
- ج: شانه‌ی تخم مرغ



۱. گوش کن و بخوان



آلکس: ایرانی‌ها موقع نوروز چه رسم‌های خوب و جالبی دارن.

احمد: آره! تازه مدرسه هم تعطیله و می‌شه استراحت کرد.

آلکس: پس مثل کریسمسه.

احمد: آره. من نوروز رو خیلی دوست دارم. همه خوشحالن، مهمونی می‌رن، لباسای نو می‌پوشن.

آلکس: دیگه چه مراسمی دارین؟

احمد: مثلاً سیزده به در.

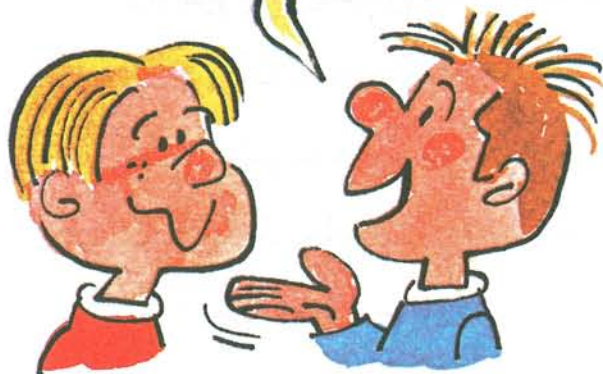
آلکس: یعنی چی؟

احمد: روز سیزدهم فروردین، آخرین روز

تعطیلات نوروز. مردم روز سیزده نوروز همه از

خونه‌هاشون می‌رن بیرون و کسی تو خونه‌اش

نمی‌مونه.





۲. دوباره گوش کن و به پرسش‌های زیر پاسخ بده؟

الف: چرا احمد نوروز را دوست دارد؟

ب: «سیزده به در» چیست؟

پ: مردم در روز سیزده به در کجا می‌روند؟

ت: معمولاً خانواده‌ی احمد برای سیزده به در کجا

می‌روند؟

ث: آیا امسال آلكس با آن‌ها به سیزده به در می‌رود؟

۳. گفت و گوی بالا را با دوستت تمرین کن

۴. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده

الف: شما برای سیزده به در به کجا می‌روید؟

ب: چه چیزهایی با خود می‌برید؟

پ: آیا تفریحگاه‌های نزدیک تهران را می‌شناسید؟

ت: آیا در آمریکا هم روز آشتی با طبیعت، مثل

سیزده به در، وجود دارد؟

۵. درباره‌ی آخرین بیک‌نیک‌ی که رفتی

برای دوستانت صحبت کن

آلكس: کجا می‌رن؟

احمد: می‌رن پارک، جنگل، کوه یا کنار

رودخونه؛ همون جا هم ناهار می‌خورن.

آلكس: چه جالب! مثل پیک‌نیک!

احمد: درسته. این روز، روز آشتی با

طبیعت و مردم می‌خوان بگن که طبیعت

رو دوست دارن.

آلكس: تو کجا می‌ری؟

احمد: ما معمولاً می‌ریم پارک جنگلی.

تو هم دوست داری امسال با ما بیای؟

آلكس: آره. خیلی خوشحال می‌شم!

«بله» رسمی و «آره» خودمانی است.





اهمیت: معتقد بودن: تقویت: سوار کاری: دسته جمعی: معالجه:

رقص‌های ایرانی

از روزگاران کهن، مردم هنرمند ایران رقص و آواز را دوست داشتند و جشن‌هایشان همواره با رقص و آواز همراه بود. در ایران قدیم، رقص هم چون سوار کاری اهمیت داشت، و ایرانیان به همان خوبی سوار کاری با رقص نیز آشنا بودند. رقص برای آن‌ها نوعی ورزش بود. آن‌ها معتقد بودند این کار باعث تقویت بدنشان می‌شود.

هر یک از اقوام ایرانی رقص‌های سنتی خاص خود را دارند. مثلاً در خراسان رقص‌های قوچانی، اسفراینی، تربت جامی، رقص چوب و رقص‌های دسته جمعی مردان و زنان مشهور است. مردم در بلوچستان در دو زمان می‌رقصند: یکی هنگام جشن‌ها و دیگری برای معالجه‌ی بیماران. رقص‌های ایرانی اغلب به طور دسته جمعی و به صورت دایره‌ای انجام می‌شود.



۷. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده



- الف: ایرانیان درباره‌ی رقص چه عقیده‌ای دارند؟
ب: رقص‌های سنتی خراسان کدام است؟
پ: مردم بلوچستان در چه زمان‌هایی می‌رقصند؟
ت: رقص ایرانی معمولاً به چه صورتی است؟ چگونه انجام می‌شود؟

۸. به این جمله‌ها خوب دقت کن



- ورزش باعث تقویت بدنشان می‌شود. ← ورزش بدنشان را تقویت می‌کند.
بیداری زیاد باعث خستگی چشم می‌شود. ← بیداری زیاد چشم را خسته می‌کند.

حالات تو بگو:

الف: جاده‌های ناهموار باعث خرابی ماشین می‌شود.

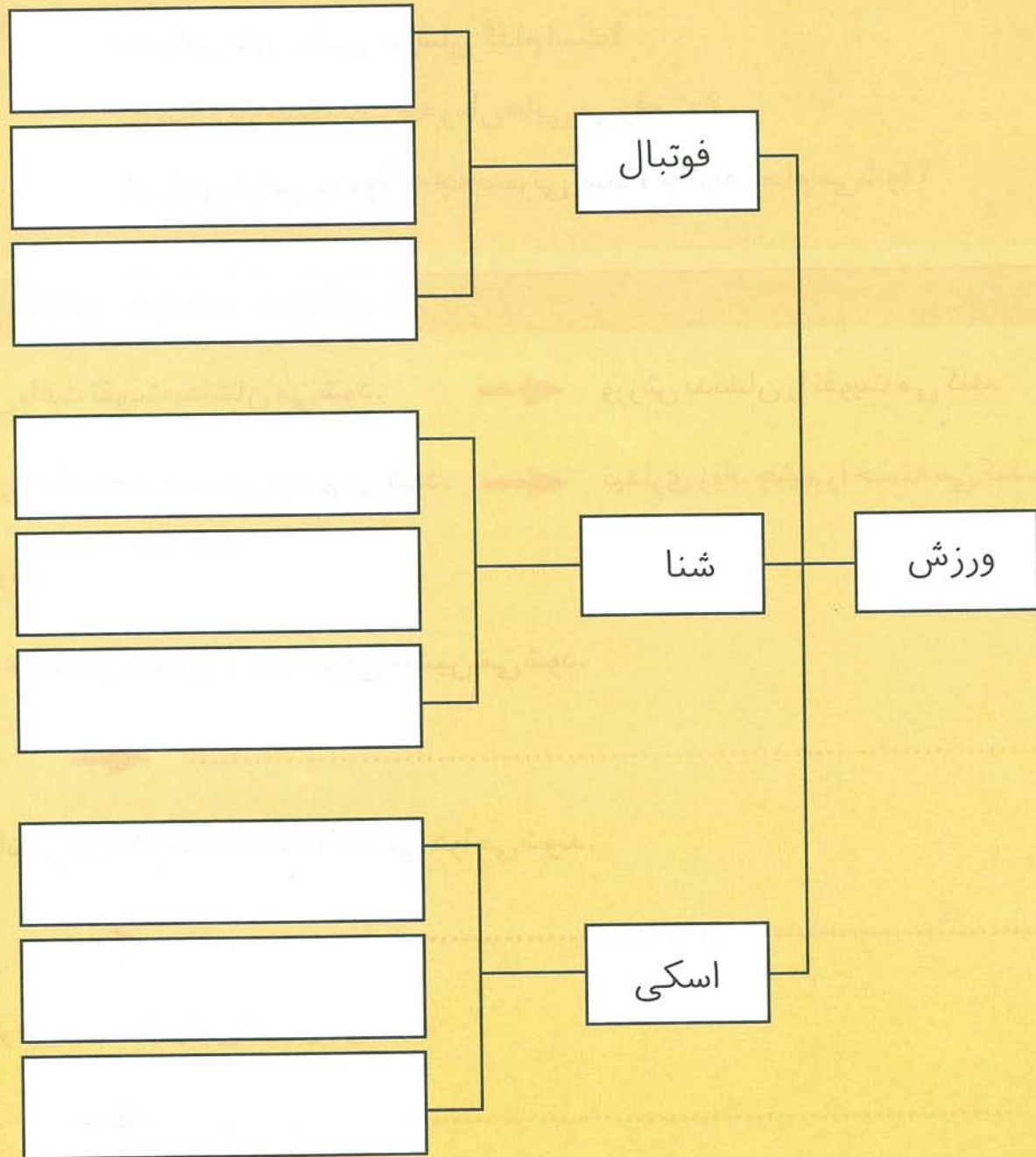
..... ←

ب: ماشین‌ها و کارخانه‌ها باعث آلودگی هوا می‌شوند.

..... ←

پ: پرخوری باعث چاقی انسان می‌شود.

..... ←





«الف»



«ب»



«پ»



«ت»



۱۱. به تصویرها نگاه کن و مراحل بارش باران را بگو

۱



۲



۳



۴



آبی بی پایان

آبی و شادابی

بسیار زیبایی

پر شور و پنهانور

بیدرتو دریایی!

وقتی که بیداری

پرموج و بی تابی

آرام و خاموشی

وقتی که در خوابی

من در خیال خود

باقایقی زیبا

سوی تومی آیم

سوی تو ای دریا!

پس باز کن در خود

جایی برای من

دریای بی پایان!

ای آبی روشن!



۱. گوش کن و بخوان



آقای دیکسون: سلام.

مسئول پذیرش: سلام. خیلی خوش اومدین. بفرمایین.

آقای دیکسون: من یک اتاق می خواهم.

مسئول پذیرش: چندتخته؟

آقای دیکسون: دوتخته.

مسئول پذیرش: اتاق های رو به دریا، شبی ۱۰۰ دلار و اتاق های روبه جنگل، شبی ۸۵ دلار؛ البته همراه با صبحانه.

آقای دیکسون: لطفا اتاق رو به دریا بدهید.

مسئول پذیرش: چند شب اقامت می کنی؟

آقای دیکسون: دو شب.

مسئول پذیرش: اگه ممکنه، این فرم رو پر کنی.



آقای دیکسون: بفرمایید.
مسئول پذیرش: خواهش می کنم
پاسپورتتون رو هم بدین.
آقای دیکسون: بفرمایید.
مسئول پذیرش: این هم کلید اتاق ۵۱۰،
طبقه ی پنجم.
آقای دیکسون: آسانسور کجاست؟
مسئول پذیرش: انتهای راهرو. این آقا شما
رو راهنمایی می کنه.
آقای دیکسون: متشکرم.
مسئول پذیرش: خواهش می کنم.



لهجه: خاص: غنی: طبق: رایج: منتشر:

زبان فارسی

فارسی زبان رسمی ایران است. ایرانیان در هر کجا که باشند، به این زبان با هم صحبت می‌کنند.

مردم شهرها و روستاهای ایران زبان فارسی را با لهجه‌های خاص خودشان حرف می‌زنند. رایج‌ترین لهجه‌ی فارسی، لهجه‌ی تهرانی است. لهجه‌های معروف دیگری هم وجود دارد، مثل: اصفهانی، شیرازی، یزدی، مشهدی، کرمانی.

فارسی نه تنها زبان مردم ایران است، بلکه در کشورهای تاجیکستان و افغانستان هم زبان رسمی است. بسیاری از مردم هند و پاکستان نیز در گذشته به این زبان حرف می‌زدند. زبان فارسی ۳۲ حرف دارد و آن را از راست به چپ می‌نویسند. زبان فارسی ادبیاتی غنی و با ارزش، و شاعران و نویسندگانی بزرگ دارد که در دنیا مشهورند. شاهنامه‌ی فردوسی، تاریخ بلعمی، کلیله و دمنه، گلستان و بوستان سعدی و دیوان حافظ از معروف‌ترین آثار ادبی فارسی است.

این زبان در مراکز آموزشی ایران تدریس می‌شود. تمام کتاب‌ها و روزنامه‌های به این زبان منتشر می‌شود.



۶. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده



- الف: زبان رسمی ایران چیست؟
 ب: در ایران چه لهجه‌هایی وجود دارد؟
 پ: زبان فارسی زبان رسمی کدام کشورها است؟
 ت: ویژگی زبان فارسی چیست؟
 ث: نمونه‌های ادبیات زبان فارسی کدامند؟

۷. به این کلمات توجه کن



.....

اشتها

.....

.....

دقت

حالا تو بگو:

.....

.....

نمک

.....

بارزش

ارزش

بی ارزش

بادب

ادب

بی ادب

باسواد

سواد

بی سواد

۸. با هر یک از کلمه های زیر یک جمله بگو



اقامت:

قیمت:

پاسپورت:

هتل:

راهنمایی:

آسانسور:

6

6

6

6

6

6

۹. کلمه های زیر را دسته بندی کن



دسته ی سوم	دسته ی دوم	دسته ی اول	
.....	اتاق - دریا - کلید -
.....	ساحل - جنگل - تخت
.....	- پیک نیک - کوه -
.....	پارک - آسانسور -
.....	رستوران - باغ وحش



الف: کدام حیوان‌ها وحشی هستند؟

ب: کدام حیوان‌ها بال دارند؟

پ: کدام حیوان‌ها در آب زندگی می‌کنند؟

ت: کدام حیوان‌ها تخم می‌گذارند؟

ث: کدام حیوان را بیشتر دوست داری؟

ج: کدام‌ها عجیب‌ترند؟

چ: تصویر یکی از حیوان‌ها را بکش.

الف:

ب:

پ:

ت:

ث:

ج:

چ:



۱. گوش کن و بخوان



آقای ناظم: چرا دیروز نیومدی مدرسه؟

مجید: تب داشتم آقا، سرم هم درد می کرد.

آقای ناظم: باید می رفتی دکتر.

مجید: دکتر رفتم آقا، این هم گواهییم.

آقای ناظم: حالا چه طوری؟

مجید: امروز خیلی بهترم. دیگه تب ندارم. اما سرم کمی درد می کنه.

آقای ناظم: خوشحالم که حالت بهتره.



(الف)



فرید: چرا دیروز سینما؟

کیوان: مهمون؟

فرید: مهمون تون کی؟

کیوان: پدر بزرگ و مادر بزرگم.

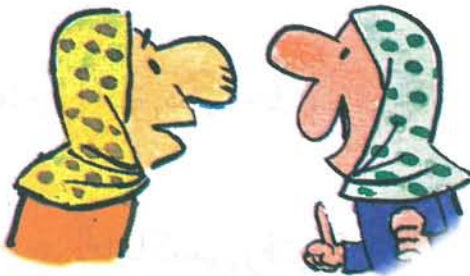
فرید: مجید هم نیومد. خیلی تب؟

کیوان: الان کجاست؟

فرید: خونه. داره استراحت؟



(ب)



نسرین: دیروز بازار؟

شیرین: نه.

نسرین: چرا؟

شیرین: خیلی کار باید رو می شستم، خونه رو؟

می زدم، اتاق هارو می کردم و می پختم.

نسرین: پس بیا فردا با هم بازار.

شیرین: باشه. فردا ۸ صبح می بینمت.

خدا حافظ.

نسرین:؟





الف: چرا با مداد نوشتی؟

چون خود کارم نمی نوشت.

ب: چرا خواهرت به تو نگفت؟

چون جوابها را نمی دانست.

پ: چرا به مادرت کمک نکردی؟

چون باید درس می خواندم.

ت: چرا با پدرت نیامدی؟

چون نمی توانست رانندگی کند.

حالا جاهای خالی را پر کن

الف: چرا سر کار نرفتی؟

چون دلم درد

ب: چرا اتاقها را جارو نزدی؟

چون باید استراحت

پ: چرا با تاکسی رفتی؟

چون ماشینم

حالا تو بگو:

خواندم



باید

.....

گرفتم



باید

.....

رسیدم



باید

.....

فکر و کن و بگو

اگر قبل از صورت گذشته ی فعل، «باید» اضافه شود، در ساخت فعل چه اتفاقی می افتد؟ چهار فعل را با همین شکل بگو و با هر کدام جمله ای بساز.





پیغمبر:	میلاد:	ظهور:	نبرد:	آیین:
گسترش دادن:	معاصر:	پیرو:	مقدس:	پلید:

پیغمبر ایرانی



۴۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، پیغمبری در ایران ظهور کرد که نامش زرتشت بود. زرتشت معاصر گشتاسب، پادشاه ایرانی، بود. گشتاسب دین زرتشت را پذیرفت و آن را گسترش داد.

این دین تا قبل از اسلام آیین رسمی ایرانیان بود و امروز نیز در ایران و هند پیروان زیادی دارد. کتاب مقدس زرتشتیان «اوستا» نام دارد.

از نظر زرتشتیان، نیکی و بدی از هم جداست و دنیا نیز همواره محل نبرد میان نیکی و بدی است. در این آیین، «آهورا مزدا» خدای بزرگ است و گروه زیادی از ایزدان دستورهای او را انجام می‌دهند. در مقابل، «اهریمن» موجودی بسیار پلید است که گروهی از دیوها یار و همکار او هستند.

سه اصل مهم در دین زردشت «پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک» است.

پندار نیک،

کردار نیک،

گفتار نیک

۸. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده



- الف: اصول دین زرتشت چیست؟
ب: کتاب مقدس زرتشتیان چیست؟
پ: نیکی و بدی در زرتشت چگونه است؟
ت: آیین زرتشت از چه زمانی آیین رسمی ایرانیان بود؟
ث: در دین زرتشت خدای نیکی و بدی چه نام دارد؟

۹. کلمه‌ی مناسب را در جاهای خالی قرار بده

طبیعت

کوه

کارخانه

نوروز

تابلوی نقاشی

سیزده به در

شاعر

الف: خانواده‌ی من ایران را خیلی دوست دارند.

ب: پدرم در یک مهندس است.

پ: بلندترین ایران، دماوند است.

ت: فردوسی بزرگ ایران است.

ث: پدرم دیروز را به دیوار کوبید.

ج: به پیک‌نیکِ روز سیزدهم فروردین «.....» می‌گویند.

نمونه: به کسی که پول دارد، پول دار می‌گوییم.

حالا تو بگو

- الف: به کسی که مزرعه دارد، می‌گوییم.
 ب: به کسی که مغازه دارد، می‌گوییم.
 پ: به کسی که باغ دارد، می‌گوییم.
 ت:، «زمین دار» می‌گوییم.
 ث:، «سرمایه دار» می‌گوییم.

۱۱. شعر زیر را با کمک معلّمَت بخوان

خانه

خوش به حالت شاپرک
 بر لبانت روز و شب
 خوش به حالت روی گل
 ذره ای جای تو نیست
 در دل تو غصه نیست
 حرف سبز زندگیت
 خانه ای داری قشنگ
 در میان خانه تنگ
 پیش خود مهمان کنی
 می توانی آن کنی
 صاحب یک خانه بود
 شبنم و پروانه بود
 هر چه می خواهد دلت
 کاش چون تو، قاصدک
 روز و شب همبازی اش



۱. گوش کن و بخوان



مشاور املاک: بفرمایین.

آقای بزرگ‌نیا: ببخشین، یه آپارتمان می‌خواستیم.

مشاور املاک: برای اجاره یا خرید؟

آقای بزرگ‌نیا: اجاره.

مشاور املاک: بفرمایین پیش آقای سلامتی مسئول بخش اجاره.

× × ×

آقای بزرگ‌نیا: سلام آقای سلامتی.

آقای سلامتی: سلام. بفرمایین.


آقای بزرگ‌نیا: یه آپارتمان اجاره‌ای می‌خواستیم.

آقای سلامتی: یه آپارتمان سه خوابه داریم. طبقه‌ی سوم، توی میرداماد.

آقای بزرگ‌نیا: چه امکاناتی داره؟

آقای سلامتی: آب، برق، گاز، تلفن، شوفاژ، آسانسور، پارکینگ، کف پارکت.

آقای بزرگ‌نیا: اجاره‌اش چنده؟

آقای سلامتی: ماهی ۲۵۰ هزار تومن. 


آقای بزرگ‌نیا: نه، خیلی گرونه! اگه کوچک‌ترم باشه، اشکال نداره.

آقای سلامتی: یه آپارتمان دو خوابه هم داریم تو خیابون ظفر با تمام امکانات، اما بدون پارکینگ،

ماهی ۲۰۰ هزار تومن.

آقای بزرگ‌نیا: این خوبه. می‌شه الآن ببینیمش؟

آقای سلامتی: بله، بفرمایین بریم.

کوچک‌ترم = کوچک‌ترهم 



(الف)

خانم بهرامی: یه خونه تو خیابون عباس آباد می خواستم.
 مسئول آژانس: برای یا
 خانم بهرامی:
 مسئول آژانس: قیمتش چه حدود باشه؟
 خانم بهرامی: حدود ۱۰۰ میلیون تومن.
 مسئول آژانس: ۲۲۰ متری داریم، دو طبقه، هر طبقه دو خواب با
 تلفن، آب، برق، گاز، استخر، شومینه، کف سرامیک، ۹۵ میلیون تومن.
 خانم بهرامی: خیلی خوبه! کی بینیمش؟
 مسئول آژانس: فردا صبح، ساعت ۹.



(ب)

آقای ناهیدی: یه آپارتمان اجاره ای
 مسئول آژانس: با چه مشخصاتی؟
 آقای ناهیدی: دو ، حدود یک میلیون تومن پیش و ۷۰ هزار تومن.
 مسئول آژانس: یکی هست خیابون سینا، چهارم با همه ی امکانات، اما آسانسور نداره.
 آقای ناهیدی: چنده؟
 مسئول آژانس: دو میلیون تومن و ماهی
 ۷۵ هزار تومن اجاره.
 آقای ناهیدی: ارزون تر نمی شه؟
 مسئول آژانس: می پرسم. فردا خبر می دم.
 آقای ناهیدی: متشکرم.



۵. مشخصات خانه‌ی دوستت را پیرس و بعد جدول زیر را کامل کن



مشخصات	خانه‌ی شما	خانه‌ی دوست
خانه یا آپارتمان		
طبقه		
تعداد اتاق خواب		
آسانسور		
تلفن		
پارکینگ		
شوفاز		
استخر		
شومینه		
نشانی		
قیمت		

۶. باهر گروه از کلمات زیر، جمله بساز



الف: اجاره، خانه، آژانس

.....

ب: پارکینگ، ماشین، راننده

.....

پ: تابستان، استخر، شنا

.....



نابغه: شاهزاده: عجیب: معالجه: موفق: دارو:
مقاله: فیلسوف: تیز هوش: فقیر: مبتلا شدن:

نابغه‌ی شرق



یکی از شاهزادگان ایرانی به بیماری عجیبی مبتلا شد. او فکر می‌کرد گاو است و چیزی نمی‌خورد، پس روز به روز لاغرتر و ضعیف‌تر می‌شد. پزشکان زیادی سعی کردند او را معالجه کنند؛ اما موفق نشدند. سرانجام، پزشک جوانی این بیماری عجیب را درمان کرد. او لباس قصاب‌ها را پوشید و گفت: «می‌خواهم این گاو را بکشم، حیف که بسیار لاغر است. باید کمی چاق شود تا بتوانم او را بکشم.» و به این ترتیب شاهزاده‌ی جوان غذا خورد. پس از مدتی حالش خوب شد؛ چون آن پزشک، داروها را در غذایش می‌ریخت.

این پزشکِ ماهر، ابوعلی سینا یا ابن سینا، دانشمند بزرگ ایرانی بود. او هزار سال پیش در ایران به دنیا آمد و در سن ۵۸ سالگی در همدان درگذشت. ابوعلی در دوران جوانی تمام دانش‌های زمان خود را یاد گرفت. او بیش از دویست کتاب و مقاله نوشت. تا مدت‌ها، بخشی از آثارش را در دانشگاه‌های دنیا درس می‌دادند.

ابوعلی سینا در شرق به عنوان فیلسوف و در غرب به عنوان پزشک شهرت دارد. دو کتاب معروف او یکی «قانون» در پزشکی و دیگری «شفا» در فلسفه است.

درباره‌ی تیزهوشی وی داستان‌های زیادی وجود دارد. ابوعلی سینا با بیماران خود بسیار مهربان بود و بیماران فقیر را به رایگان معالجه می‌کرد.

۸. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده



الف: ابوعلی سینا چگونه شاهزاده را معالجه کرد؟

ب: بیماری شاهزاده چه بود؟

پ: ابوعلی سینا حدود چند کتاب و مقاله نوشت؟

ت: ابوعلی سینا در جهان به چه عنوان شهرت دارد؟

ث: او با بیماران خود چگونه رفتار می کرد؟

۹. حالا این گفت‌وگو را کامل کن



- سلام!

- سلام. چه طوری؟

- ممنون. تو خوبی؟

- من هم خوبم، اما سرم درد می کنه.

- جدی؟! بیا بریم پیش عمومی من. دکتر خوبیه.

- نمی تونم. ممکنه دارو بده. منم برای خرید دارو پول ندارم.

- اشکال نداره، من پول دارم. می تونیم باهاش دارو بخریم.

فکرو کن و بگو

کلمه‌هایی مثل کمی، خیلی، بسیار و قدری کدام ویژگی از صفت را نشان می دهند؟





مهرداد خیلی چاق است.



مهرداد کمی چاق است.



مهرداد چاق است.



من خیلی پول دارم.



من کمی پول دارم.



من پول دارم.

الف:



پدر نیما با قلم مو خانه ی مردم را رنگ می زند.

اگر گفتی پدر نیما چه کاره است؟

.....

ب:



پدر لیلیا با تراکتورش روی زمین کار می کند.

او برای مردم گندم، جو و سبزی می کارد.

اگر گفتی پدر لیلیا چه کاره است؟

.....

پ:



پدر علی با آجر و سیمان و آهن برای مردم خانه می سازد.

اگر گفتی پدر علی چه کاره است؟

.....

ت:



پدر زهرا از صبح تا شب کار می کند.
او از چوب برای مردم میز و صندلی و در و پنجره می سازد.
اگر گفتی پدر زهرا چه کاره است؟

.....

ث:



پدر فاطمه از آرد برای مردم نان می پزد.
اگر گفتی پدر فاطمه چه کاره است؟

.....

ج:



پدر جواد از پارچه برای مردم لباس می دوزد.
اگر گفتی پدر جواد چه کاره است؟

.....



۱. گوش کن و بخوان



مادر: رامین! رامین!
رامین: بله مامان.

مادر: چند بار صدات زدم، جواب ندادی. کجا بودی؟

رامین: ببخشین، تو اناقم بودم. در بسته بود. صداتونو نشنیدم.

مادر: داشتی چه کار می کردی؟

رامین: با مهران حرف می زدم.

مادر: مگه فردا امتحان نداری؟ چرا درس نمی خونی؟

رامین: داشتیم درباره‌ی امتحان حرف می زدیم.



(الف)

مریم: منزل آقای ترابی؟

خانم ترابی:

مریم: ببخشین! مینا هست؟

خانم ترابی: بله، اما حیاطه. لطفاً نیم ساعت دیگه بزنین.



مینا: الو، بفرمایین.

مریم: سلام مینا!

مینا: مریم! چه طوری؟

مریم: خوبم! زنگ، توی بودی. می کردی؟

مینا: باغچه رو آب

(ب)

رئیس دادگاه: شما جمعه ساعت نه و نیم شب بودین؟

متهم: من خونه

رئیس دادگاه: داشتین ؟

متهم: داشتم کولر رو درست

رئیس دادگاه: از کجا این قدر مطمئنین؟

متهم: من ۹ اداره خونه اتاق
خیلی بود.

کولر بود. پشت بوم تا کولر رو

رئیس دادگاه: چه قدر کشید؟

متهم: حدود یک ساعت.

رئیس دادگاه: شاهد هم ؟

متهم: بله، همسایه ام همون موقع روی بود.



۳. گوش کن و پاسخ هایت را درست کن

۴. گفت و گوهای بالا را با دوستت تمرین کن

۵. با دوستانت صحبت کن





- دیروز ساعت ۶ داشتی چه کار می کردی؟
- داشتم تلویزیون تماشا می کردم.

- وقتی ندا وارد آشپزخانه شد،
مادرش داشت ظرف ها را می شست.

حالا این جمله ها را کامل کن



الف: - دیروز ساعت ۷ صبح داشتی چه کار می کردی؟

..... صبحانه

ب: - وقتی تلفن زدم، چه کار می کردی؟

..... داشتیم با بچه ها بازی

پ: - وقتی معلم وارد کلاس شد، بچه ها چه کار؟

..... کتاب



الف:



ب:

فکر و کن و بگو

به فعل هایی نظیر «داشتم می دیدم» و «داشت می خورد» «فعل ماضی مستمر» می گویند. این ساخت چه کاربردی دارد و چگونه ساخته می شود؟



۸. جمله‌های زیر را مانند نمونه تغییر بده



(داشتی) چه کار می‌کردی؟

(داری) چه کار می‌کنی؟

(داشتّم) نامه می‌نوشتّم.

(دارم) نامه می‌نویسم.

الف: دزدها دارند فرار می‌کنند.

.....

ب: داریم دنبال یک ساعت طلا می‌گردیم.

.....

پ: دارم به حرف‌های معلّمش گوش می‌دهم.

.....

ت: دارید کجا می‌روید؟

.....

ث: دارم به مادرم تلفن می‌زنم.

.....

ج: دارم پول هاشونو می‌شمرم.

.....

چ: داریم باغچه رو آب می‌دیم.

.....

ح: دارم تو استخر شنا می‌کنم.

.....

خ: دارم برایشون نامه می‌نویسم.

.....



نظر:	نگارگر:	ستودن:	چیدن:
مینیاتور:	به جا ماندن:	طبیعی:	

نگارگر ایرانی

روزی تعدادی از هنرمندان در خانه‌ی میرک نقاش جمع بودند و داشتند به یک تابلوی نقاشی نگاه می‌کردند. میرک از آن‌ها خواست تا نظرشان را بگویند. یکی از هنرمندان گفت: «این نقاشی به قدری طبیعی بود که می‌خواستم دست دراز کنم تا میوه‌ای از درخت بچینم».

دیگری گفت: «من هم داشتم همین کار را می‌کردم؛ اما ترسیدم پرندگان از شاخه‌ی درخت پرواز کنند.» هر کس به نوعی تابلو و نگارگر آن را می‌ستود. میرک نقاش، کمال الدین بهزاد، نگارگر بزرگ ایرانی در قرن دهم هجری بود. مینیاتورهای زیادی از کمال الدین بهزاد به جا مانده است.



تصویر بهزاد

۱۰. به پرسش‌های زیر پاسخ بده



- الف: هنرمندان در کجا جمع بودند و چه کار می‌کردند؟
- ب: نظر هنرمندان درباره‌ی آن نقاشی چه بود؟
- پ: آن نقاشی اثر کدام نگارگر معروف بود؟
- ت: از کمال الدین بهزاد، چه آثاری به جا مانده است؟
- ث: میرک نقاش چه کسی بود؟





حالا تو هم یک کارت تبریک تولد تهیه کن و برای دوستت یک جمله بنویس.

۱۲. بگو برای چه روزهای دیگری می توان کارت تبریک فرستاد؟ در آن ها چه می نویسیم؟

۱۳. به جمله‌ی زیر توجه کن



به کسی که شیمی می داند، «شیمی دان» می گویند.

حالا تو بگو:

الف: به کسی که ریاضی می داند، می گویند.

ب: به کسی که فیزیک می داند، می گویند.

پ: «جغرافی دان» می گویند.

مرغ دریا

دارم پرهای زیبا

دوتا بال و دوتا پا

به هر جایی که شدم پُر

بالا، بالا، بالاتر

دریاچه مهربان است!

بزرگ و بی کران است!

من می‌گیرم از دریا

غذای هر روزم را

من در میان نزار

باشور و شوق بسیار

می‌سازم از برگ و چوب

یک لانه‌ی خیلی خوب

من مرغِ دریا هستم

خوش رنگ و زیبا هستم



۱. در جاهای خالی حرف اضافه‌ی مناسب قرار بده



الف: هم اکنون فرودگاه تهران مقصد لبنان پرواز می‌کنیم.

ب: پدرم خانه من فارسی حرف می‌زند.

پ: اصفهان یکی شهرهای دیدنی و تاریخی ایران است.

ت: در ایران تمام کتاب‌ها و روزنامه‌ها زبان فارسی هستند.

ث: مردم دیدن جاهای تاریخی علاقه دارند.

۲. جدول زیر را کامل کن



گه -	یه -	ستان -	
			دانش
×	×	گلستان	گل
			درمان
			سعدی
			تاجیک
			حافظ



نوروز - اتاق - اقامت - هفت سین - کوه - لابی - ساحل - طبقه - طبیعت

رودخانه - کلید - سال نو - دشت - جنگل - دیدوبازدید - آسانسور

دریا - تخت - هتل - عید - سیزده به در



بی -	با -	
.....	دقت
با ادب
بی سواد
.....	شخصیت



۵. مصدرهای زیر را در زمان گذشته‌ی ساده صرف کن و جمله‌هایت را کامل کن

رفتن

نمونه: من دیروز به سینما رفتم.

- الف: تو
 ب: او
 پ: مادرم
 ت: ما
 ث: من و دوستانم
 ج: شما
 چ: تو و برادرت
 ح: آن‌ها
 خ: برادر و خواهرم

دیدن

نمونه: من هفته‌ی گذشته استادم را در دانشگاه دیدم.

- الف: تو
 ب: او
 پ: برادرم
 ت: ما
 ث: من و خواهرم
 ج: شما
 چ: تو و دوستانت
 ح: آن‌ها
 خ: دوستانم



زندگی کردن

نمونه: ما پارسال در نیویورک زندگی می‌کردیم.

- الف: او
- ب: ما
- پ: تو
- ت: آن‌ها
- ث: شما

درس دادن

نمونه: من چند سال پیش در دانشگاه درس می‌دادم.

- الف: شما
- ب: آن‌ها
- پ: ما
- ت: او
- ث: تو



- الف: مهتاب
- ب: مهتاب
- پ: مهتاب
- ت: مهتاب
- ث: مهتاب
- ج: مهتاب

۸. تقویم زیر ماه آبان است. آن را کامل کن و به پرسش‌ها پاسخ بده

شنبه	دو شنبه	چهارشنبه	جمعه
۱	۳	۴	
۸		۱۱	۱۳
	۱۶		۲۰
	۲۴		۲۸
۳۰			

الف: چه تاریخ‌هایی پنج شنبه هستند؟

ب: روز یکشنبه‌ی هفته‌ی سوم چندم آبان است؟

پ: آبان ماه، در چه فصلی است؟

ت: روز بیستم، هفته‌ی چندم و چه روزی از هفته است؟



- الف: خروس:
- ب: آفتابی:
- پ: ایرانی:
- ت: شادمان:
- ث: زود:
- ج: انگشت:



شهلا: الو مهشید، سلام.

مهشید: سلام!

شهلا: چرا صدات ضعیفه؟ مگه تلفن تون خرابه؟

مهشید: نه شهلا جان، گلوم درد می کرد.

شهلا: پس برای همین دیروز مهمونی نمی آی؟

مهشید: آره.

شهلا: چرا گلوت درد می کرد؟

مهشید: بعد از حموم جلوی کولر می خوابم.

شهلا: پس، فردا مدرسه نیومدی؟

مهشید: چرا! سعی کردم پیام.





تئاتر شهر

۱. گوش کن و بخوان



ندا: الو بفرمایین.

فریبا: سلام ندا جون.

ندا: سلام، چه طوری؟

فریبا: خوبم. داشتی چه کار می کردی؟

ندا: تازه تمرینامو تموم کردم.

فریبا: ما می خوایم بریم تئاتر. تو هم می آی؟

ندا: آره. من تا حالا تئاتر نرفتم. حتماً خیلی جالبه.

فریبا: ولی ما تا حالا چند دفعه رفتیم.

ندا: کدوم تئاتر؟

فریبا: تئاتر شهر.

ندا: نمایشی که می خواین برین چیه؟

فریبا: رومئو و ژولیت.

ندا: چه خوب! بلیتش چنده؟

فریبا: نمی دونم، هنوز بلیت نگرفتیم.

ندا: آدرسش کجاست؟

فریبا: خیابون انقلاب، چهارراه ولی عصر، پارک دانشجو، تئاتر شهر. ساعت ۶ اون جا باش.

ندا: باشه.



تمرینامو = تمرین هایم را.

تموم کردم = تمام کرده ام

می خوایم = می خواهم

می آی = می آیی

رفتیم = رفته ایم

«الف»

مهرداد: فیلم «زیر درخت زیتون» رو

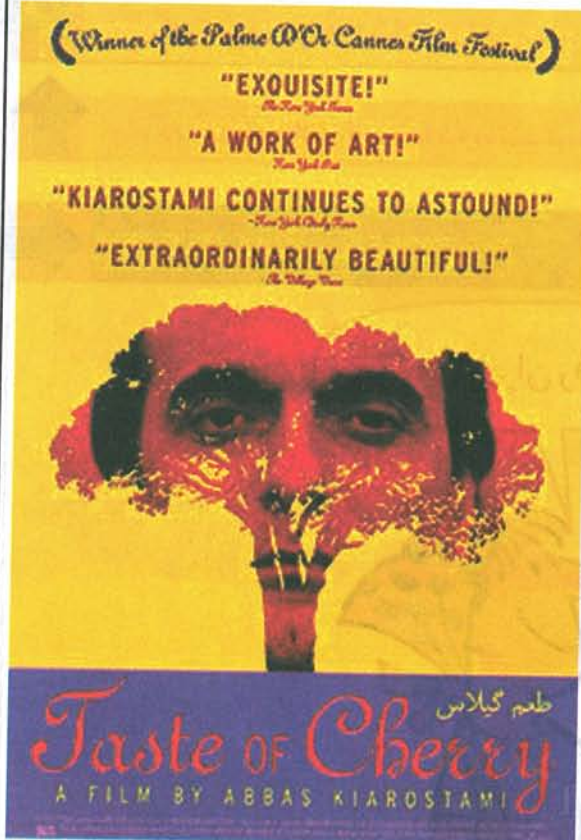
بهروز: نه! کارگردانش؟

مهرداد: عباس کیارستمی.

بهروز: کیا رستمی خیلی معروفیه. باید جالبی

مهرداد: آره! تا حالا فیلم های خیلی خوبی، مثل کلوز آپ، طعم گیلاس و

زندگی و دیگر هیچ.



پوستر فیلم طعم گیلاس

عباس کیارستمی

«ب»

سیما: پدرت تو نامه برات چی؟

مژده: هنوز

سیما: چرا؟

مژده: خوب هنوز وقت تو برای پدرت نامه؟

سیما: نه!

مژده: چرا؟

سیما: آخه تازه بهش زنگ

۳. گوش کن و پاسخ هایت را درست کن



۴. گفت و گوهای بالا را با دوستت تمرین کن



۵. با دوستانت صحبت کن



۶. کامل کن:



گذشته	ماض نقلی نوشتاری	ماض نقلی گفتاری
دید		
گفت		
شنید		
خواند		
نوشت		
داد		
ساخت		
خورد		
رفت		

۷. معنی واژه‌ها را از واژه‌نامه‌ات پیدا کن و سپس متن زیر را بخوان



غرور:

بین‌المللی:

ویژگی:

سابقه:

برافراشته:

استقلال:

اعتقاد:



پرچم ایران

حتماً در ورزشگاه‌ها پرچم کشورهای مختلف را دیده‌اید. هر کشوری را با پرچم آن کشور می‌شناسیم. پرچم هر کشور سابقه‌ی تاریخی، سرگذشت ملی و قومی و ویژگی‌های فرهنگی آن کشور را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که وقتی پرچم کشورمان در مسابقات ورزشی بین‌المللی و یا در دیدارهای سیاسی برافراشته می‌شود، در خود احساس غرور و شادمانی می‌کنیم.

پرچم رسمی ایران، سه رنگ سبز و سفید و سرخ دارد و علامت مخصوص جمهوری اسلامی در وسط آن است.

رنگ سبز، نشانه‌ی اعتقاد ما به اسلام، رنگ سفید نشانه‌ی صلح و دوستی و آرامش و رنگ سرخ نشانه‌ی استقلال و آزادی است.

۸. به پرسش‌های زیر پاسخ بده



الف: پرچم کشورها را چه جاهایی می‌توان دید؟

ب: پرچم هر کشوری چه چیزهایی از آن کشور را نشان می‌دهد؟

پ: پرچم ایران چگونه است؟

ت: رنگ‌های پرچم ایران نشانه‌ی چه چیزهایی است؟

۹. جمله‌ها را با شکل درست فعل داخل پرانتز کامل کن



الف: سارا دو ساعت است که (برگشتن).

ب: هنوز معلّم فارسی ما (منفی + آمدن).

پ: آن‌ها تا حالا به خارج از کشور (منفی + سفر کردن).

ت: من از دیروز تا حالا غذا (منفی + خوردن).

ث: هر کس تلفن زد، بگو علی (خوابیدن).

فکر و کن و بگو

به فعل‌هایی مثل «رفته‌ام و دیده‌ای» «ماضی نقلی یا حال کامل» می‌گویند.

این ساخت چه کاربردی دارد و چگونه ساخته می‌شود؟



۱۰. با مخالف هر کلمه، یک جمله بساز



الف:

زشت

.....

ب:

بلند

.....

پ:

چاق

.....

ت:

پیر

.....

ث:

بزرگ

.....

در چشم های مادر

در چشم های مادر

صد دشت آقبابی

صد کوهسار پر برف

صد آسمان آبی

در چشم های مادر

خوبی و مهربانی

در چشم های مادر

آواز باد و باران

شادابی هزاران

گلزار در بهاران

در چشم های مادر

امید و شادمانی



۱. گوش کن و بخوان (۱)



الف:

دختر: تا کی باید منتظر بمونیم؟
 پدر: فکر کنم الآن دیگه پرواز مارو اعلام کنن.
 دختر: آره. پرواز ۲۴۱ به تهران پرواز ماست.

ب: متصدی: بلیت لطفاً

پدر: بفرمایین.

متصدی: چند تا چمدون دارین؟

پدر: دو تا چمدون با این ساک.

متصدی: بفرمایین. صندلی کنار پنجره خوبه؟

پدر: بله! متشکرم.

متصدی: این هم کارت پرواز. امیدوارم سفر خوبی داشته باشین.

پدر: متشکرم.



پ:

مأمور کنترل گذرنامه: گذرنامه تون لطفاً.

پدر: بفرمایین.

مأمور: این دختر تونه؟

پدر: بله.

مأمور: متشکرم. بفرمایین.



مهماندار: بفرمایین! صدلی شما این جاست.

پدر: خیلی متشکرم.

سرمهماندار: مسافران گرامی، هم اکنون از فرودگاه لندن به مقصد تهران پرواز می کنیم. مدت پرواز حدود ۶ ساعت است. دمای هوا ۲۰ درجه بالای صفر. لطفاً کمربندهای خود را ببندید.

دختر: پدر، تهران خیلی قشنگه؟

پدر: آره دخترم. همه ی شهرهای ایران زیباست.

مسافر: ببخشین! دخترتون تا حالا ایران نبوده؟

پدر: نه، اولین باره می ره ایران.

مسافر: شما لندن زندگی می کنین؟

پدر: نه ما از نیویورک می آییم.

مسافر: دختر خانوم اسمت چیه؟

دختر: لیلا.

مسافر: لیلا جون چند سالته؟

لیلا: ۹ سالمه.

مسافر: ایران رو دوست داری؟

لیلا: خیلی زیاد.

مسافر: چه قدر فارسی رو خوب حرف می زنی! کجا یاد گرفتی؟

لیلا: آمریکا، کلاس زبان فارسی می رم. مامان و بابام هم تو خونه باهام فارسی حرف می زنن.

مسافر: چه عالی!



۶. معنی واژه‌های زیر را از واژه‌نامه‌ات پیدا کن. سپس متن را بخوان



حاصل خیز:

نماینده:

تأمین کردن:

کشاورزی:

معتدل:

آشامیدنی:

سلسله:

اصفهان، نصف جهان



اصفهان یکی از شهرهای بزرگ، تاریخی و دیدنی ایران است. این شهر تا تهران ۴۲۰ کیلومتر فاصله دارد. این شهر در گذشته پایتخت چندین سلسله‌ی ایرانی و محل رفت و آمد نمایندگان، جهان گردان

و مسافران شرق و غرب بوده است. آب و هوای آن معتدل است و خاک حاصل خیزی دارد. زاینده رود از وسط این شهر می‌گذرد و آب کشاورزی و آشامیدنی آن را تأمین می‌کند.

صنایع دستی اصفهان شهرت فراوان دارد. نقره کاری، قلم کاری، مینیاتور و خاتم کاری از صنایع

دستی این شهر است. در اصفهان آثار تاریخی و هنری فراوانی وجود دارد، مانند مسجد جامع،

مسجد امام، مسجد شیخ لطف الله، مدرسه‌ی چهار باغ، پل خواجه، سی‌وسه پل، چهل ستون،

عالی قاپو، منار جنبان و

میدان نقش جهان. هر کس

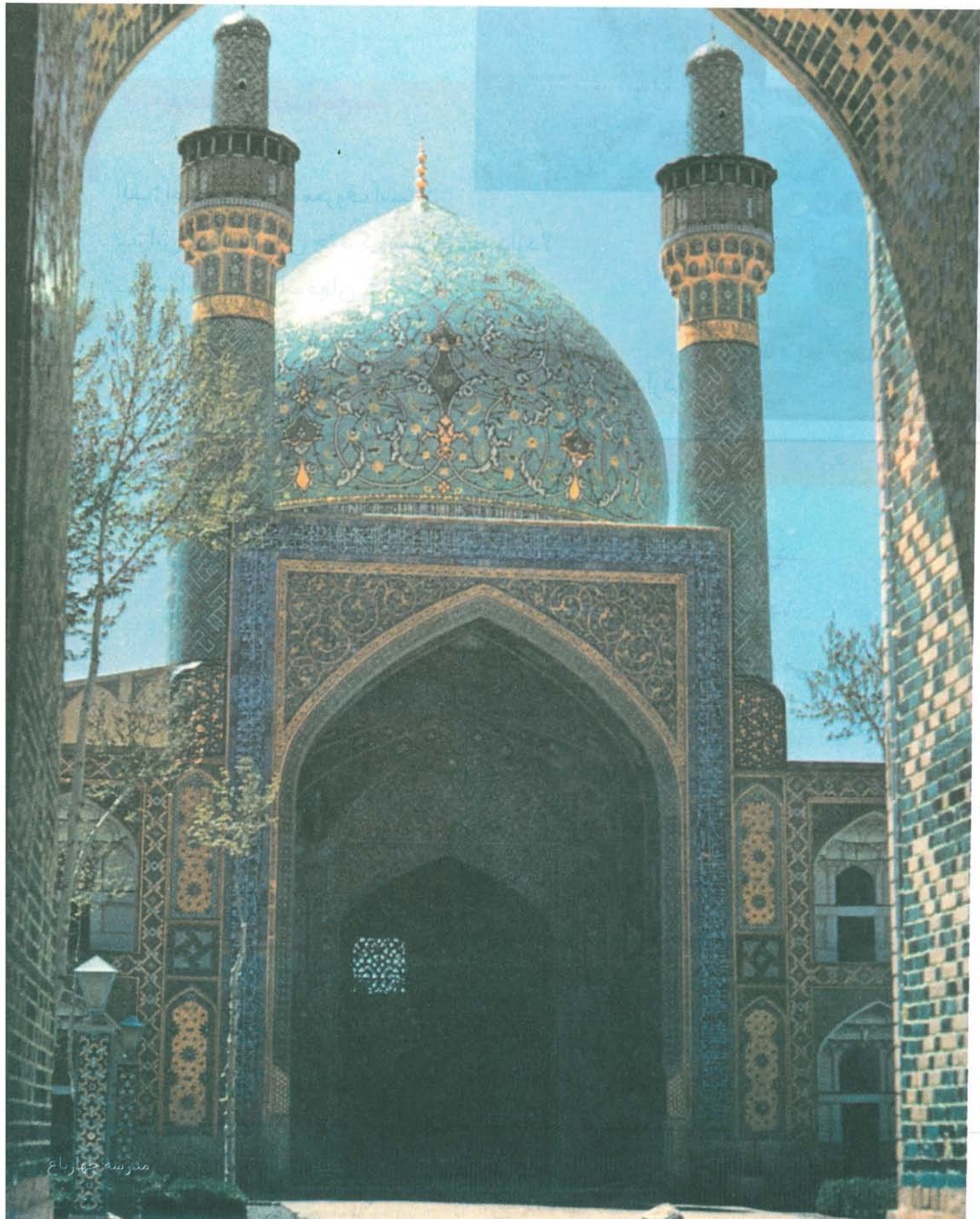
یک بار به اصفهان سفر کند،

دلش می‌خواهد دوباره این

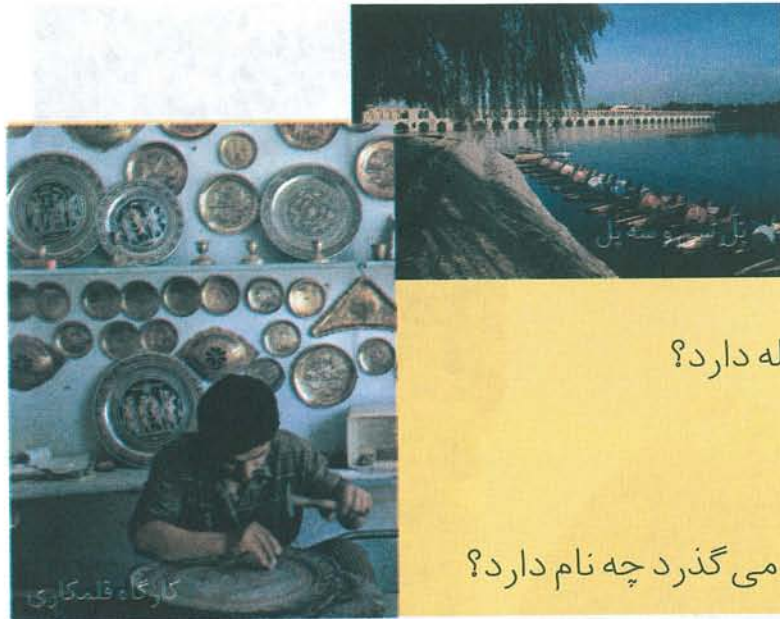
شهر زیبا و دیدنی را ببیند.



مسجد شیخ لطف الله



مسجد شاه چهر باغ



۷. به پرسش‌های زیر پاسخ بده



الف: اصفهان به چه معروف است؟

ب: این شهر تا تهران چند کیلومتر فاصله دارد؟

پ: صنایع دستی اصفهان کدامند؟

ت: آثار تاریخی اصفهان کدامند؟

ث: مهم‌ترین رودخانه‌ای که از اصفهان می‌گذرد چه نام دارد؟

۸. خوب دقت کن:



حالات تو بگو:

دندان می‌سازد.

..... دارو می‌سازد.

کلید می‌سازد.

الف: طلا ساز: طلا می‌سازد.

قاب ساز: قاب می‌سازد.

حالات تو بگو:

..... (خبری را) گزارش می‌کند.

..... در فیلم بازی می‌کند.

آرایشگر
.....

..... ظروف سفالی درست می‌کند.

ب: مسگر: از مس وسایل مختلف

می‌سازد.

کوزه‌گر: کوزه می‌سازد.

حالات تو بگو:

..... در صنعت کار می‌کند.

پ: گچ کار با گچ کار می‌کند.

برق کار با برق کار می‌کند.



نمونه: دندان ساز + ی = دندان سازی، یعنی: شغل کسی که دندان می سازد.

طلا ساز + ی = طلا سازی، یعنی:

آرایشگر + ی = یعنی:

شیرینی پز + ی = یعنی:

۱۱. هر کلمه را در جای خالی مناسب قرار بده



الف: در تابستان از نوشیدن آب لذت می بریم.

- سوزان

ب: من کمک کردم تا غذاها را از بیاورند.

- خنک

پ: آفتاب تابستان گرم و است.

- غار

ت: مردمان نخستین در زندگی می کردند.

- آشپزخانه

۱۲. کدام کلمه ی داخل پرانتز جمله را کامل می کند



الف: هواپیما در ساعت ۱۴ در فرودگاه (پرواز می کند، فرود می آید، شنا می کند)

ب: سعید با مدادش (راه می رود، غذا می خورد، می نویسد)

پ: مسواک زدن باعث می شود دندان های ما (تمیز شوند، بزرگ شوند، کثیف شوند)

ت: ما در زمین فوتبال (شنا می کنیم، بازی می کنیم، پرواز می کنیم)

رفته بودم موزه‌ی ملی ایران!



۱. گوش کن و بخوان



جان: دیروز اومدم خونه تون، نبودى.

بابک: آره! رفته بودم موزه‌ی ملی ایران.

جان: رفته بودى کجا؟

بابک: موزه‌ی ملی ایران. مگه هنوز موزه‌ی ملی ایران رو ندیدی؟

جان: نه.

بابک: من يه بار ديگه ام به اون جا رفته بودم.

جان: پس چرا دوباره رفتى؟

بابک: آخه اون موقع خيلى بچه بودم.

جان: خُب، چه طور بود؟

بابک: خيلى قشنگ بود. دو قسمت داره؛ يکى مربوط به پيش از اسلامه، يکى مربوط به بعد از اسلامه.

جان: چى داره؟

بابک: از همه‌ی دوره‌های تاريخی ایران وسيله داره. اشیای مثل ظروف سفالی و سنگی، اشیای

فلزی، سکه‌های قدیمی و خيلى چیزای ديگه.



(الف)

امیر: چرا بچه‌ها سینما؟

نیما: چون فیلمشو قبلاً تو ویدیو

امیر: کی فیلمشو بهت ؟

نیما: برادرم.

امیر: از کجا ؟

نیما: از «ویدیو کلوپ» اجاره

(ب)

مرجان: تابستون رفته بودین؟

شادی: کاشان.

مرجان: چرا؟ مگه تازگی اون جا نرفته ؟

شادی: چرا! اما همه جا شو

مرجان: کجاش از همه جا ؟

شادی: همه جاش قشنگه؛ اما باغِ فین خیلی جالب تره.

مرجان: منم تعریفش رو





-وقتی از خواب بیدار شدیم، برف همه جا را پوشانده بود.



-وقتی به فرودگاه رسیدم، هواپیما پرواز کرده بود.

حالا این جمله‌ها را کامل کن



- الف: وقتی به خانه آمدم، همه‌ی غذاها را (خوردن)
- ب: چون سرما (خوردن)، نتوانستم به مدرسه بروم.
- پ: قبل از این که پزشک برسد، مریض (مردن)
- ت: قبل از این که به ایران بروم، زبان فارسی را (یاد گرفتن)

برای هر تصویر یک جمله بنویس



الف:

ب:

به فعل‌هایی نظیر «خورده بودم» و «دیده بودم» ماضی بعید می‌گوییم.
این فعل‌ها چگونه ساخته می‌شوند و چه کاربردی دارند؟

فکر و کن و بگو





موزه:	به جا ماندن:	دوره:	قدمت:
ظهور:	متعدد:	نگه‌داری کردن:	

موزه ملی ایران

موزه ملی ایران بزرگ‌ترین و مهم‌ترین موزه‌ی ایران است. این موزه در تهران قرار دارد و نشان دهنده‌ی تاریخ و فرهنگ ایرانیان است.



چراغ پیه سوز قدیمی

موزه ملی ایران دو قسمت دارد؛ یکی مربوط به پیش از اسلام و دیگری مربوط به پس از اسلام است. آثار تاریخی و اشیای قسمت پیش از اسلام چند هزار سال قدمت دارند و از دوره‌های قبل از اسلام تا اسلام به جا مانده‌اند. این اشیاء از جنس سفال، سنگ و فلز هستند.

در موزه‌ی اسلامی نیز اشیای فراوانی از جنس پارچه، شیشه، چوب و آجر و هم چنین قرآن‌های متعدد و سکه‌های بسیاری از ظهور اسلام تا صد سال گذشته نگاه‌داری می‌شود.



ظرف سرامیک قدیمی

۸. به پرسش‌های زیر پاسخ بده



الف: مهم‌ترین موزه‌ی ایران در کجا قرار دارد و اسم آن چیست؟

ب: موزه‌ی ملی ایران چند قسمت دارد؟

پ: در قسمت پیش از اسلام چه اشیایی وجود دارد؟

ت: در موزه‌ی اسلامی چه اشیایی وجود دارد؟

ث: قدمت اشیای کدام قسمت بیشتر است؟

موزه‌ی ملی ایران





۹. با توجه به فعل های داخل پرانتز، جمله ها را کامل کن

- الف: قبل از این که من به خانه برسم، مادرم از خانه بیرون (رفتن)
- ب: من از تو خواهش (کردن) که بیرون نروی. چرا رفتی؟
- پ: معلّم فارسی ما قبلاً ورقه های ما را صحیح (کردن)
- ت: وقتی به مدرسه رسیدیم، پنج دقیقه بود که کلاس فارسی شروع (شدن)
- ث: شما به ما (گفتی) که به مدرسه نمی آید. ما هم نیامدیم.



۱۰. یکی از کلمه های داخل پرانتز را انتخاب کن

- الف: این دسته (گل - گُل) را برای معلّم خریده ام.
- ب: در قدیم مردم خانه هایشان را با (گل - گِل) می ساختند.
- پ: مرغابی (پَر - پُر) دارد.
- ت: این لیوان (پَر - پُر) از آب است.
- ث: این لیوان (تَرک - تَرَک) دارد.
- ج: دیروز تهران را (تَرک - تَرَک) کرد.



۱۱. کدام کلمه با بقیه ی کلمه ها مربوط نیست؟

- الف: سینما - هواپیما - تئاتر - موزه
- ب: خاک - گِل - سنگ - قاب
- پ: سگّه - سوزن - اسکناس - پول
- ت: پرچم - تلویزیون - ویدیو - ضبط صوت
- ث: استادیوم - تماشاچی - خیابان - فوتبال

لک لک سپید

وقتی که آفتاب

از تپّه ها دمید

روی درخت رفت

یک لک لک سپید

خوشحال و پُر امید

آن لک لک قشنگ

فریاد کرد و گفت:

ای صبح سرخ رنگ!

از کوه های سبز

از راه های دور

از روی رود ها

از درّه های نور

وقتی می آمدی

از سبزه زار ها

آیا ندیده ای

فصل بهار را؟



لطفاً چمدون تو رو باز کنین!



۱. گوش کن و بخوان



در هواپیما

مهمان دار: ببخشین، سینی تون رو لطف کنین.
مسافر: بفرمایین. راستی، ببخشین، کی می‌رسیم؟
مهماندار: تا پنج دقیقه‌ی دیگه فرود می‌آییم. لطفاً کمر بندتون رو ببندین.
مسافر: آه، بله. چشم.

مهماندار: مسافران عزیز، لطفاً کمر بندهای ایمنی را ببندید و پشتی صندلی هایتان را به حالت اولیه در آورید. ما تا چند لحظه‌ی دیگر به زمین می‌نشینیم. برای شما اقامت خوشی را آرزو می‌کنیم.



قسمت بار

مسافر: ببخشین، بار پرواز لندن کجا می‌آد؟
مسئول: همین جا تشریف داشته باشین، الآن می‌رسه.
مسافر: متشکرم.

مسئول: آقا، این ساک مال شما نیست؟

مسافر: نه خیر. من دو تا چمدون دارم! همین دو تا است. متشکرم.



می‌آد = می‌آید

در گمرک

مسئول گمرک: لطفاً چمدونتونو باز کنین.

مسافر: بفرمایین.

مسئول: باخودتون چی دارین؟

مسافر: وسایل شخصی، کتاب، لباس و یه مقدار سوغاتی.

مسئول: بار غیر مجاز که ندارین؟

مسافر: نه خیر.

مسئول: بفرمایین. شما از پرداخت گمرک معافین.

مسافر: خیلی متشکرم.



معافین = معاف هستیند

۲. گفت و گوهای زیر را کامل کنید



مسافر: ببخشین، کی؟

مهماندار: ده دقیقه

لطفاً کمر بندتونو



مسئول گمرک: لطفاً این ساک رو

مسافر: بفرمایین.

مسئول گمرک: چی؟

مسافر: شخصی و یه سوغاتی.

مسئول گمرک: وسایل برقی هم؟

مسافر: نه!

مسئول گمرک: بفرمایین. شما از معافین.

۴. گفت و گوهای بالا را با دوستت تمرین کن



۳. گوش کن و پاسخ هایت را درست کن



۵. به تصویرها نگاه کن و بنویس هر یک به کدام قسمت از مسافرت هوایی مربوط می شوند



..... ا:ب



..... ب:



..... الف:



..... ج:



..... ث:



..... ت:



..... ح:



..... ح:



..... ج:

۶. نام ببر:




- الف: یک پرنده‌ی مهاجر:
- ب: دو میوه‌ی زرد:
- پ: سه وسیله‌ی برقی:
- ت: چهار اسم دختر:
- ث: پنج اسم شهر:

۷. گفت و گوی زیر را به صورت مودبانه باز نویسی کن



می آین = می آید.

دانش آموز: آقای معلم کجا می رین؟

معلم: می رم خونه. 

دانش آموز: فردا می آین؟

معلم: بله.

دانش آموز: تا ساعت چند تو مدرسه هستین؟

معلم: تا ساعت دوازده.

دانش آموز: لطفاً به مدیر بگین که کلاسِ درسِ فارسی رو زیاد کنه!

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



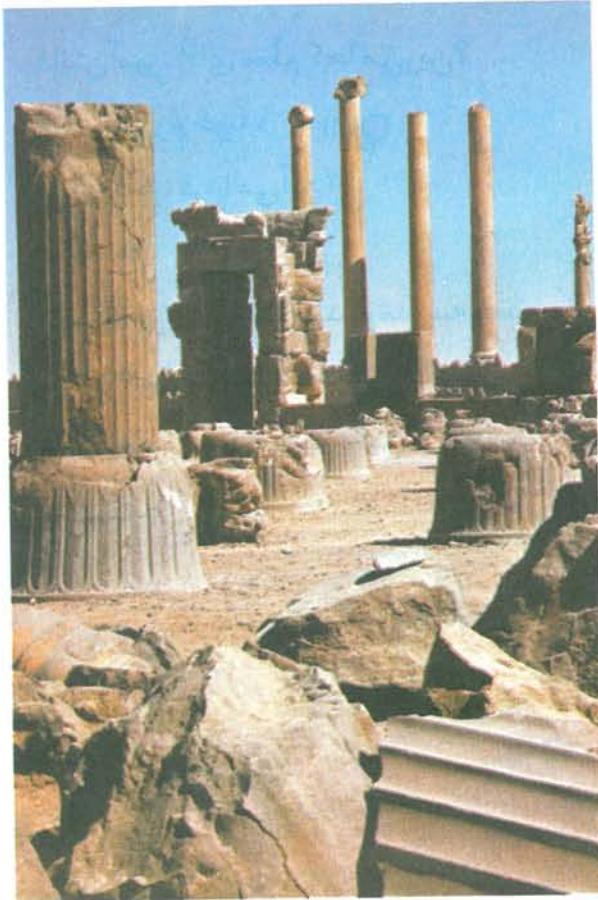
کاخ: شاهکار: دوران: تالار: سنگ: سنگ‌نوشته: معماری:

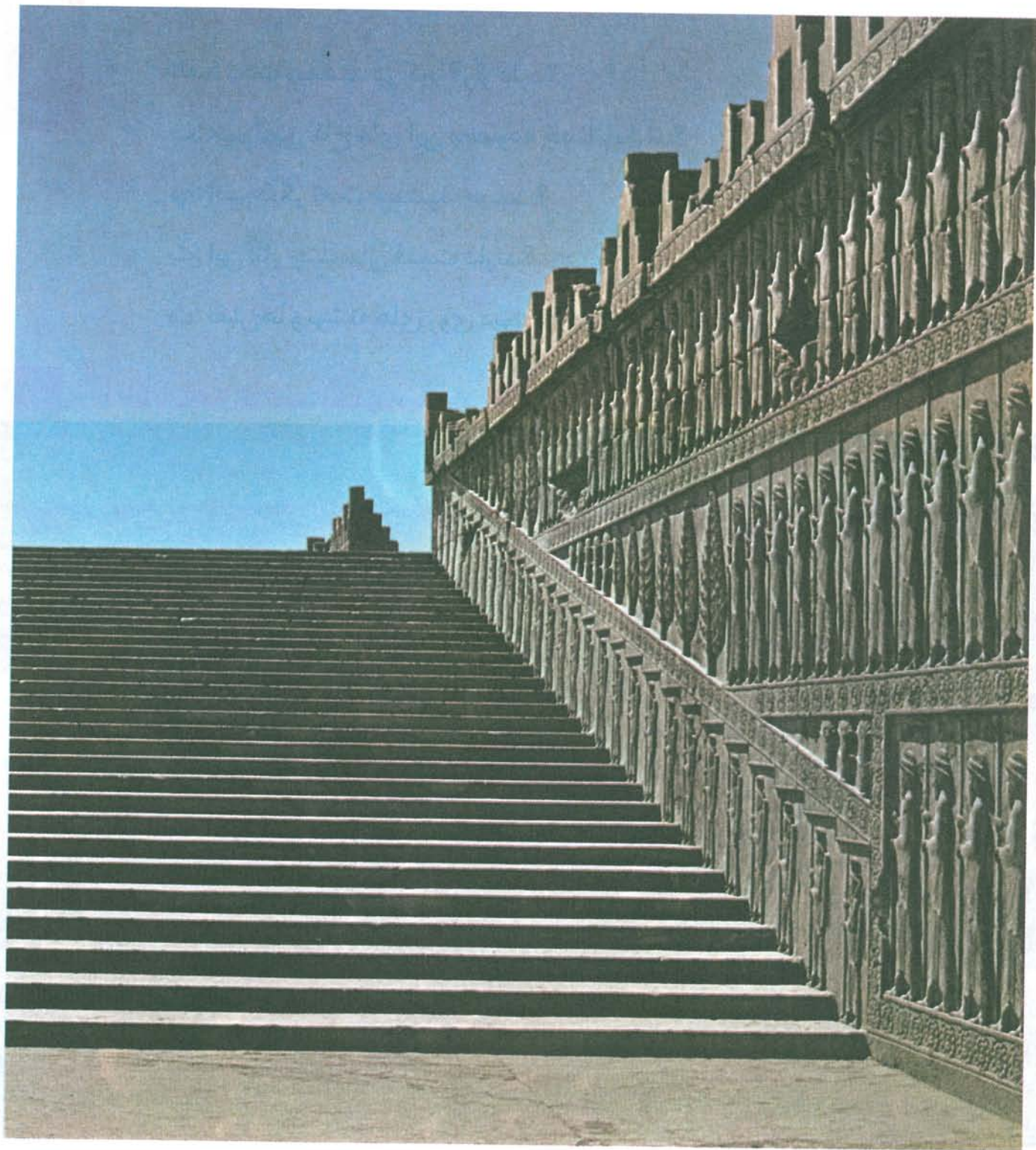
تخت جمشید

در فاصله‌ی ۶۴ کیلومتری شمال شیراز و در نزدیکی مرودشت، باقی‌مانده‌ی کاخ‌های بزرگی دیده می‌شود. این کاخ‌ها از بزرگ‌ترین آثار تاریخی ایران و از شاهکارهای معماری ایران باستان هستند. این کاخ‌ها به دوران هخامنشی تعلق دارند. به مجموعه‌ی آن‌ها «تخت جمشید» گفته می‌شود. تخت جمشید در خارج از ایران به نام «پرسپولیس» شناخته شده است. این مجموعه در حدود ۲۵۰۰ سال قبل به دستور داریوش اول، پادشاه ایرانی، ساخته شده است.

مهم‌ترین کاخ‌های این مجموعه کاخ آپادانا، تالار صد ستون و کاخ صد دروازه هستند که هر یک تصویرهای برجسته، ستون‌ها، آستانه‌ها و پنجره‌های سنگی زیادی دارند. بخش‌های مهمی از تاریخ ایران باستان روی سنگ‌نوشته‌های این مجموعه دیده می‌شود. متن آن‌ها، که با خط قدیمی نوشته شده، توسط دانشمندان ایرانی و خارجی خوانده شده است.

نقش‌ها و نوشته‌های روی سنگ‌ها، ما را تا حد زیادی با آداب و رسوم و پوشش و خوراک مردم آن زمان آشنا می‌کنند. هر سال، هزاران جهان‌گرد از این مجموعه‌ی بی‌نظیر دیدن می‌کنند.





۹- به پرسش‌های زیر پاسخ بده



الف: تخت جمشید در کجا قرار دارد؟

ب: مهم‌ترین کاخ‌های این مجموعه چه نام دارند؟

پ: اسم دیگر تخت جمشید چیست؟

ت: این آثار چند سال قدمت دارند؟

ث: نقش‌ها و نوشته‌های روی دیوارها چه چیز را نشان می‌دهند؟

۱۰. آیا تا به حال از تخت جمشید دیدن کرده‌ای؟ درباره‌ی آن صحبت کن



۱۱. به جمله های زیر توجه کن

باقی مانده های تخت جمشید را در نزدیکی شیراز می بینیم. ← باقی مانده های تخت جمشید در نزدیکی شیراز دیده می شود.

این کاخ ها را در خارج از کشور پرسپولیس می نامند. ← این کاخ ها در خارج از کشور پرسپولیس نامیده می شوند.

داریوش اول این کاخ ها را در حدود ۲۵۰۰ سال پیش ساخته است. ← این کاخ ها در حدود ۲۵۰۰ سال پیش توسط داریوش اول ساخته شده اند.

حالا تو بگو:

«الف»

«ب»

الف: ماه را در شب می بینیم.

ب: دانش آموزان صدای ناظم را شنیدند.

پ: مهمان ها همه ی میوه ها را خوردند.

پ: آن ها هنوز مدرسه را نساخته اند.

ث: شاهنامه در قرن پنجم نوشته شد.

ج: مجسمه ی آزادی توسط فرانسوی ها ساخته شده است

فکر و کن و بگو تفاوت جمله های ستون «الف» و «ب» چیست؟

جمله های ستون «الف» معلوم و جمله های ستون «ب» مجهول نام دارند.

در تبدیل جمله های معلوم به جمله های مجهول چه تغییراتی انجام شده است؟





۱. گوش کن و بخوان



آرایشگر: بفرمایین؟

بهزاد: می خواستم موهامو کوتاه کنم.

آرایشگر: بفرمایین روی اون صندلی بشینین.

بهزاد: متشکرم.

آرایشگر: چه قدر کوتاه بشه؟

بهزاد: بغل هاشو خیلی کوتاه کنین؛ اما جلو و روش رو کم تر.

آرایشگر: صورتتون رو هم اصلاح کنم؟

بهزاد: بله لطفاً.



(بعد از نیم ساعت)

آرایشگر: براتون سشوار هم بکشم؟

بهزاد: بله! لطفاً رو به بالا سشوار بکشین.

آرایشگر: بفرمایین. تو آینه روناگاه کنین. پشتش خوبه؟

بهزاد: بله! خیلی خوبه متشکرم. چه قدر بدم خدمتتون؟

آرایشگر: هشت صد تومن.



(الف) فرزاد: ببخشین، موها مو کنم.

آرایشگر: چه براتون؟

فرزاد: مدلش فرقی نداره. فقط خیلی

آرایشگر: مدل مدرسه‌ای خوبه؟

فرزاد: بله.

آرایشگر: بکشم؟

فرزاد: نه! متشکرم.

آرایشگر: اندازه‌اش خوبه؟

فرزاد: بله. خیلی ممنون.

(ب) میترا: ببخشین، موهامو فر

آرایشگر: قبلاً وقت گرفتین؟

میترا: بله!

آرایشگر: ریزیا درشت؟

میترا: ریز.

آرایشگر: موها تونو رنگ هم کردین؟

میترا: نه؛ چه طور مگه؟

آرایشگر: چون نمی شه روی رنگ، فر

میترا: لطفاً ابرو هام رو هم مرتب

آرایشگر: کار دیگه‌ای؟

میترا: نه، متشکرم.

۵. برای دوستانت بگو معمولاً از آرایشگر چه می‌خواهی و آرایشگر برایت چه کار می‌کند

۶. درباره موهای خود و دوستت در کلاس صحبت کن





الف.....

۷. در آرایشگاه کدام یک از وسایل زیر وجود دارد؟

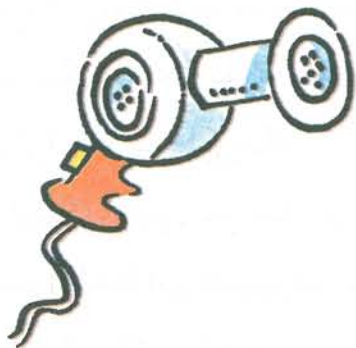
اسم هر یک را در زیر تصویرش بنویس



پ.....



ب.....



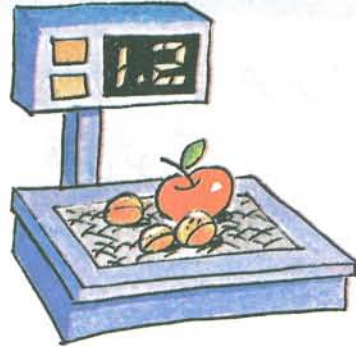
ث.....



ت.....



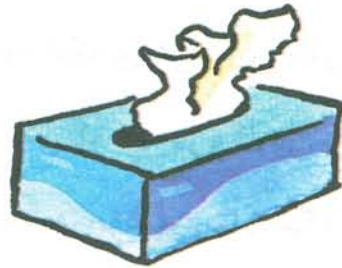
..... ٣



..... ٢



..... ٤



..... ٢



..... ٤



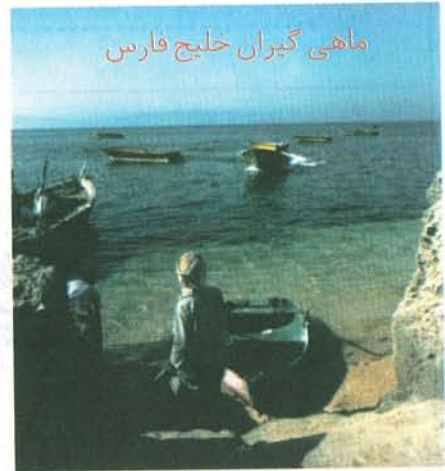
..... ٤



خلیج: تنگه: بندر: جزیره: طول: عرض:
عمق: ساحل: مروارید: صدف: قابل توجه:

خلیج فارس

خلیج فارس، که بین ایران و عربستان واقع است، ۸۰۰ کیلومتر طول دارد. عرض آن بین ۸۰ تا ۳۲۰ کیلومتر است. عمق آن به ۹۰ متر هم می‌رسد تنگه‌ی هرمز این خلیج را از دریای عمان جدا می‌کند. رودهایی مثل کرخه، دز و کارون به این خلیج می‌ریزند. شهرهای آبادان، ماه‌شهر، بوشهر، بندر لنگه و بندر عباس در نواحی ساحلی آن قرار دارند. این بندرها در اقتصاد ایران نقش



ماهی‌گیریان خلیج فارس

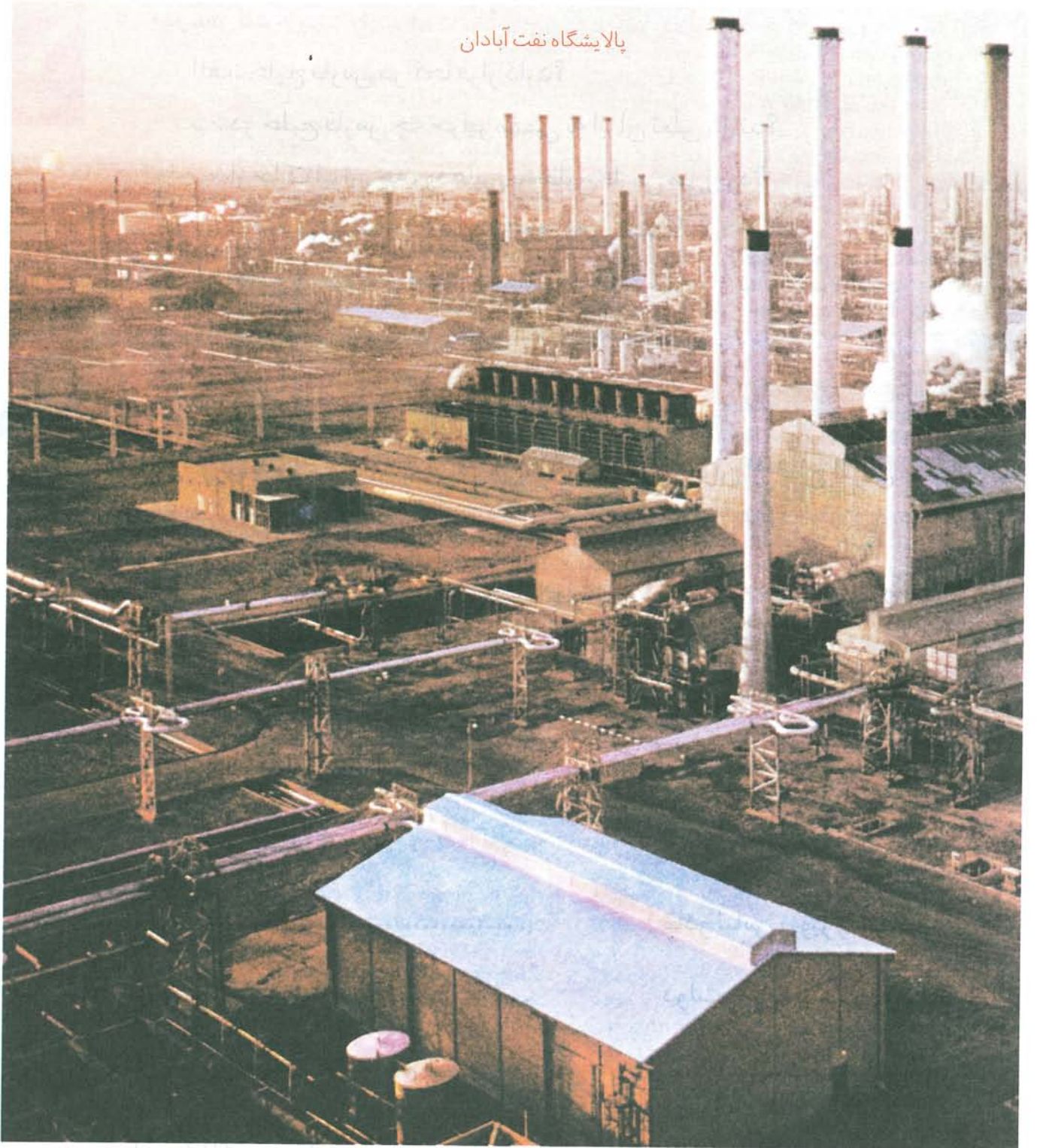
مهمی دارند. از شهرهای کناره‌ی خلیج فارس به تمام دنیا نفت صادر می‌شود. همین امر باعث اهمیت زیاد این خلیج و تنگه‌ی هرمز شده است. در این منطقه علاوه بر نفت، از راه ماهی‌گیری نیز درآمد قابل توجهی حاصل می‌شود. در خلیج فارس حدود ۲۰۰ نوع ماهی وجود دارد. مروارید و صدف در سواحل این خلیج به فراوانی صید می‌شود. صید مروارید یکی از مشاغل مردم ساحل‌نشین است.

مرواریدهای خلیج فارس



جزیره‌های ایرانی ابوموسی، تنب کوچک، تنب بزرگ و قشم در این خلیج قرار دارند. جزیره‌ی زیبا و تفریحی کیش هم در خلیج فارس واقع است.

پالایشگاه نفت آبادان





۹. به پرسش‌های زیر پاسخ بده

- الف: خلیج فارس در کجا قرار دارد؟
 ب: در خلیج فارس چه جزایر مهمی به ایران تعلق دارند؟
 پ: از خاک ایران چه رودهایی به خلیج فارس می‌ریزد؟
 ت: درآمد مردم ساحل‌نشین از چه راهی است؟
 ث: خلیج فارس به چه علت اهمیت دارد؟

۱۰. به جمله‌های زیر توجه کن



- الف: از خلیج فارس به تمام دنیا نفت صادر می‌شود. ← ایران از خلیج فارس به تمام دنیا نفت صادر می‌کند.
 ب: مروارید و صدف در سواحل این خلیج صید می‌شود. ← ماهی‌گیران در سواحل این خلیج مروارید و صدف صید می‌کنند.
 پ: این خلیج به وسیله‌ی تنگه‌ی هرمز از دریای عمان جدا می‌شود. ← تنگه‌ی هرمز این خلیج را از دریای عمان جدا می‌کند.

حالاتو بگو

- الف: مادر لباس پرویز را اتو کرد.
 ب: دولت رضا را از سربازی معاف کرد.
 پ: کیک تولد بین مهمان‌ها تقسیم شد.
 ت: شاگردهای زرنگ تشویق شدند.

فعل‌ها در هر تمرین چگونه مجهول شده‌اند؟
چه کلمه‌ای به جای فاعل حذف شده قرار گرفته است؟



۱۱. شعر زیر را با کمک معلّمَت بخوان

آسمان، آب، زمین

کی به این خورشیدی گوید خواب؟

آقابت را بتاب!

کی زده فواره‌ای ز گلین کمان

توی حوض آسمان؟

از کجا آورده دریا، آب را؟

آسمان، مهتاب را؟

کی به دل ما مهربانی داده است؟

شادمانی داده است؟

اودخای مهربان و خوب ماست.

هر چه هست از این خداست.

کی = چه کسی؟

ناصر کشادورز

۱. گوش کن و بخوان



مشتری: ببخشین، می خواستم این نامه رو پست کنم.

کارمند: به کجا؟

مشتری: نیویورک.

کارمند: با پست عادی یا سفارشی؟

مشتری: با پست عادی چندروزه می رسه؟

کارمند: پونزده روز طول می کشه.

مشتری: خوبه. با پست عادی بفرستین.

کارمند: پس دویست تومن تمبر بچسبونین روی پاکت. نشانی فرستنده و گیرنده رو بنویس، کد

پستی رو هم فراموش نکنین.

بعد اونو بندازین تو صندوق پست.

مشتری: این بسته رو هم می خوام بفرستم.

کارمند: توش چیه؟

مشتری: کتاب و چند تا عکس از ایران و کمی خشکبار.

کارمند: اجازه بدین وزنش کنم. بله! یک کیلو و ۲۵۰ گرم.

مشتری: هزینه ی پستش چه قدر می شه؟

کارمند: دو هزار و پونصد تومن.

مشتری: بفرمایین.



پونزده = پانزده
بندازین = بیندازید



مشتری: ببخشین. می خواستم این رو کنم.

کارمند: ؟

مشتری: به شیراز.

کارمند: پست یا ؟

مشتری: هر کدام چه قدر ؟

کارمند: با عادی پنج روز، با پست یک روز.

مشتری: پس با پست سفارشی ؟

کارمند: لطفاً این فرم رو کنین. نشونی رو حتماً

مشتری: بفرمایین.

کارمند: بله! هفتاد و پنج گرمه.

مشتری: هزینه اش ؟

کارمند: ششصد تومان.

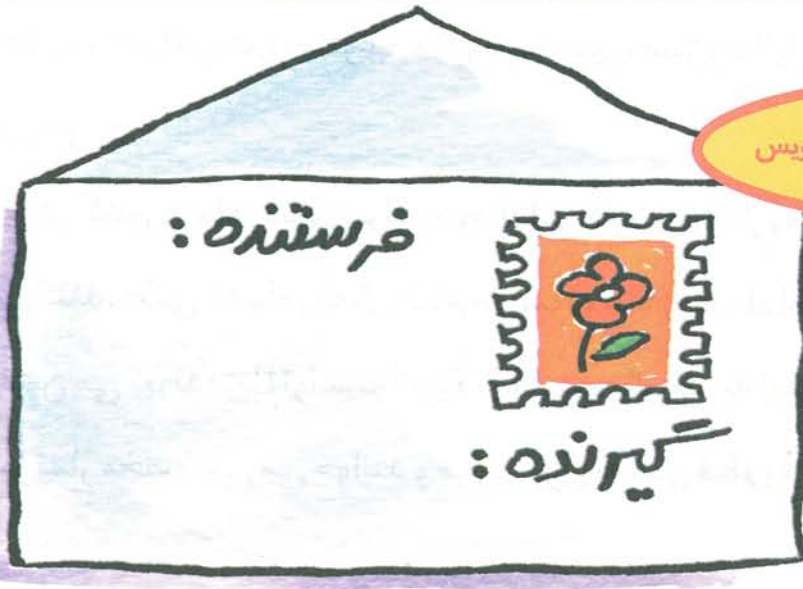
۴. گفت و گوهای بالا را با دوستت تمرین کن



۳. گوش کن و پاسخ هایت را درست کن



۵. نشانی فرستنده و گیرنده را روی پاکت زیر بنویس





سحر:	آشامیدن:	متنوع:	زیرا:
مبلغ:	مخصوص:	نیازمند:	پهن کردن:

ماه رمضان و عید فطر

یکی از ماه‌های قمری، ماه رمضان است. در این ماه، مسلمانان برای نزدیکی به خداوند و سلامتی خود، غذای کم‌تری می‌خورند؛ یعنی **روزه** می‌گیرند. آنان در هنگام سحر، یعنی یک ساعت مانده به اذان صبح، از خواب بیدار می‌شوند و **سحری** می‌خورند. پس از آن تا اذان مغرب نه چیزی می‌خورند و نه چیزی می‌آشامند. بعد از اذان مغرب مسلمانان روزه‌ی خود را باز می‌کنند. به این کار **افطار کردن**، و به سفره‌ای که برای افطار کردن پهن می‌شود، سفره‌ی افطاری می‌گویند. در سفره‌ی افطاری خوراکی‌های متنوعی مثل خرما، پنیر، سبزی، انواع حلوا، فرنی، شیربرنج و آش گذاشته می‌شود.

در هر کشوری ماه رمضان برای خود آدابی دارد. ایرانیان ماه رمضان را با شکوه خاصی برگزار می‌کنند. وقتی که ماه رمضان تمام می‌شود، همه‌ی مسلمانان روز اول ماه بعد را، که شوال نام دارد، جشن می‌گیرند؛ زیرا توانسته‌اند یک ماه روزه بگیرند. به این جشن **عید فطر** می‌گویند. آن‌ها در این روز نماز مخصوصی می‌خوانند و مبلغی پول به اسم **فطریه** به نیازمندان می‌دهند.



۷. به پرسش‌های زیر پاسخ بده



الف: مسلمانان در ماه رمضان چه می‌کنند؟

ب: مسلمانان چه وقت افطار می‌کنند؟

پ: ایرانیان معمولاً در هنگام افطار چه می‌خورند؟

ت: چرا مسلمانان روزه می‌گیرند؟

ث: به جشن پایانی ماه رمضان چه می‌گویند و زمان آن چه وقت است؟

به فعل های ستون «الف» و «ب» توجه کن.

ستون ب	ستون الف
روزه گرفتن	گرفتن
زمین خوردن	خوردن
جیغ زدن	زدن

فکر و کن و بگو

فعل های ستون «الف» «ساده»، و فعل های ستون «ب» «مرکب» هستند. این دو دسته با هم چه تفاوتی دارند؟ صورت منفی آن ها چگونه است؟

۸. هر تصویر چه فعلی را نشان می دهد آن فعل را زیر هر تصویر بنویس



پ



ب



الف



ج



ث



ت

۹. کلمه‌ی مناسبِ داخل پُرانتز را انتخاب کن



الف: مادرم سبزی‌ها را (خُرد - خورد) کرد.

ب: برادرم تمام سبزی‌ها را (خُرد - خورد).

پ: این کتاب (سد - صد) صفحه دارد.

ت: ایران چند (سد - صد) بزرگ دارد.

۱۰. توجّه کن



آرایش + گاه آرایشگاه (یعنی جایی که آرایش می کنند.)

حالاتو بگو.

الف: خواب +

ب: آسایش +

پ: +

ت: +

۱۱. به اول هر کلمه‌ی زیر یک عدد اضافه کن تا کلمه‌ی دیگری ساخته شود. بعد معنای آن را بنویس.



الف: + چرخه ←

ب: + گوش ←

پ: + پایه ←

ت: + راه ←

ث: + طرفه ←

۱. گوش کن و بخوان



خانم داورپناه: ببخشین! چرخ دستی کجاست؟
مسئول فروشگاه: کنار در ورودی.

خانم داورپناه: قسمت لینیات کجاست؟
مسئول فروشگاه: انتهای سالن، سمت راست.

× × ×

خانم داورپناه: یه شیشه شیر، یه بسته خامه، یه قالب کره، یه قوطی ماست... یه شونه تخم مرغ هم
باید بردارم.

× × ×

خانم داورپناه: ببخشین خانوم! شما سبزی رو از کجا برداشتین؟

خانم سهرابی: کمی جلوتر، سمت چپ.

× × ×

خانم داورپناه: خوب... یه کیلو سیب
زمینی، دو کیلو سبزی خوردن، یه دسته
کاهو، یه گل کلم، دو کیلو گوجه فرنگی،
این هم کمی میوه.



شونه = شانه

در زبان فارسی معمولاً برای هر کالایی از واحد شمارشی یا اندازه گیری خاصی استفاده می شود.

مثلاً یک جلد کتاب، دو تخته فرش.

فرش ← تخته	شیر ← پاکت/شیشه	کتاب ← جلد
جوراب ← جفت	میوه ← کیلو	کره ← قالب
ظرف ← دست	حیوان ← رأس	پارچه ← توپ
تخم مرغ ← شانه	ماشین و خانه ← دستگاه	کبریت ← قوطی

۲. گفت و گوی زیر را کامل کن



مسئول فروشگاه: بفرمایین خانوم. چی؟
 خانم داورپناه: دو گوشت گوسفند، یک کیلو چرخ کرده، دو مرغ،
 سه تا ماهی، نیم کیلو سوسیس و نیم کالباس.

مسئول فروشگاه: بفرمایین.

خانم داورپناه: متشکرم، چه قدر می شه؟

مسئول فروشگاه: الان فاکتورش رو لطفاً ۱۲۵۰۰ تومن صندوق.

خانم داورپناه: لوازم بهداشتی؟

مسئول فروشگاه: چی کجاست؟

خانم داورپناه: لوازم بهداشتی، مثل صابون، دستمال کاغذی، شامپو.

مسئول فروشگاه: قسمت وسط سألن.

خانم داور پناه: خوب یه صابون، دو تا شامپو، یه پودر رخت شویی، یه مایع ظرف شویی... برای امروز دیگه کافیه. خیلی خرید کردم. حالا باید برم پولشو

xxx

صندوق دار: لطفاً همه چیز رو خالی کنین. جمعاً شد نوزده هزار و پونصد تومن.

خانم داور پناه: بفرمایین. خدا حافظ.

صندوق دار: خانوم! خانوم! بقیه ی پولتون!

خانم داور پناه: اوه! متشکرم.

۴. گفت و گوهای بالا را با دوست تمرین کن



۳. گوش کن و پاسخ هایت را درست کن



۵. واحد شمارشی کلمه های زیر چیست؟

گوشت ←	تخم مرغ ←	پیاز ←
شیر ←	مرغ ←	خامه ←
صابون ←	پنیر ←	ماست ←
کاهو ←	کلم ←	کبریت ←
سیگار ←	آب پرتقال ←	نوشابه ←

۶. دسته بندی کن

مایع ظرف شویی، مداد، ماست، کالباس، خودکار، پودر رخت شویی،
 تراش، گوشت، پنیر، ماهی، شامپو، کاغذ، سوسیس،
 صابون، کره، خمیر دندان، مرغ، شیر، کارت پستال، خامه.

(ت)	(پ)	(ب)	(الف)
.....
.....
.....
.....
.....



گنج: ترانه: جاذبه: خلقت: زنده کردن:
به شمار رفتن: سردسیر: منطقه: غار: قندیل:

همدان

اسم بابا طاهر عریان، شاعر مشهور ایرانی، و ترانه‌های زیبای او نام **همدان** را برای ما زنده می‌کند. همدان، مرکز استان همدان است و در غرب ایران قرار دارد. این شهر تا تهران ۳۳۶ کیلومتر فاصله دارد.

در گذشته، به شهر همدان، **هگمتانه** می‌گفتند و این شهر تاریخی و قدیمی ۲۷۰۰ سال سابقه دارد. همدان همیشه برای جهان گردان جاذبه‌های زیادی داشته است. آرامگاه ابن سینا، دانشمند بزرگ ایرانی، و بابا طاهر عریان در این شهر واقع است.

غار علی‌صدر، که یکی از مراکز دیدنی و زیبای این شهر است، از عجایب خلقت به شمار می‌رود. البته فقط با قایق می‌توان در داخل آن حرکت کرد. در این غار می‌توان قندیل‌های یخی و شکل‌های طبیعی ساخته شده از سنگ را مشاهده کرد.

از دیگر دیدنی‌های همدان می‌توان گنج‌نامه، لاله جین و میدان شیر سنگی را نام برد. همدان از مناطق سردسیر ایران است و آب و هوایی خنک دارد. اغلب مردم ایران دوست دارند تابستان‌ها به این منطقه سفر کنند.

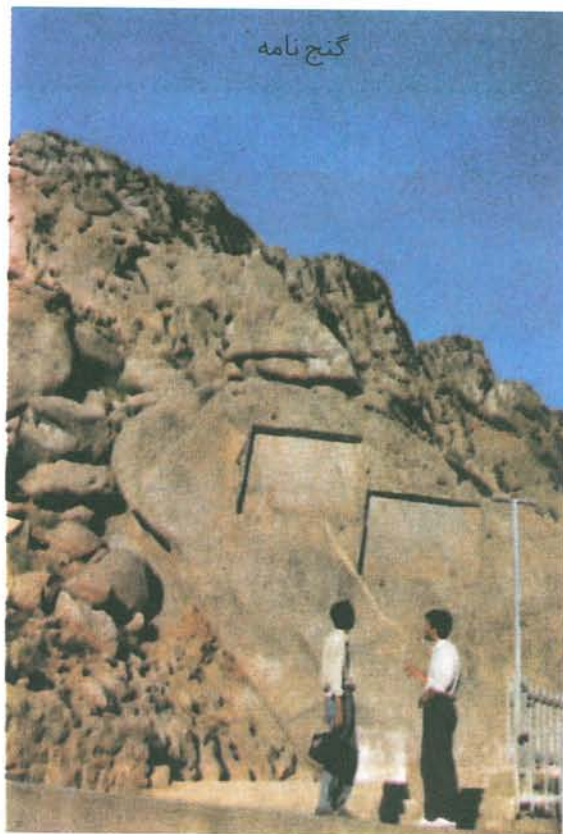


۸. به پرسش‌های زیر پاسخ بده

- الف: همدان در کجای ایران قرار دارد؟
ب: آرامگاه چه کسانی در همدان است؟
پ: آثار دیدنی همدان را نام ببر.
ت: در قدیم به همدان چه می‌گفتند؟
ث: همدان تا تهران چه قدر فاصله دارد؟



شیر سنگی



گنج‌نامه



مقبره باباطاهر

۹. جمله‌ها را مانند نمونه باز نویسی کن



نمونه: همه باید تلاش کنند و درس بخوانند. ← باید تلاش کرد و درس خواند.

الف: چاره‌ای نیست! همه باید برویم. ←

ب: باید این مطلب را بگوییم. ←

پ: با سعی و تلاش می‌توانیم موفق شویم. ←

ت: می‌توانی در خارج زندگی کنی، اما به ایران وفادار باشی.

..... ←

۱۰. به جمله‌های زیر توجه کن



به کسی که درباره‌ی هوا مطالعه می‌کند، هواشناس می‌گویند.

حالات بگو

الف: به کسی که درباره‌ی زمین مطالعه می‌کند، می‌گویند.

ب: به کسی که درباره‌ی روان مطالعه می‌کند، می‌گویند.

پ: به کسی که درباره‌ی زبان مطالعه می‌کند، می‌گویند.

ت: به کسی که درباره‌ی ستاره مطالعه می‌کند، می‌گویند.

ث: به کسی که درباره‌ی جانور مطالعه می‌کند، می‌گویند.



۱۱. شعر زیر را با کمک معلّمات بخوان

وطن

می کشم دوباره من
نقشه‌ای به روی خاک
خانه‌ای بزرگ و پاک
روی نقشه می کشم
کوه و تپّه می کشم
مردمان مهربان
کودک و جوان و پیر
باغ لاله می کشم
رنگ خون یک شهید
پرچمی پر افتخار

سبز و قرمز و سفید
غرق بوسه می کنم
نقشه را دوباره من
می نویسم: ای وطن!
تا همیشه می تپد،
قلب من برای تو!
خانه‌ی عزیز من!
جان من فدای تو!

کبری هاشمی



۱. گوش کن و بخوان



آقای فرهادی: ببخشین! اداره ی مرکزی پست کجاست؟

جاوید: پیاده می رین یا ماشین دارین؟

آقای فرهادی: ماشین دارم.

جاوید: پس مستقیم برین جلو. چهارراه دوم، سمت چپ، تو خیابون سعدی.

آقای فرهادی: اما مثل این که خیابون سعدی از این طرف ورود ممنوعه.

جاوید: درسته. سر خیابون، یه پارکینگ عمومی هست. ماشینو اون جا پارک کنین. تا اداره ی

پست، پیاده، دو دقیقه راه بیش تر نیست.

آقای فرهادی: متشکرم.

جاوید: خواهش می کنم.

آقای فرهادی: می خواین شمارو تا یه جایی برسونم؟

جاوید: متشکرم، مزاحم نمی شم.



۲. گفت و گوی بالا را با دوستت تمرین کن



۳. به نقشه‌ی زیر نگاه کن. (شکل آدم روی نقشه جای تو را نشان می‌دهد.)

از دوست نشانی را بپرس و از او بخواه تا تو را راهنمایی کند.



۴. گفت و گوی زیر را کامل کن.

(الف) : پست خونه ؟

: از چهار راه انقلاب، به خیابان حافظ.

(ب) :- ببخشین! چه طوری رفت پارک شهر؟

:- مستقیم جلو. خروجی ، راست.

(پ) : ببخشین! طوری می‌تونم اداره‌ی پلیس؟

: باید دور ، بعد میدون ورود ، سر چهار راه اول اداره‌ی پلیسه.

۵. گوش کن و پاسخ‌هایت را درست کن.



نمایش: ریشه: کهن: اجرا کردن: قهرمان:
 مسخره: عفت: پاک دامنی: نقاب: برپا کردن:

نمایش‌های قدیم ایرانی

یکی از انواع نمایش‌های ایرانی که ریشه‌ای کهن دارد، نمایش‌های کاروانی یا کارناوال بوده است. مردم ایران در قدیم، علاوه بر جشن‌های معروف مهرگان، سده و نوروز، صد روز قبل از شروع زمستان، یعنی در هنگام انگورچینی، نوعی نمایش کاروانی داشته‌اند. آن‌ها در این جشن، نمایش‌های محلی نیز اجرا می‌کردند. صورتک‌هایی به شکل حیوانات واقعی و افسانه‌ای بر چهره می‌زدند و می‌رقصیدند. به این نقاب‌ها «سیماچه» (یعنی صورت کوچک) می‌گفتند.

یکی دیگر از نمایش‌های کاروانی ایران باستان، «سوگ سیاوش» بوده که از سالیان دور اجرا می‌شده است. سیاوش از قهرمانان جوان و پاک‌دامن شاهنامه است که مظلومانه در راه پاک‌دامنی و عفت خود کشته شد. مردم ایران هر سال در مراسم سوگ سیاوش نمایش‌هایی اجرا می‌کردند تا یاد این قهرمان ملی را زنده نگاه دارند.

از نمایش‌های جالب دیگر، میر نوروزی بوده که در هنگام عید نوروز برپا می‌شده است. مردی به اسم میر نوروزی (امیر و فرمانروای نوروزی) چند روزی به جای حاکم و فرمانروا یا شاه وقت بر تخت می‌نشست و قدرت را برای پنج روز به دست می‌گرفت. او سوار بر اسب می‌شد و با دستوره‌های مسخره‌اش مردم را می‌خندانده.

این نمایش نیز جنبه‌ی کاروانی داشت؛ زیرا مردم به دنبال اسب میر نوروزی می‌رفتند و سرگرم می‌شدند.



۷. به پرسش‌های زیر پاسخ بده

۱. چند جشن مهم ایرانی را نام ببر.
۲. سوگ سیاوش چیست؟
۳. میر نوروزی چه کسی بوده است؟
۴. آیا تا به حال نمایش کارناوالی دیده‌ای؟ برای دوستانت بگو.
۵. در نمایش‌های کاروانی چه کارهایی انجام می‌دادند؟



۸. مثل نمونه، جای خالی را پر کن



نمونه:

علی خودش را به من رساند. پس علی به من رسید.

حالاتو بگو

- الف: مادر بچه اش را روی پایش خواباند. پس بچه روی پای مادر
- ب: حسین خیلی مرا پس من خیلی از دست حسین خندیدم.
- پ: او سرش را به طرف من چرخاند. پس سرش به طرف من

۹. کلمه های ستون «الف» و «ب» را دو به دو به هم وصل کن و کلمه های مرکب بساز



ب

الف

.....

بزرگ

کتاب

.....

خانه

تخته

.....

خواب

پدر

.....

سیاه

کار

.....

نامه

تخت





۱. گوش کن و بخوان



الف:

مسئول اتوشویی: بفرمایین.

خانم نمازی: ببخشین! می شه این لباسا رو برام بشورین؟

مسئول اتوشویی: اجازه بدین بینم چندتاست ...

خانم نمازی: یه پالتو، یه دست کت و شلوار، دو تا پیرهن مردونه، یک پیرهن زنونه، سه تا شلوار و دو تا دامن.

مسئول اتوشویی: جمعاً می شه ده تیکه.

خانم نمازی: ببخشین! پیرهنای مردونه و شلوارا فقط اتو بشن.

مسئول اتوشویی: باشه.

خانم نمازی: کی آماده می شه؟

مسئول اتوشویی: سه روز دیگه. اینم قبضش.

خانم نمازی: چه قدر می شه؟

مسئول اتوشویی: ۳۵۰۰ تومن.

خانم نمازی: بفرمایین.

مسئول اتوشویی: متشکرم.



لباسا = لباس ها

بشورین = بشوید

مردونه = مردانه

زنونه = زنانه

تیکه = تکه

پیرهنای = پیراهن های

شلوارا = شلوارها

ب:

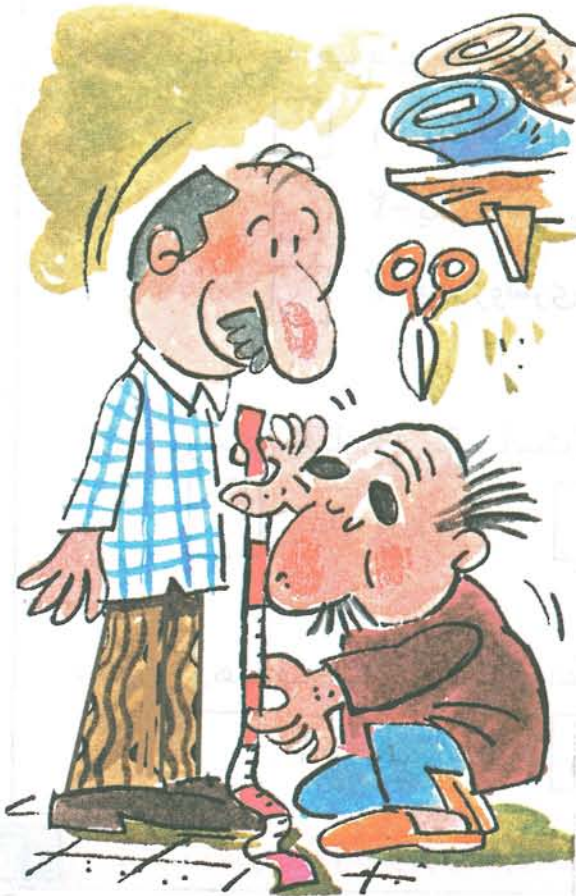
می خواد = می خواهد
مترم = متر هم
دوختم = دوخت هم

آقای بهزادی: ببخشین. می خواستم برای عید یه دست کت و شلوار سفارش بدم.
خیاط: اجازه بدین اندازه تونو بگیرم. قَدِ شلوار ۱۰۵، دور کمر ۹۵، قَدِ کت ۸۵، دور سینه ۱۰۵ و قَدِ آستین ۶۸ سانتی متر.

آقای بهزادی: چه قدر پارچه می خواد؟
خیاط: چهار متر پارچه، دو مترم آستری.
آقای بهزادی: کی آماده می شه؟
خیاط: دو هفته طول می کشه تا بدوزم.

آقای بهزادی: چه قدر می شه؟
خیاط: پارچه و آستری ۷۵۰۰۰ تومن، مزد دوختم ۲۵۰۰۰ تومن.

آقای بهزادی: خیلی گرونه.
خیاط: آخه پارچه اش انگلیسیه.
آقای بهزادی: حالا می شه تخفیف بدین؟
خیاط: برای شما ۹۰۰۰۰ تومن.
آقای بهزادی: پس این ۳۰ هزار تومن بیعانه خدمت تون.
خیاط: اشکالی نداره.
آقای بهزادی: خیلی ممنون.



۲. گفت و گوهای بالا را با دوستت تمرین کن

۳. به نوار گوش کن و به پرسش‌های زیر پاسخ بده



(الف) این گفت و گو در کجا انجام شده است؟

- ۱- خیاطی ۲- اتوشویی ۳- لباس فروشی

(ب) مهرداد چه چیزهایی خرید؟

- ۱- یک کت تک، یک جفت کفش، دو جفت جوراب.
۲- یک تی شرت، یک جفت کفش، یک کت تک.
۳- یک جفت کفش، یک پیراهن، یک دست کت و شلوار.

(پ) مهناز چه چیزهایی خرید؟

- ۱- یک لباس مهمانی (شب)، یک جفت جوراب، یک روسری.
۲- یک دامن، یک روسری، یک جفت کفش.
۳- یک روسری، یک لباس مهمانی (شب)، یک جفت کفش.

(ت) روسری مهناز چه رنگی است؟

- ۱- سبز ۲- آبی ۳- قرمز

(ث) آن‌ها هفته‌ی آینده کجا خواهند رفت؟

- ۱- جشن تولد ۲- نامزدی ۳- عید دیدنی

۴. گفت و گو را یک بار دیگر گوش کن و با دوستت تمرین کن



۵. حالا با دوستانت درباره‌ی پرسش‌های زیر صحبت کن. بعد، جدول زیر را در مورد خودت و دوستت کامل کن

- الف: - آخرین بار چه لباس‌هایی را به اتوشویی بردی؟
 ب: - آخرین بار چه لباسی را به خیاط سفارش دادی تا برایت بدوزد؟
 پ: - آخرین بار چه لباس‌هایی از فروشگاه خریدی؟
 ت: - آخرین بار کی به مهمانی رفتی؟ کجا و به چه مناسبت بود؟
 ث: - معمولاً در مهمانی‌های رسمی، مثل عروسی و نامزدی، چه لباسی می‌پوشی؟
 ج: - دوست داری لباس‌های چه رنگی باشند؟

اسم دوستت (.....)	اسم خودت (.....)	
		لباس‌هایی که به اتوشویی برده شده
		لباس‌هایی که به خیاط سفارش داده شده
		لباس‌هایی که از فروشگاه خریداری شده
		لباس‌های آخرین مهمانی
		لباس‌های مهمانی‌های رسمی
		رنگ لباس
		رنگ کفش
		رنگ شلوار
		رنگ جوراب
		رنگ پیراهن مردانه
		رنگ پیراهن زنانه
		رنگ کت و شلوار
		رنگ کت و دامن
		رنگ تی شرت و بلوز
		رنگ روسری
		رنگ دامن
		رنگ مانتو

۶. معنی واژه‌ها را از واژه‌نامه‌ات پیدا کن و سپس متن زیر را بخوان



غریب: تجربه: صمیمی: کسب:
عاطفی: نقّاشی: سرطان: عمیق:

شاعر شعر و رنگ

قایقی خواهم ساخت، خواهم انداخت به آب
دور خواهم شد از این خاک غریب.
هم چنان خواهم راندم...

این شعر زیبا از شاعر و نقّاش معاصر ایرانی، سهراب سپهری است. او در سال ۱۳۰۷ در کاشان متولد شد و در سن پنجاه و دو سالگی به علت بیماری سرطان درگذشت. سپهری برای کسب علم و تجربه به کشورهای مختلف سفر کرد. در یکی از سفرهایش به هند در باره‌ی آیین‌های آن‌جا مطالعه کرد.

اشعار او در مجموعه‌ای به نام «هشت کتاب» چاپ شده است. با مطالعه‌ی این اشعار خواهید دید که سپهری به طبیعت بسیار علاقه‌مند بوده است. اشعار او بسیار روان، عاطفی، عمیق و صمیمی است. یکی از شعرهای زیبای او «صدای پای آب» نام دارد که در کتاب‌های آینده خواهید خواند.

۷. به پرسش‌های زیر پاسخ بده



الف: سهراب سپهری در چه سالی درگذشت؟

ب: نام مجموعه‌ی اشعار سهراب سپهری چیست؟

پ: شعر او چگونه است؟

ت: سپهری در شعرش به چه چیزی علاقه نشان می‌دهد؟



۸. جمله‌های زیر را با فعل‌های آینده بنویس

- الف: ترم جدید از اول مهر شروع می‌شود.
 ب: سال آینده یک ماشین می‌خرم.
 پ: فردا به بازار می‌روم.
 ث: چند روز دیگر از مسافرت برمی‌گردند.

فکر کن و بگو

به ساخت‌هایی مثل «خواهم رفت» و «خواهد رفت» آینده می‌گوییم.
 این فعل‌ها چه کاربردی دارند و چگونه ساخته می‌شوند؟



۹. کلمه‌های زیر را در سه گروه طبقه‌بندی کن

نمایش، روسری، فیلم، فروشگاه، نوار، مانتو، رستوران، دامن، تئاتر، سوپرمارکت، پیراهن، مغازه، شلوار، بازیگر، بازار

پ	ب	الف
.....
.....
.....
.....
.....

نوبهاری زیبا

سبزه‌های روزیند	نوبهاری زیباست
زیر باران خود را	روزها شیرین است
سبزه‌های شویند	نه سرا دیگر
یک شکوفه این جا	خسته و غمگین است
یک شکوفه آن جا	کوه برفی خواب است
گل به تن می پوشد	می شود کم کم آب
باغ و دشت و صحرا	رودبری خیزد
زندگی شیرین است	نرم نرمک از آب
کارها آسان است	خاک خشک و تشنه
انتظار زیبا	آب را می نوشد
فصل تابستان است	بوته بوته از خاک

مصطفی رحمان دوست

۱. جمله‌های زیر را به گذشته تبدیل کن



- الف: الآن سرم کمی درد می کند.
 ب: باید ظرف‌ها را بشویی و اتاق را جارو بزنی.
 پ: دانش‌آموزان جواب‌ها را نمی دانند.
 ت: الآن نمی توانم نامه‌ها را پست کنم.

۲. به پرسش‌های زیر پاسخ بده



- الف: وقتی آمدم، داشتی چه کار می کردی؟ (غذا پختن)
 ب: وقتی تلفن زدی، پدرت داشت چه کار می کرد؟ (تلویزیون دیدن)
 پ: چرا به گل‌ها آب ندادی؟ (درس خواندن)

۳. جمله‌های زیر را با صورت ماضی نقلی فعل‌های داخل پرانتز کامل کن



- الف: تا حالا چند بار این فیلم را (دیدن)
 ب: پدرم هنوز ماشین (منفی، خریدن)
 پ: معلم‌ان در اتاق (نشستن) و منتظر شما هستند.
 ت: داد نزن. بچه (خواهیدن)



دیدن

نمونه: من قبلاً این فیلم را دیده بودم.

الف: شما

ب: او

پ: آن‌ها

ت: تو

ث: ما

نشستن

نمونه: معلم کنار تخته سیاه نشسته بود.

الف: برادرهایم

ب: من

پ: ما

ت: تو

ث: شما

۵. واژه‌های زیر را دسته بندی کن



مسافر، سفارشی، کوتاه، قیچی، هواپیما، بسته،
آرایشگر، پست خانه، فرستنده، شانه، نشانی، مهماندار، مو،
کدپستی، تیغ، فرودگاه، صندوق پست، سشوار، بلیت، پرواز،
فر، خلبان، نامه، چمدان، پاکت، آینه، کمر بند

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۶. جمله‌های زیر را مجبول کن



الف: ادیسون لامپ را اختراع کرد.

ب: مادرم این کیک را برای تولدم پخته است.

پ: هر سال مسلمانان عید فطر را جشن می‌گیرند.

ت: فردوسی شاهنامه را در قرن پنجم نوشت.

۷. زیر فعل درست خط بکش



الف: تخت جمشید به دست اسکندر مقدونی (سوزاند / سوزانده شد).

ب: سنگ‌نوشته‌ها ما را با آداب و رسوم آن زمان (آشنا می‌کنند / آشنا می‌شوند).

پ: برادرش در تصادف اتومبیل (کشت / کشته شد).

ت: بچه‌ها با نمایش‌های خنده‌دار (سرگرم می‌کردند / سرگرم می‌شدند).

۸ - کلمه‌های زیر با کدام یک از فعل‌های «زدن، خوردن، گرفتن، دادن» فعل مرکب می‌سازند جدول را کامل کن



گل - روزه - گوش - رنگ - زنگ - سر - اجازه - زمین - یاد - داد - جشن - سوت - دور - شکست

دادن	گرفتن	خوردن	زدن
.....
.....
.....
.....



۹. از مصدرهای زیر فعل سببی بساز و با هر یک از آنها یک جمله بنویس

نمونه: خندیدن = خنداندن: دلک تماشاگران را می خندانند.

الف: پریدن =

ب: دویدن =

پ: ترسیدن =

ت: خوردن =



۱۰. جمله های زیر را کامل کن

الف: باید این مسئله را قبول (کردن) که یاد گرفتن هر زبانی، احتیاج به تمرین دارد.

ب: چاره ای نیست، باید (رفتن) و آن جا را از نزدیک (دیدن).

پ: بدون بلیت که نمی شود داخل سینما (رفتن).

ت: با سعی و تلاش می توان به همه چیز (رسیدن).

ث: بدون آب نمی توان به زندگی ادامه (دادن).

۱۱. دوبه دوبه هم وصل کن و کلمه‌ی مرکب بساز



ب

فروش
گو
پاش
پز
کش
نویس

الف

پلو
روان
دروغ
خط
گران
آب

۱۲. به آخر کلمه‌های ستون ۱ «کش»، به آخر کلمه‌های ستون ۲ «نویس» و به آخر کلمه‌های ستون ۳ «گو» اضافه کن و معنی هر کلمه را بگو



ستون ۳

الف: راست
ب: قصه
پ: اذان

ستون ۲

الف: خود
ب: دست
پ: زیر

ستون ۱

الف: نفت
ب: آب
پ: مسافر

flour	ârd	آرد
wish	ârezu	آرزو
Ariyan	âriyâyi	آریایی
free	âzâd	آزاد
liberty	âzâdi	آزادی
agancy	âžžâns	آژانس
easy	âsân	آسان
elevator	âsânsor	آسانسور
relief	âsâyeš	آسایش
asylum	âsâyešgâh	آسایشگاه
verge	âstâne	آستانه
lining	âstari	آستری
sleeve	âstin	آستین
sky	âsemân	آسمان
Asia	âsiyâ	آسیا
broth	âš	آش
to drink	âšâmidan	آشامیدن
kitchen	âšpaz xâne	آشپزخانه
friendship, reconciliation	ašti	آشتی
acquainted	âšnâ	آشنا
Asirian	âšuri	آشوری
nest	âšiyâne	آشیانه
beginning	âqâz	آغاز
sun	âftâb	آفتاب
sunny	âftâbi	آفتابی
pollution	âludegi	آلودگی
polluted	âlude	آلوده

الف

habitable	âbâd	آباد
sprinkler	âbpâš	آب پاش
orange juice	âb porteqâl	آب پرتقال
to water	âb dâdan	آب دادن
juicy	âbdâr	آب‌دار
water fall	âbšar	آبشار
to melt	âb šodan	آب شدن
strainer	âbkeš	آبکش
mineral water	âb ma?dani	آب معدنی
juice	âb mive	آب میوه
climate	âb-o havâ	آب و هوا
flat, apartment	âpârtemân	آپارتمان
works	âsâr	آثار
effects	âsâr	آثار
brick	âjor	آجر
nuts	âjil	آجیل
the last	âxarin	آخرین
ethics	âdâb	آداب
to decorate	ârâstan	آراستن
slow	ârâm	آرام
relief	ârâmeš	آرامش
grave, shrine	ârâmgâh	آرامگاه
decoration,	ârâyeš	آرایش
make-up		
barber shop	ârâyešgâh	آرایشگاه
barber	ârâyešgar	آرایشگر

need, requirement	ehdiyâj	احتیاج	ready	âmâde	آماده
to need	ehdiyâj	احتیاج داشتن	education	âmuzeš	آموزش
	dâštan		pedagogical,	âmuzeši	آموزشی
feeling	ehsâs	احساس	educational		
news	axbâr	اخبار	instructive	âmuzande	آموزنده
invention	exterâ?	اختراع	there	ânjâ	آنجا
private	extesâsi	اختصاصی	song	âvâz	آواز
office	edâre	اداره	to bring	âvardan	آوردن
police center	edâreye polis	اداره‌ی پلیس	slow	âheste	آهسته
rest	edâme	ادامه	iron	âhan	آهن
to continue	edâme dâdan	ادامه دادن	music	âhang	آهنگ
politeness	adab	ادب	song	âhang	آهنگ
literature	adab	ادب	future	âyande	آینده
literary	adabi	ادبی	mirror	âyne	آینه
literature	adabiyyât	ادبیات	ethic, custom	âyin	آیین
call for prayers	azân	اذان	silk	abrišam	ابریشم
caller for prayers	azân gu	اذان‌گو	bed room	otâq xâb	اتاق خواب
will	erâde	اراده	iron	otu	اتو
height	ertefâ?	ارتفاع	laundry	otu šuyi	اتوشویی
duck	ordak	اردک	automobile	otomobil	اتومبیل
value	arzeš	ارزش	effect	asar	اثر
to have value,	arzeš dâštan	ارزش داشتن	work of art, etc.	asar	اثر
to worth			rent, lease	ejâre	اجاره
valuable	arzešmand	ارزشمند	permission	ejâze	اجازه
Armenian	armani	ارمنی	to let	ejâze dâdan	اجازه دادن
Europe	orupâ	اروپا	to get permission	ejâze gereftan	اجازه گرفتن
saw	arre	اره	to act out	ejrâ kardan	اجرا کردن
			respect	ehterâm	احترام

problem	eškâl	إشكال	to marry	ezdevâj	ازدواج کردن
things, objects	ašyâ?	اشياء		kardan	
origin	asl	اصل	essential	asâsi	اساسی
to correct,	eslâh kardan	اصلاح کردن	horse	asb	اسب
to cut the hair,	eslâh kardan	اصلاح کردن	toy	asbâb bâzi	اسباب بازی
to shave the beard			spagetti	espâgeti	اسپاگتی
bases, principles	osul	اصول	professor	ostâd	استاد
belief	e?teqâd	اعتقاد	skillfully,	ostâdâne	استادانه
members	a?zâ	اعضا	professionally		
announcement	e?lâm	اعلام	stadium	estâdiyom	استادیوم
pleasure, honor	eftexâr	افتخار	pool	estaxr	استخر
fable, tale,	afsâne	افسانه	bone	ostoxân	استخوان
fiction			rest, relax	esterâhat	استراحت
fictional	afsâne?i	افسانه‌ای	use	estefâde	استفاده
Afghanistan	afqânestân	افغانستان	to use	estefâde	استفاده کردن
stay	eqâmat	اقامت		kardan	
economy	eqtesâd	اقتصاد	acclaim, reception	esteqbâl	استقبال
minority	aqalliyyat	اقلیت	independence	esteqlâl	استقلال
ethnics	aqvâm	اقوام	note, bill	eskenâs	اسکناس
ocean	oqyânus	اقیانوس	ski	eski	اسکی
majority	aksariyyat	اکثریت	Islam	eslâm	اسلام
now	aknun	اکنون	Islamic	eslâmi	اسلامی
if	agar	اگر	to mention	ešâre	اشاره کردن
words	alfâz	الفاظ	mistake	eštebâh	اشتباه
but	ammâ	اما	subscription	ešterâk	اشتراک
exam	emtehân	امتحان	occupation	ešteqâl	اشتغال
to test	emtehân	امتحان کردن	appetite	eštehâ	اشتها
	kardan		poems	aš?âr	اشعار

God	izad	ایزد
to stand	istâdan	ایستادن
station	istgâh	ایستگاه
safety	imeni	ایمنی
here	injâ	اینجا

ب

polite	bâ adab	بادب
worthy	bâ arzeš	با ارزش
brother in law	bâjenâq	باجناق
wind	bâd	باد
almond	bâdâm	بادام
peanut	bâdâm zamini	بادام زمینی
kite	bâdbâdak	بادبادک
careful	bâ deqqat	بادقت
market	bâzâr	بازار
commercial	bâzargâni	بازرگانی
to return	bâz gaštan	بازگشتن
player	bâzikon	بازیکن
performer, actor	bâzigar	بازیگر
ancient	bâstâni	باستانی
literate	bâsavâd	باسواد
graceful	bâšaxsiyyat	با شخصیت
glorious	bâ šokuh	باشکوه
club	bâšgâh	باشگاه
to cause	bâʔes šodan	باعث شدن
great	bâ azemat	باعظمت

order	amr	امر
this year	emsâl	امسال
facilities	emkânât	امکانات
properties	amlâk	املاک
safe	amn	امن
hope	omid	امید
king	amir	امیر
pomegranet	anâr	انار
storage	anbâr	انبار
pliers	anbor	انبر
mass	anbuh	انبوه
selection	entexâb	انتخاب
waiting	entezâr	انتظار
transfer,	enteqâl	انتقال
transmission		
end	entehâ	انتهای
to do, to perform	anjâm dâdan	انجام دادن
drop	andâxtan	انداختن
size	andâze	اندازه
to measure	andâze	اندازه گرفتن
	gereftan	
thought	andiše	اندیشه
ring	angoštar	انگشتر
types, kinds	anvâʔ	انواع
Avesta	avestâ	اوستا
to donate, to give	ehdâ kardan	اهداء کردن
importance	ahammiyyat	اهمیت
Iranian	irâni	ایرانی

snow(adj)	barfi	برفی	garden	bâq	باغ
electricity, light	barq	برق	small garden	bâqçe	باغچه
electric	barqi	برقی	zoo	bâqe vahš	باغ وحش
leaf	barg	برگ	to weave	bâftan	بافتن
to hold	bargozâr	برگزار کردن	weaver	bâfande	بافنده
(a ceremony, etc.)	kardan		remaining	bâqi mânde	باقی مانده
to return	bargaštan	برگشتن	up	bâlâ	بالا
young	bornâ	برنا	funny	bâ namak	بانمک
program, schedule	barnâme	برنامه	vapor	boxâr	بخار
rice	berenj	برنج	part	baxš	بخش
lamb	barre	برّه	bad	bad	بد
exit	boridegi	بریدگی	bad-tempered	bad axlâq	بد اخلاق
to cut	boridan	بریدن	body	badan	بدن
large, great	bozorg	بزرگ	without	bedun	بدون
flower garden	bostân	بُستان	badness	badi	بدی
to depend	bastegi	بستگی داشتن	to raise	barafrâštan	برافراشتن
	dâštan		for	barâye	برای
to close	bastan	بستن	to arrange, to hold	barpâ kardan	برپا کردن
ice cream	bastani	بستنی	dominance	bartari	برتری
parcel	baste	بسته	tower	borj	برج
closed	baste	بسته	outstanding	barjeste	برجسته
parcel, package	baste	بسته	to rise	barxâstan	برخاستن
many, very	besyâr	بسیار	to take	bardâštan	برداشتن
then	ba?d	بعد	to take away	bordan	بردن
later	ba?dan	بعداً	to win	bordan	بردن
some	ba?zi	بعضی	Brazil	berezil	برزیل
beside	baqal	بغل	brush	boros	برس
the rest, remaining	baqiyye	بقیه	cut, slice	boreš	برش

to follow,	be donbâle	به دنبال...رفتن
to seek	...raftan	
to be born	be donyâ	به دنیا آمدن
	âmadan	
for	bahr	بهر
paradise	behešt	بهشت
to be regarded as	be šomâr	به شمار آمدن
	âmadan	
to be regarded as	be šomâr	به شمار رفتن
	raftan	
the 11th month of Bahman		بهمن
the Iranian calendar		
to be created	be vojud	به وجود آمدن
	âmadan	
memorable	be yâd	به یاد ماندنی
	mândani	
impolite	bi adab	بی ادب
worthless	bi arzeš	بی ارزش
verse	beyt	بیت
impatient	bitâb	بی تاب
careless	bi tavajjoh	بی توجه
to be awake	bidâr budan	بیدار بودن
careless	bi deqqat	بی دقت
outside	birun	بیرون
illiterate	bisavâd	بی سواد
more	bištar	بیشتر
graceless	bi šaxsiyyat	بی شخصیت
earnest, deposit	bey?âne	بیعانه

misfortune	balâ	بلا
to know	balad budan	بلد بودن
but also	balke	بلکه
tall, long	boland	بلند
Baluch	baluč	بلوچ
blouse	boluz	بلوز
ticket	belit	بلیت
building	banâ	بنا
mason, builder	bannâ	بنا
famous	benâm	بنام
port	bandar	بندر
servant	bande	بنده
violet	banafše	بنفشه
founder	bonyân gozâr	بنیان گذار
smell	bu	بو
bush	bute	بوته
blonde	bur	بور
kiss	buse	بوسه
to kiss	busidan	بوسیدن
boulevard	bulvâr	بولوار
smelling	buyidani	بوییدنی
to launch	be âb	به آب انداختن
	andâxtan	
best	behtarin	بهترین
to be left behind	bejâ mândan	به جا ماندن
to remain	be jây	به جای ماندن
	mândan	
hygenic, healthy	behdâšti	بهداشتی

purity	pâki	پاکی
refinery	pâlâyešgâh	پالایشگاه
coat	pâlto	پالتو
end	pâyân	پایان
final	pâyâni	پایانی
capital	pâytaxt	پایتخت
eternal	pâyande	پاینده
down, under	pâyin	پایین
to cook	poxtan	پختن
reception,	pazirâyi	پذیرایی
reception	pazireš	پذیرش
to accept	paziroftan	پذیرفتن
full	por	پُر
feather	par	پَر
glorious	por eftexâr	پرافتخار
cause to fly	parândan	پراندن
Portugal	porteqâl	پرتغال
populated	porjam?iyyat	پرجمعیت
gluttony,	porxori	پرخوری
eating too much		
payment	pardâxt	پرداخت
to pay	pardâxtan	پرداختن
to fly	par zadan	پر زدن
portion	pors	پُرس
swallow	parastu	پرستو
to ask	porsidan	پرسیدن
to fill	por kardan	پُر کردن
to fly away	par kešidan	پرکشیدن

impatient	bi qarâr	بی قرار
unemployment	bikâri	بی کاری
boundless,	bikarân	بی کران
immense		
patient	bimâr	بیمار
hospital	bimârestân	بیمارستان
illness	bimâri	بیماری
not blind	binâ	بینا
international	beynolmelali	بین المللی
unique	binazir	بی نظیر
no fun	bi namak	بی نمک
without salt	bi namak	بی نمک
independence	biniyâzi	بی نیازی

پ

cloth	pârche	پارچه
last year	pârsâl	پارسال
park	pârk	پارک
parket	pârket	پارکت
to park	pârk kardan	پارک کردن
parking	pârkîng	پارکینگ
oar	pâru	پارو
to row	pâru zadan	پارو زدن
passport	pâsport	پاسپورت
clean, pure	pâk	پاک
envelope	pâkat	پاکت
	pâkdâman	پاک دامن

powder	puđr	پودر	bird	parande	پرنده
soap powder	puđr-e	پودر رخت شویی	flight	parváz	پرواز
	raxtšuyi		to fly	parváz kardan	پرواز کردن
poster	poster	پوستر	butterfly	parvâne	پروانه
to dress, to cover	pušândan	پوشاندن	God, creator	parvardegâr	پروردگار
coverage	pušeš	پوشش	to jump	paridan	پریدن
to wear	pušidan	پوشیدن	physician	pezešk	پزشک
money	pul	پول	medicine	pezeški	پزشکی
rich	puldâr	پولدار	then, therefore	pas	پس
pepermint	pune	پونه	post	post	پست
wide	pahn	پهن	breast	pestân	پستان
vast	pahnâvar	پهناور	post man	postçi	پستچی
to spread	pahn kardan	پهن کردن	post office	post xâne	پست خانه
on foot	piyâde	پیاده	pistachew	peste	پسته
onion	piyâz	پیاز	behind, back	pošt	پشت
answering machine	payâm gir	پیامگیر	roof	poštebâm	پشت بام
pizza	pitzâ	پیتزا	back	pošti	پشتی
to turn, to wrap	pičidan	پیچیدن	bridge	pol	پُل
complicated,	pičide	پیچیده	number	pelâk	پلاک
complex			panther	palang	پلنگ
old	pir	پیر	cooker	polopaz	پلوپز
shirt, blouse	pirâhan	پیراهن	stair	pelle	پله
advocate, follower	peyro	پیرو	evil	palid	پلید
near	piš	پیش	cotton	panbe	پنبه
advanced	pišrafte	پیشرفته	thought,	pendâr	پندار
occupation, job	piše	پیشه	immagination		
message	peyqâm	پیغام	to advise	pand dâdan	پند دادن
prophet	peyqambar	پیغمبر	cheese	panir	پنیر

bed, throne	taxt	تخت
Perseopolis	taxte jamšid	تخت جمشید
board	taxte	تخته
black board	taxte siyâh	تخته سیاه
discount	taxfif	تخفیف
egg	toxm	تخم
to lay eggs	toxm gozâštan	تخم گذاشتن
egg	toxme morq	تخم مرغ
teaching	tadris	تدریس
scale	tarâzu	ترازو
sharpener	tarâš	تراش
traffic	terâfik	ترافیک
tractor	terâktor	تراکتور
lyric	tarâne	ترانه
arrangement, order	tartib	ترتیب
preference	tarjih	ترجیح
to prefer	tarjih dâdan	ترجیح دادن
to frighten	tarsândan	ترساندن
to be afraid of	tarsidan	ترسیدن
Turk	tork	تُرک
crack	tarak	تَرک
to leave	tark kardan	تَرک کردن
Turkmen	torkaman	ترکمن
Turkmanistan	torkamanestân	ترکمنستان
term	term	ترم
to go	tašrif bordan	تشریف بردن
to form	taškil dâdan	تشکیل دادن
thirsty	tešne	تشنه

picnic	piknik	پیک‌نیک
ت		
theatre	te?âtr	تئاتر
fold	tâ	تا
tablet	tâblo	تابلو
to shine	tâbidan	تابیدن
Tajikistan	tâjikestân	تاجیکستان
history	târix	تاریخ
historical	târixî	تاریخی
dark	târik	تاریک
freshness	tâzegi	تازگی
moreover	tâze	تازه
recently	tâze	تازه
taxi	taksi	تاکسی
telephone taxi	tâksi telefoni	تاکسی تلفنی
taxi service	tâksi servis	تاکسی سرویس
hall	tâlâr	تالار
founding	ta?sis	تأسیس
supply	ta?min	تأمین
fever	tab	تب
congratulation	tabrik	تبریک
to congratulate	tabrik goftan	تبریک گفتن
hill	tappe	تپه
to beat	tapidan	تپیدن
experience	tajrobe	تجربه
education	tahsilât	تحصیلات

effort	talâş	تلاش	encouragement	taşviq	تشویق
viewer audience,	tamâşâgar	تماشاگر	accident	tasâdof	تصادف
all	tamâm	تمام	to decide	tasmim	تصمیم گرفتن
stamp	tambr	تمبر		gereftan	
practice	tamrin	تمرین	picture, photo	tasvir	تصویر
alligator	temsâh	تمساح	amount, number	te?dâd	تعداد
to clean	tamiz kardan	تمیز کردن	definition	ta?rif	تعریف
body	tan	تن	running after	ta?qib	تعقیب
lazyness	tanâsâyi	تن آسایی	belonging,	ta?alloq	تعلق
lazy	tanbal	تنبل	dependence		
jar, flagon, carafe	tong	تُنگ	repair	ta?mir	تعمیر
tight	tang	تنگ	difference	tafâvot	تفاوت
strait	tange	تنگه	pleasure	tafrih	تفریح
alone	tanhâ	تنها	fun, entertainment	tafrih	تفریح
tennis	tenis	تنیس	promenade,	tafrihgâh	تفریح‌گاه
ability, power	tavân	توان	recreation center		
able, capable,	tavânâ	توانا	entertaining	tafrihi	تفریحی
powerful			about, almost	taqriban	تقریباً
ball	tup	توپ	division	taqsim	تقسیم
strawberry	tut farangi	توت فرنگی	fault	taqsir	تقصیر
by means of	tavassot	توسط	reinforcement,	taqviyat	تقویت
advice	to(w)siye	توصیه	strengthening		
stop	tavaqqof	توقف	one, individual	tak	تک
tunnel	tunel	تونل	to tremble	tekân xordan	تکان خوردن
Tehran	tehrân	تهران	to shake	tekân dâdan	تکان دادن
to provide	tahiyye kardan	تهیه کردن	one by one	tak tak	تک تک
smart	tiz huş	تیزهوش	piece	tekke	تکه
	sharp(minded)		in pieces	tekke tekke	تکه تکه

except	joz	جز
island	jazire	جزیره
to search,	jostan	جُستن
to look for		
search	jost-o-ju	جست و جو
celebration	jašn	جشن
geography	joqrâfi	جغرافی
geographer	joqrâfidân	جغرافی‌دان
partner	joft	جفت
volume	jeld	جلد
session, meeting	jalase	جلسه
front	jelo	جلو
on the whole, over	jam?an	جمعاً
all		
sentence	jomle	جمله
republic	jomhuri	جمهوری
you(respectful)	jenâbe âli	جناب عالی
sir		
criminal	jenâyatkar	جنایتکار
aspect	janbe	جنبه
sex	jens	جنس
quality	jens	جنس
goods	jens	جنس
forest, jungle	jangal	جنگل
barley	jo	جو
answer	javâb	جواب
young	javân	جوان
the youth	javânân	جوانان

T-shirt	tišert	تی‌شرت
razor, razor blade	tiq	تیغ
	ث	
second (time)	sâniye	ثانیه
rich	servatmand	ثروتمند
	ج	
place	jâ	جا
to replace	jâ be jâ	جا به جا کردن
	kardan	
road	jâdde	جاده
attraction	jâzebe	جاذبه
broom	jâru	جارو
to sweep	jâru zadan	جارو زدن
to sweep	jâru kardan	جارو کردن
interesting	jâleb	جالب
life	jân	جان
living, creature	jândar	جاندار
animal	jânevar	جانور
zoologist	jânevar šenâs	جانورشناس
everlasting	jâvedân	جاودان
prize	jâyeze	جایزه
separate	jodâ	جدا
wall	jedâr	جدار
new	jadid	جدید
operation	jarrâhi	جراحی

to turn	čarxidan	چرخیدن
leather	čarm	چرم
glue	časb	چسب
to glue, to stick	časbândan	چسباندن
spring	češme	چشمه
how	čegune	چگونه
suitcase	čamedân	چمدان
several	čandin	چندین
wood	čub	چوب
because	čon	چون
stool	čahârpâye	چهار پایه
cross roads	čâhâr râh	چهارراه
square	čâhârguš	چهارگوش
twittering, warbling	čahčahe	چهچه
face	čehr(e)	چهره(ه)
to pick	čidan	چیدن
to lay (the table)	čidan	چیدن
something	čizi	چیزی
China	čin	چین
Chinese	čini	چینی

ح

margin, edge	hâšīye	حاشیه
fertile	hâselxiz	حاصل خیز
now	hâlâ	حالا
condition	hâlat	حالت
certainly	hatman	حتماً

youth	javâni	جوانی
chicken	juje	جوجه
stockings, socks	jurâb	جوراب
black & white (hair)	jo gandomi	جوگندمی
world	jahân	جهان
tourist	jahângard	جهانگرد
leap	jaheš	جهش
scream	jiq	جیغ
to scream	jiq zadan	جیغ زدن

چ

print	čâp	چاپ
choice	čâre	چاره
fat	čâq	چاق
fatness	čâqi	چاقی
tea	čây	چای
tea-house	čây xâne	چای خانه
left	čap	چپ
lamp	čerâq	چراغ
fat	čarbi	چربی
to take a nap	čort zadan	چرت زدن
to turn (something)	čarxândan	چرخاندن
trolley	čarx dasti	چرخ دستی
minced	čarx karde	چرخ کرده
merry go round	čarx o falak	چرخ و فلک

خ

out	xârej	خارج
foreign(er)	xâreji	خارجی
special	xâs	خاص
memories	xâterât	خاطرات
soil,	xâk	خاک
aunt	xâle	خاله
empty	xâli	خالی
cream	xâme	خامه
to inform	xabar dâdan	خبر دادن
God	xodâ	خدا
God	xodâvand	خداوند
service	xedmat	خدمت
ruin, destroyed	xarâb	خراب
wisdom	xerad	خرد
fresh, cheerful	xorram	خرم
date	xormâ	خرما
exit	xoruji	خروجی
rooster	xorus	خروس
shopping	xarid	خرید
to buy	xarid kardan	خرید کردن
to buy	xaridan	خریدن
Caspian (sea)	xazar	خزر
fatigue, weariness	xastegi	خستگی
tired	xaste	خسته
dry	xošk	خشک
dried fruit	xoškbâr	خشکبار

even	hattâ	حتی
limit	had	حد
limits	hodud	حدود
talk, letter (alphabet)	harf	حرف
to talk	harf zadan	حرف زدن
movement	harekat	حرکت
good	hesâbi	حسابی
sensitive	hassâs	حساس
memorisation	hefz	حفظ
maintenance	hefz	حفظ
keep to memorise, to maintain	hefz kardan	حفظ کردن
right	haq	حق
to solve	hal (kardan)	حل کردن
carrying	haml	حمل
forward	hamle	حمله
attack	hamle	حمله
senses	havâs	حواس
surprise, astonishment	heyrat	حیرت
what a pity!	heyf	حیف!
alas!		
while	heyn	حین
animal	heyvân	حیوان

to eat	xordan	خوردن
worth eating	xordani	خوردنی
edible	xordani	خوردنی
stew	xorešt	خورشت
happy, pleasant	xoš	خوش
happy	xošhâl	خوشحال
coloury	xošrang	خوشرنگ
lucky	xoššâns	خوش شانس
delicious	xošmaze	خوشمزه
blood	xun	خون
cucumber	xiyâr	خیار
imagine	xiyâl	خیال
to think	xiyal kardan	خیال کردن
wet	xis	خیس

د

cry, shout	dâd	داد
to shout	dâd zadan	داد زدن
court	dâdgâh	دادگاه
to give	dâdan	دادن
drug, medicine	dâru	دارو
drug store, pharmacy	dâru xâne	داروخانه
pharmacist	dâru sâz	داروساز
story	dâstân	داستان
hot	dâq	داغ
skirt	dâman	دامن

line	xat	خط
dangerous	xatarnâk	خطرناک
ruler	xat keš	خطکش
pilot	xalabân	خلبان
creation	xelqat	خلقت
cal, not crowded	xalvat	خلوت
gulf	xalij	خلیج
laughing, smiling	xandân	خندان
to make some one	xandândan	خندانند
laugh		
laugh	xande	خنده
comic	xande dâr	خنده دار
to laugh	xandidan	خندیدن
cool, cold	xonak	خنک
to make one sleep	xâbândan	خواباندن
dormitory	xâbgâh	خوابگاه
to sleep	xâbidan	خوابیدن
to want	xâstan	خواستن
to study, to read	xândan	خواندن
to sing	xândan	خواندن
worth reading	xândani	خواندنی
to ask, to demand	xâheš kardan	خواهش کردن
good	xub	خوب
goodness	xubi	خوبی
fountainpen	xodnevis	خودنویس
food	xorâk	خوراک
food	xorâki	خوراکی
to feed	xorândan	خوراندن

treatment	darmân	درمان	slope, skirt	dâmane	دامنه
clinic	darmângâh	درمانگاه	knowledgable, wise	dânâ	دانا
fierce, rapacious	darande	درنده	to know	dânestan	دانستن
reaping, harvest	dero(w)	درو	knowledge	dâneš	دانش
goal (football)	darvâze	دروازه	student	dânešju	دانشجو
gate	darvâze	دروازه	college, faculty	dâneškade	دانشکده
goaler, goal keeper	darvâzebân	دروازه‌بان	university	dânešgâh	دانشگاه
liar	doruq gu	دروغ‌گو	scientist	dânešmand	دانشمند
to harvest	dero(w) kardan	درو کردن	Denmark	dânmârk	دانمارک
valley	darre	دَرّه	seed, grain	dâne	دانه
sea	daryâ	دریا	circle	dâyere	دایره
lake	daryâče	دریاچه	income	darâmad	درآمد
thief	dozd	دزد	to take out	dar âvardan	درآوردن
hand	dast	دست (بدن)	long, tall	derâz	دراز
set	dast	دست	to stretch	derâz kardan	دراز کردن
to touch	dast zadan	دست زدن	degree	daraje	درجه
at least	daste kam	دستِ کم	glorious	deraxšân	درخشان
handkerchief	dastmâl	دستمال	to ache	dard kardan	درد کردن
manuscirpt	dast nevis	دست نویس	to knock at the	dar zadan	در زدن
order	dastur	دستور	door		
group, bunch	daste	دسته	lesson	dars	درس
together	dastejam?i	دسته جمعی	correct	dorost	درست
plain, field	dašt	دشت	to make, to	dorost kardan	درست کردن
difficult	došvâr	دشووار	correct		
prayer	do?â	دعا	to study	dars xândan	درس خواندن
to pray	do?â kardan	دعا کردن	big, large	dorošt	درشت
to invite	da?vat kardan	دعوت کردن	percent	darsad	درصد
time	daf?e	دفعه	to pass away	dargozaštan	درگذشتن

adorable	dust dâštani	دوست داشتنی	doctor	doktor	دکتر
friendship	dusti	دوستی	doctorate, Ph.D	doktorâ	دکترا
a kind of Iranian	duq	دوغ	stomach, heart	del	دل
drink made of yogurt			dolor	dolâr	دلار
and water			happy	delšâd	دلشاد
government	do(w)lat	دولت	reason	dalil	دلیل
to run	davidan	دویدن	tail	dom	دُم
village	deh	ده	temperature	damâ	دما
diploma	diplom	دیپلم	moment	dam	دم (لحظه)
visit	didâr	دیدار	to blow	damidan	دمیدن
to visit	didan kardan	دیدن کردن	to follow	donbâl	دنبال کردن
worth seeing	didani	دیدنی	tooth	dandân	دندان
to be late	dir kardan	دیرکردن	world	donyâ	دنیا
other	digar	دیگر	to cause to run	davândan	دواندن
religion	din	دین	again	dobâre	دوباره
demon	div	دیو	bicycle	dočarxe	دوچرخه
book of poetry	divân	دیوان	sewing	duxť	دوخت
	ذ		to sew	duxťan	دوختن
bit	zarre	ذره	twice	do daf?e	دو دفعه
taste, verve	zo(w)q	ذوق	far	dur	دور
	ر		round	do(w)r	دور
			era, period	do(w)rân	دوران
boss, chief	re?is	رئیس	to throw away	dur rixťan	دور ریختن
easy	râhat	راحت	to turn, to go	do(w)r zadan	دور زدن
right	râst	راست	round		
true	râst	راست	course, period	do(w)re	دوره
			friend	dust	دوست
			friendly	dustâne	دوستانه

traffic	raft-o âmad	رفت و آمد	truth teller	râst gu	راستگو
cleaning and sweeping	roftorub	زُفت و روب	to drive	rândan	راندن
to dance	raqsidan	رقصیدن	driving	rânandegi	رانندگی
variously coloured	rangârang	رنگارنگ	way	râh	راه
propagation	ravâj	رواج	traffic jam	râhbandân	راه‌بندان
spirit, mind	ravân	روان	corridor	râhro	راهرو
easy	ravân	روان	bandit	râhzan	راهزن
psychologist	ravân šenâs	روان شناس	guidance	râhnamâyi	راهنمایی
ballpen	ravân nevis	روان نویس	common	râyej	رایج
fox	rubâh	روباه	free of charge	râyegân	رایگان
opposite	ru be ru	روبه‌رو	dress	raxt	رخت
river	rud	رود	glorious	raxšan	رخشان
river	rudxâne	رودخانه	rejection	rad	رد
newspaper	ruznâme	روزنامه	to reject	rad kardan	رد کردن
fasting	ruze	روزه	rose	roz	رُز
to fast	ruze gereftan	روزه گرفتن	to deliver, to cause	resândan	رساندن
village	rustâ	روستا	to reach		
scarf	rusari	روسری	restaurant	resturân	رستوران
method	raveš	روش	custom	rasm	رسم
bright, light	ro(w)šan	روشن	formal	rasmi	رسمی
light	ro(w)šanâyi	روشنایی	to investigate,	residegi	رسیدگی کردن
to turn on	ro(w)šan kardan	روشن کردن	to consider	kardan	
oil	ro(w)qan	روغن	to reach	residan	رسیدن
briskness	ro(w)naq	رونق	course, discipline	rešte	رشته
growth	ruyeš	رویش	thunder and lightning	ra?d o barq	رعد و برق
to grow	ruyidan	رویدن	performance	raftâr	رفتار
			sweeper	roftegar	رفتگر

to fall down	zamin xordan	زمین خوردن
geologist	zamin šenâs	زمین شناس
woman	zan	زن
feminine	zanâne	زنانه
bee	zanbur	زنبور
chain	zanjir	زنجیر
alive	zende	زنده
bell	zang	زنگ
to ring the bell,	zang zadan	زنگ زدن
to call		
even(number)	zo(w)j	زوج (عدد)
couple	zo(w)j	زوج
soon, early	zud	زود
touchy	zud ranj	زود رنج
many	ziyâd	زیاد
shrine	ziyâratgâh	زیارتگاه
loss	ziyân	زیان
beauty	zibâyi	زیبایی
olive	zeytun	زیتون
because	zirâ	زیرا
footnote	zir nevis	زیرنویس
ornaments	zivar	زیور

ژ

jacket	žâkat	ژاکت
--------	-------	------

guide	rahnamâ	رهنما
mathematics	riyâzi	ریاضی
mathematician	riyâzidân	ریاضی‌دان
to pour	rixtan	ریختن
tiny	riz	ریز
beard	riš	ریش
root	riše	ریشه

ز

rubbish, garbage	zobâle	زباله
dust bin,	zobâledân	زباله‌دان
garbage can		
language, tongue	zabân	زبان
linguist	zabân šenâs	زبان شناس
trouble	zahmat	زحمت
hard-working	zahmatkeš	زحمتکش
to strive	zahmat	زحمت کشیدن
	kešidan	
to hit	zadan	زدن
conflict, fighting	zad o xord	زد و خورد
gold	zar	زر
Zoroaster	zartošt	زرتشت
Zoroastrian	zartošti	زرتشتی
clever	zerang	زرنگ
saffron	za?ferân	زعفران
time	zamân	زمان
earth, ground	zamin	زمین

barrier, dam	sad	سد
finally, at last	saranjâm	سرانجام
soldier	sarbâz	سرباز
military services	sarbâzi	سربازی
careless	sar be havâ	سر به هوا
red	sorx	سرخ
to slide, glide	sor xordan	سرخوردن
cold region	sardsir	سردسیر
slide	sorsore	سرسره
cancer	saratân	سرطان
vinegar	serke	سرکه
adventures	sargozašt	سرگذشت
amused, busy	sargarm	سرگرم
cold	sarmâ	سرما
to catch cold	sarmâ	سرماخوردن
	xordan	
asset, capital	sarmâye	سرمایه
capitalist	sarmâyedâr	سرمایه‌دار
cypress	sarv	سرو
song, hymn,	sorud	سرود
anthem		
to compose	sorudan	سرودن
service	servis	سرویس
fast, quick	sari?	سریع
attempt	sa?y	سعی
order,	sefâreš	سفارش
recommendation		
to order	sefâreš dâdan	سفارش دادن

س

previous, former	sâbeq	سابق
background,	sâbeqe	سابقه
reputation		
seaside	sâhel	ساحل
building	sâxtemân	ساختمان
watch maker	sâ?at sâz	ساعت ساز
foreleg	sâq	ساق
bag	sâk	ساک
silent	sâket	ساکت
hall, saloon	sâlon	سالن
centimeter	sântimetr	سانتی‌متر
verdure	sabze	سبزه (گیاه)
meadow	sabzezâr	سبزه‌زار
vegetable	sabzi	سبزی
vegetables	sabzijât	سبزیجات
green grocer	sabzi foruš	سبزی فروش
overtaking,	sebqat	سبقت
precedance		
to deposit	sepordan	سپردن (بانک)
to spend the time	separi kardan	سپری کردن
star	setâre	ستاره
astrologist	setâre šenâs	ستاره شناس
to praise	sotudan	ستودن
column	sotun	ستون
dawn	sahar	سحر
hardship, difficulty	saxti	سختی

to burn	suxtan	سوختن
benefit, interest (monetary)	sud	سود
hot	suzân	سوزان
to burn	suzândan	سوزاندن
needle	suzan	سوزن
crocodile	susmâr	سوسمار
suassages	soxis	سوسیس
suveniour	so(w)qât	سوغات
suveniour	so(w)qâti	سوغاتی
mourning	sug	سوغ
	se pâyê	سه پایه
political	siyâsi	سیاسی
potato	sibzamini	سیب زمینی
garlic	sir	سیر
cigarette	sigâr	سیگار
breast, chest	sine	سینه
tray	sini	سینی
question	so?âl	سؤال

ش

butterfly, moth	šâparak	شاپرک
branch	šâxe	شاخه
fresh	šâdâb	شاداب
freshness	šâdâbi	شادابی
joyful	šâdmân	شادمان
joy	šâdmâni	شادمانی

ordered, registered	sefâreši	سفارشی
pottery	sofâl	سفال
travel	safar	سفر
to make a trip, to travel	safar kardan	سفرکردن
table-cloth	sofre	سفره
roof	saqf	سقف
residence	sokunat	سکونت
coin	sekke	سکه
dog	sag	سگ
health	salâmati	سلامتی
chain, range	selsele	سلسله (کوه)
dynasty	selsele	سلسله (حکومت)
taste	saliqe	سلیقه
direction	samt	سمت
age	sen	سن
tradition	sonnat	سنت
stone	sang	سنگ
inscription, petrograph	sang nevešte	سنگ نوشته
heavy	sangin	سنگین
Sweden	su?ed	سوئد
to get on	savâr šodan	سوارشدن
riding	savârkâri	سوارکاری
soup	sup	سوپ
super maarket	supermârket	سوپرمارکت
whistle	sut	سوت
to whistle	sut zadan	سوت زدن

to break	šekastan	شکستن	poet	šá?er	شاعر
fragile	šekastani	شکستنی	shampoo	šámpu	شامپو
chocolate	šokolât	شکلات	shoulder	šâne	شانه (بدن)
blossom	šokufe	شکوفه	comb	šâne	شانه (آرایش)
glory	šokuh	شکوه	king	šâh	شاه
crowded	šoluq	شلوغ	witness	šâhed	شاهد
north	šomâl	شمال	prince	šâhzâde	شاهزاده
to count	šemordan	شمردن	masterpiece	šâhkâr	شاهکار
candle	šam?	شمع	qualified	šâyeste	شایسته
to recognize	šenâxtan	شناختن	dew	šabnam	شبنم
recognition	šenâsâyi	شناسایی	bravery	šojâ?at	شجاعت
to swim	šenâ kardan	شناکردن	person	šaxs	شخص
listening	šenidâr	شنیدار	personal	šaxsi	شخصی
joking	šuxi	شوخی	severity	šeddat	شدت
energy	šur (احساس روحی)	شور	east	šarq	شرق
salty	šur	شور (غذا)	cooperation,	šerkat	شرکت
radiator	šufâz	شوفاز	company		
interest	šo(w)q	شوق	beginning	šoru?	شروع
chimney, fire place	šumine	شومینه	to wash	šostan	شستن
husband	šohar	شوهر	washing	šost-o-šu	شست و شو
city	šahr	شهر	poem, poetry	še?r	شعر
fame	šohrat	شهرت	doubt	šak	شک
martyr	šahid	شهید	hunting	šekâr	شکار
milk	šir (نوشیدنی)	شیر	hunting-ground	šekârgâh	شکارگاه
lion	šir (حیوان)	شیر	failure	šekast	شکست
tab	šir	شیر (لوله)	to be defeated,	šekast	شکست خوردن
diving	širje	شیرجه	to fail	xordan	
milk man	širforuš	شیرفروش	to defeat	šekast dâdan	شکست دادن

box	sandūq	صندوق
cash	sandūq	صندوق
post box	sandūq post	صندوق پست
industry	sanʔat	صنعت
spruce	seno(w)bar	صنوبر
bill	surat hesâb	صورت حساب
mask	suratak	صورتک
hunter	sayyâd	صیاد
hunting, fishing	seyd	صید
to fish, to hunt	seyd kardan	صید کردن

ض

weak	zaʔif	ضعیف
------	-------	------

ط

bald	tâs	طاس (مو)
dice	tâs	طاس (بازی)
according to	tebqe	طبق
floor	tabaqe	طبقه
nature	tabiʔat	طبیعت
natural	tabiʔi	طبیعی
side	taraf	طرف
alphabet	harf	طرف
taste	taʔm	طعم
bait	toʔme	طعمه
gold	talâ	طلا
jeweler, gold smith	talâ sâz	طلا ساز

sweet	širin	شیرین
glass	šiše	شیشه
chemistry	šimi	شیمی
chemist	šimidân	شیمی دان
method	šive	شیوه

ص

owner	sâheb	صاحب
to export	sâder kardan	صادر کردن
morning	sobh	صبح
breakfast	sobhâne	صبحانه
morning	sobhgâh	صبحگاه
to wait	sabr kardan	صبر کردن
talk	sohbat	صحبت
to speak, to talk	sohbat kardan	صحبت کردن
desert	sahrâ	صحرا
sound, voice	sedâ	صدا
to call	sedâ zadan	صدا زدن
shell	sadaf	صدف
pleasure, enjoyment	safâ	صفا
zero	sefr	صفر
peace	solh	صلح
friendly	samimi	صمیمی
handicrafts	sanâyeʔe	صنایع دستی
	dasti	
chair	sandali	صندلی

picture, photo	?aks	عکس
interest	?alâqe	علاقه
interested	?alâqemand	علاقه‌مند
sign	?alâmat	علامت
in addition to	?alâve bar	علاوه بر
reason	?ellat	علت
science	?elm	علم
scientific	?elmi	علمی
age, life	?omr	عمر
depth	?omq	عمق
vertical	?amoudi	عمودی
public, general	?omumi	عمومی
deep	?amiq	عمیق
title, topic	?onvân	عنوان
instead	?avaz	عوض
visit an ill person	?ayâdat	عیادت

غ

cave	qâr	غار
unaware	qâfel	غافل
gland	qodde	غده
west	qarb	غرب
booth	qorfe	غرفه
to sink	qarq kardan	غرق کردن
pride	qorur	غرور
strange	qarib	غریب
sonnet	qazal	غزل

length	tul	طول
to last	tul kešidan	طول کشیدن
to go	tey kardan	طی کردن

ظ

delicate	zarif	ظریف
emergence	zohur	ظهور

ع

ordinary	?âddi	عادى
emotional	?âtefi	عاطفی
excellent	?âli	عالی
wonders	?ajâyeb	عجایب
strange	?ajib	عجیب
number, some	?edde	عده
to appologize	?ozr xâstan	عذرخواستن
Arab	arab	عرب
width	?arz	عرض
sweat	?araq	عرق
bride	?arus	عروس
wedding	?arusi	عروسی
mourning	?azâdâri	عزاداری
dear, darling	?aziz	عزیز
walking stick	?asâ	عصا
member	?ozv	عضو
modesty	?effat	عفت
hand (clock)	?aqrabak	عقربک (عقربه)

to be located	qarâr dâštan	قرار داشتن
to lend	qarz dâdan	قرض دادن
century	qarn	قرن
beautiful	qašang	قشنگ
butcher	qassâb	قصاب
story, tale	qesse	قصه
story teller	qesse gu	قصه گو
train	qatâr	قطار
cage	qafas	قفس
lock	qofl	قفل
heart	qalb	قلب
to roll	qel xordan	قِل خوردن
pen	qalam	قلم
pen case	qalamdân	قلم دان
peak, climax	qolle	قله
sugar	qand	قند
sugar cup	qandân	قندان
match box	quti kebrit	قوطی (کبریت)
tribe	qo(w)m	قوم
tribal	qo(w)mi	قومی
strong, powerful	qavi	قوی
champion	qahremân	قهرمان
coffee	qahve	قهوه
café, coffee-house	qahvexâne	قهوه خانه
face	qiyâfe	قیافه
scissors	qeyçi	قیچی
price	qeymat	قیمت
worthy, valuable	qeymati	قیمتی

philosopher	filsof	فیلسوف
film	film	فیلم
	ق	
frame	qâb	قاب
frame maker	qâb sâz	قاب ساز
remarkable	qâbele tavajjoh	قابل توجه
pan, cassrole	qâblame	قابلمه
murderer	qâtel	قاتل
continent	qârre	قاره
frame	qâleb	قالب
carpet	qâli	قالی
law	qânun	قانون
boat	qâyeq	قایق
boating	qâyeq savâri	قایق سواری
bill, receipt	qabz	قبض
ago, before	qabl	قبل
before	qablan	قبلاً
acceptance	qabul	قبول
height	qad	قد
value	qadr	قدر
power	qodrat	قدرت
antiquity	qedmat	قدمت
old days	qadim	قدیم
ancient times		
old, ancient	qadimi	قدیمی
Koran	qor?ân	قرآن

coat	kot	کت
book seller	ketâb foruŝ	کتابفروش
curved, crooked	kaj	کج
code	kod	کد
which	kodâm	کدام
postal code	kode posti	کدپستی
tie	kerâvât	کراوات
Kurd	kord	کرد
deed	kerdâr	کردار
sphere	kore	کره
butter	kare	کره
Christmas	kerismas	کریسمس
earn	kasb	کسب
farmer	kešâvarz	کشاورز
agriculture	kešâvarzi	کشاورزی
to kill	koŝtan	کشتن
raisin	keŝmeŝ	کشمش
to pull	keŝidan	کشیدن
to draw	keŝidan	کشیدن
foam	kaf	کف
palm	kaf	کف (بدن)
shoes	kafŝ	کفش
crow	kalâq	کلاغ
hat	kolâh	کلاه
maid	kolfat	کلفت
cabbage	kalam	کلم
key	kelid	کلید
little	kam	کم

ک

pine	kâj	کاج
palace	kâx	کاخ
Museum-palace	kâx muze	کاخ موزه
gift	kâdo(w)	کادو
application, usage	kârbord	کاربرد
card	kârt	کارت
postal card	kârt postâl	کارت پستال
factory	kâr xâne	کارخانه
to work	kâr kardan	کارکردن
workshop	kârgâh	کارگاه
worker	kârgar	کارگر
director	kârgardân	کارگردان
report card	kârnâme	کارنامه
carnaval	kârnâvâl	کارناوال
caravan	kârevân	کاروان
I wish	kâŝ	کاش
to plant	kâŝtan	کاشتن
paper	kâqaz	کاغذ
efficient, enough	kâfi	کافی
bologna	kâlbâs	کالباس
salami	kâlbâse xoŝk	کالباس خشک
truck	kâmiyon	کامیون
reduction	kâheŝ	کاهش
lettuce	kâhu	کاهو
kabab	kabâb	کباب
match	kebrit	کبریت

ل

lobby	lâbi	لابی
thin, slender	lâqar	لاغر
turtle	lâkpošt	لاک پشت
tulip	lâle	لاله
lamp	lâmp	لامپ
nest	lâne	لانه
layer	lâye	لایه
over flowing	labriz	لبریز
dairy products	labaniyyât	لبنیات
to be obstinate	laj kardan	لج کردن
quilt	lehâf	لحاف
moment	lahze	لحظه
to enjoy	lezzat bordan	لذت بردن
Lor	lor	لُر
to be kind to	lotf kardan	لطف کردن
word	lafz	لفظ
crane	lak lak	لک لک
maid	lale	لله
tools	lavâzem	لوازم
accent	lahje	لهجه
bachelor (degree)	lisâns	لیسانس

م

astonished	mât	مات
opaque	mât	مات
marker	mâžik	ماژیک

rose-water, an	golâb	گلاب
Iranian perfume		
vase	goldân	گلدان
flower garden	golzâr	گلزار
to score a goal	gol zadan	گل زدن
rose garden	golestân	گلستان
goal	gol	گل (فوتبال)
cauliflower	gole kalam	گل کلم
throat	galu	گلو
customs	gomrok	گمرک
treasure	ganj	گنج
capacity	gonjâyeš	گنجایش
wheat	gandom	گندم
wheat farm	gandomzâr	گندمزار
tomato,	go(w)je	گوجه فرنگی
	farangi	
sheep	gusfand	گوسفند
ear	guš	گوش
to listen	guš dâdan	گوش دادن
to listen	guš kardan	گوش کردن
receiver	guši	گوشی
chick	gune	گونه
speaker	guyande	گوینده
jewel, pearl	gohar	گهر
receiver	girande	گیرنده
cherry	gilâs	گیلاس

allowed, authorized	mojâz	مجاز
to be forced	majbur budan	مجبور بودن
statue	mojassame	مجسمه
curly	moja??ad	مچّد
set	majmu?e	مجموعه
region, place	mahal	محل
regional	mahalli	محلی
ground	mohavvate	محوّطه
area	mohit	محیط
various, different	moxtalef	مختلف
special	maxsus	مخصوص
duration	moddat	مدت
model	model	مدل
dean, principal,	modir	مدیر
manager		
indebted	madyun	مدیون
reference, refering	morâje?e	مراجعه
ceremony	marâsem	مراسم
man	mard	مرد
masculine	mardâne	مردانه
people	mardom	مردم
anthropology	mardomşenâsi	مردم‌شناسی
to die	mordan	مردن
duck	morqâbi	مرغابی
of good quality	marqub	مرغوب
center	markaz	مرکز
marbel	marmar	مرمر
pearl	morvârid	مروارید

yogurt	mâst	ماست
car	mâşin	ماشین
to rub	mâlidan	مالیدن
like, such as	mânand	مانند
month, moon	mâh	ماه
skillful	mâher	ماهر
monthly	mâhiyâne	ماهیانه
to fish	mâhi	ماهی گرفتن
fisherman	mâhigir	ماهی‌گیر
fishing	mâhigiri	ماهی‌گیری
liquid	mâye?	مایع
swimming trunk	mâyo	مایو
official	ma?mur	مأمور
happy	mobârak	مبارک
to get an illness	mobtalâ şodan	مبتلا شدن
price	mablaq	مبلغ
meter	metr	متر
underground,	metro	مترو
subway		
clerk, person in	motesaddi	متصدی
charge		
numerous	mote?added	متعدّد
text	matn	متن
diverse	motenavve?	متنوع
born	motevalled	متولد
like, similar	mesl	مثل
for example	masalan	مثلاً
triangle	mosallas	مثلث

to propose	matrah kardan	مطرح کردن	to review	morur kardan	مرور کردن
to set forth			annoyance	mozâhem	مزاحم
issue, topic	matlab	مطلب	salary, wage	mozd	مزد
sure	motma?en	مطمئن	farm	mazra?e	مزرعه
oppressed	mazlum	مظلوم	good news, good tidings	možde	مژده
contemporary	mo?âser	معاصر	question, issue	mas?ale	مسئله
exempted	mo?âf	معاف	in charge, responsible	mas?ul	مسئول
treatment	mo?âleje	معالجه	game	mosâbeqe	مسابقه
to examine	mo?âyene	معاینه	passenger	mosâfer	مسافر
mild, temperate	mo?tadel	معتدل	travel	mosâferat	مسافرت
to appologize	ma?zerat	معذرت خواستن	straight	mostaqim	مستقیم
famous	ma?ruf	معروف	mosque	masjed	مسجد
knowledge	ma?lumât	معلومات	ridiculous	masxare	مسخره
architecture	me?mâri	معماری	muslim	mosalmân	مسلمان
usually	ma?mulan	معمولاً	path	masir	مسیر
meaning	ma?nâ	معنا	consultant	mošâver	مشاور
shop	maqâze	مغازه	observe	mošâhede	مشاهده
sunset	maqreb	مغرب	specifications	mošaxxasât	مشخصات
west	maqreb	مغرب	problem	moškel	مشکل
opposite	moqâbel	مقابل	famous	mašhur	مشهور
article	maqâle	مقاله	consumption	masraf	مصرف
status, position	maqâm	مقام	consumed, used	masrafi	مصرفی
comparison	moqâyese	مقایسه	study	motâle?e	مطالعه
shrine	maqbare	مقبره	under	matrah	مطرح
amount	meqdâr	مقدار	consideration		
holy	moqaddas	مقدس			
destination	maqsad	مقصد			

engineer	mohandes	مهندس
middle	miyân	میان
nail	mix	میخ
birthday	milâd	میلاد
to be inclined to,	meyl dâštan	میل داشتن
to like, to desire		
million	milyun	میلیون
miniature	miniyâtor	مینیاتور
fruit	mive	میوه
country	mihan	میهن
foundation,	mo'assese	مؤسسه
institution		

ن

genious	nâbeqe	نابغه
blind	nâbinâ	نابینا
finger nail	nâxon	ناخن
coconut	nârgil	نارگیل
sour orange	nârenj	نارنج
tangerine	nârengi	نارنگی
regulator	nâzem	ناظم
assistant	nâzem	ناظم (مدرسه)
insignificant,	nâqâbel	ناقابل
suddenly	nâgahân	ناگهان
name	nâm	نام
to name	nâm bordan	نام بردن
to be called	nâm dâštan	نام داشتن

to meet	molâqât	ملاقات کردن
	kardan	
property	melk	ملک
national	melli	ملی
forbidden	mamnu?	ممنوع
grateful	mamnun	ممنون
proper	monâseb	مناسب
occasion	monâsebat	مناسبت
awaiting	montazer	منتظر
region	mantaqe	منطقه
in order	monazzam	منظم
motor	motor	موتور
mosaic	muzâ'ik	موزاییک
museum	muze	موزه
music	musiqi	موسیقی
successful	movaffaq	موفق
temporary	movaqqat	موقت
time, occasion	mo(w)qe?	موقع
immigrant	mohâjer	مهاجر
moonlight	mahtâb	مهتاب
passion, kindness	mehr	مهر
kind	mehrabân	مهربان
kindness	mehrabâni	مهربانی
important	mohem	مهم
guest	mehmân	مهمان
air host, hostess	mehmândâr	مهماندار
hospitable	mehmân navâz	مهمان نواز
party	mehmâni	مهمانی

association, visiting	nešast-o	نشست و برخاست
	barxâst	
military	nezâmi	نظامی
view	nazar	نظر
oil	naft	نفت
oil tanker	naft keš	نفت‌کش
curse	nefrin	نفرین
influence, penetration	nofuz	نفوذ
precious, valuable	nafis	نفیس
mask	neqâb	نقاب
painter, artist	naqqâš	نقاش
painting	naqqâšî	نقاشی
silver	noqre	نقره
picture, design	naqš	نقش
role	naqš	نقش
to have a role in	naqš dâštan	نقش داشتن
map	naqše	نقشه
an Iranina candy	noql	نقل
point	nokte	نکته
painter	negârgar	نگارگر
look	negâh	نگاه
to maintain	negâh dâštan	نگاه داشتن
worried	negarân	نگران
maintanance	negahdâri	نگهداری
prayers	namâz	نماز
to say prayers	namâz xândan	نماز خواندن
show	namâyeš	نمایش

fiancé	nâmzad	نامزد
engagement	nâmzadi	نامزدی
letter	nâme	نامه
to name	nâmidan	نامیدن
baker	nânvâ	نانوا
fighting	nabard	نبرد
result	natije	نتیجه
carpenter	najjâr	نجار
thread	nax	نخ
first	naxostin	نخستین
chick-pea	noxodçi	نخودچی
green pee	noxod farangi	نخودفرنگی
ladder	nardebân	نردبان
before	nareside	نرسیده
unripe, green	nareside	نرسیده
soft	narm	نرم
gradually, slowly, smoothly	narm narmak	نرم‌نرمک
near	nazdik	نزدیک
species	nežâd	نژاد
relation	nesbat	نسبت
prescription	nosxe	نسخه
breeze	nasim	نسیم
sign	nešân	نشان
to show	nešân dâdan	نشان دادن
representative	nešân dahande	نشان دهنده
sign	nešâne	نشانه
address	nešâni	نشانی

و

and	va	و
to enter	vâred šodan	وارد شدن
really	vâqeʔan	واقعاً
vax	vâks	واکس
lofty	vâlâ	والا
to exist	vojud dâštan	وجود داشتن
savage, wild	vahši	وحشی
sport center, stadium	varzešgâh	ورزشگاه
paper, sheet	varaqe	ورقه
inflation	varam	ورم
entrance	vorud	ورود
no entry	vorud mamnuʔ	ورود ممنوع
entrance	vorudi	ورودی
weight	vazn	وزن
to weigh	vazn kardan	وزن کردن
to blow	vazidan	وزیدن
equipments	vasâyel	وسایل
middle	vasat	وسط
vastness, extent	vosʔat	وسعت
vehicle	vasileye naqliye	وسیله‌ی نقلیه
country	vatan	وطن
fidelity	vafâ	وفا
faithful, loyal	vafâdâr	وفادار
to have time	vaqt dâštan	وقت داشتن

exhibition	namâyešgâh	نمایشگاه
drama, play	namâyeš nâme	نمایش‌نامه
representative, agent	anamâyande	نماینده
salt shaker	namak pâš	نمک‌پاش
salt container	namakdân	نمک‌دان
instance	nemune	نمونه
mother	nane	ننه
new	no(w)	نو
tape	navâr	نوار
light	nur	نور
Nowruz	noruz	نوروز
manuscript	nevešte	نوشته
to drink	nušidan	نوشیدن
drink, beverage	nušidani	نوشیدنی
type, kind	noʔ	نوع
peak	nok	نوک
author	nevisande	نویسنده
modern, new	novin	نوین
hidden, covert	nahân	نهان
final	nahâyi	نهایی
needy	niyâzmand	نیازمند
also	niz	نیز
reed-bed	neyzâr	نیزار
sting	niš	نیش
to sting	niš zadan	نیش زدن
good, proper	nik	نیک
goodness	niki	نیکی

gallery	honarkade	هنرکده
artist	honarmand	هنرمند
at the time of	hengâme	هنگام
yet, still	hanuz	هنوز
airplane	havâpeymâ	هواپیما
meteorologist	havâ šenâs	هواشناس
wisdom	huš	هوش
carrot	havij	هویج
nothing	hič	هیچ

ی

memory	yâd	یاد
to instruct, to teach	yâd dâdan	یاد دادن
note	yâddâšt	یادداشت
to learn	yâd gereftan	یادگرفتن
pal, friend	yâr	یار
Jasmine	yâs	یاس
ruby	yâqut	یاقوت
ice(n.)	yax	یخ
refrigerator	yaxčâl	یخچال
ice(adj)	yaxi	یخی
once	yekbâr	یکبار
the same	yeksân	یکسان
slow	yavâš	یواش

when	vaqti	وقتی
characteristic	vižegi	ویژگی

ه

hot dog	hât dâg	هات‌داگ
hotel	hotel	هتل
gift	hadiye	هدیه
never	hargez	هرگز
any time	har vaqt	هر وقت
cost, expense	hazine	هزینه
aware	hošyâr	هشیار
to push	hol dâdan	هل دادن
playmate	hambâzi	همبازی
hamburger	hamberger	همبرگر
also	hamčenin	همچنین
neighbour	hamsâye	همسایه
colleague	hamkâr	همکار
classmate	hamkelâs	هم‌کلاس
classmate	hamkelâsi	هم‌کلاسی
always	hamvâre	همواره
always	hamiše	همیشه
India	hend	هند
geometrical	hendesi	هندسی
watermelon	hendevâne	هندوانه
art	honar	هنر
actor, actress	honarpiše	هنرپیشه

